



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



المراد  
علیهما الصلوة  
والتسليم

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

# همراه با مهدی منتظر

بررسی تطبیقی مهدویت  
در اندیشه شیعه و سنی

تالیف: مهدی فتلاوی  
ترجمه: دکتر بیژن کریمی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

همراه با مهدی منتظر ( عجل الله تعالى فرجه الشريف )

نویسنده:

مهدی فتلاوی

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۸	همراه با مهدی منتظر علیه السلام بررسی تطبیقی مهدویت در اندیشه شیعه و سنی
۸	مشخصات کتاب
۹	اشاره
۱۳	فهرست
۱۸	مقدمه مترجم
۲۰	مقدمه مؤلف
۲۴	زمینه بحث
۲۴	مهدی علیه السلام در اندیشه بیدار مسلمانان
۲۶	توطئه چینی علیه مسأله مهدویت
۳۷	توطئه علیه مهدویت، چرا؟
۳۹	اختلافات مذهبی، امت اسلامی را تهدید نمی کند
۴۲	فصل اول زمینه های مورد اتفاق مسلمانان در مسأله مهدویت
۴۲	اشاره
۴۳	نخست: اتفاق نظر مسلمانان در اصل قضیه مهدویت
۴۵	دوم: اشتراک نظر در لزوم اعتقاد به مهدی علیه السلام
۴۹	سوم: اتفاق نظر بر این که مهدی از سلاله اهل بیت علیهم السلام است
۵۰	چهارم: اتفاق نظر مسلمانان در قطعیت برپایی حکومت مهدی علیه السلام
۵۱	پنجم: وحدت نظر مسلمانان در جهانی بودن حکومت مهدی علیه السلام
۶۲	ششم: توافق مسلمانان بر برخی از نشانه های ظهور
۶۴	هفتم: اتفاق نظر مسلمانان در نماز خواندن حضرت عیسی علیه السلام پشت سر حضرت مهدی علیه السلام
۶۶	فصل دوم زمینه های مورد اختلاف مذاهب اسلامی در مسأله مهدویت
۶۶	توضیح
۶۶	اختلاف در ولادت حضرت مهدی علیه السلام

۶۷	گواهی اهل بیت علیهم السلام در مورد ولادت مهدی علیه السلام
۶۸	گواهی رسول خداصلی الله علیه وآله
۶۹	گواهی امام علی علیه السلام
۶۹	گواهی امام حسن علیه السلام
۶۹	گواهی امام حسین علیه السلام
۷۰	گواهی امام زین العابدین علیه السلام
۷۰	گواهی امام باقرعلیه السلام
۷۱	گواهی امام صادق علیه السلام
۷۲	گواهی امام کاظم علیه السلام
۷۳	گواهی امام رضاعلیه السلام
۷۴	گواهی امام جوادعلیه السلام
۷۵	گواهی امام هادی علیه السلام
۷۵	گواهی امام حسن عسکری علیه السلام
۷۶	روایاتی که از اختلاف امت درباره ولادت حضرت علیه السلام خبر می دهند
۷۸	گواهی دانشمندان شیعه
۸۰	گواهی مورخان
۸۳	گواهی دانشمندان اهل سنت
۹۴	فصل سوم: اختلاف مسلمانان درباره نام پدر امام زمان علیه السلام
۹۴	اشاره
۱۰۰	اختلاف درباره جدّ بزرگوار مهدی علیه السلام
۱۱۰	اختلاف مسلمانان درباره عصمت حضرت مهدی علیه السلام
۱۲۲	اختلاف امت اسلامی در غیبت امام زمان علیه السلام
۱۲۲	قسمت اول
۱۲۹	قسمت دوم
۱۳۶	خاتمه
۱۴۱	منابع و مصادر

۱۴۹ ..... فهرست منشورات مسجد مقدس جمکران

۱۵۵ ..... درباره مرکز

## همراه با مهدی منتظر علیه السلام بررسی تطبیقی مهدویت در اندیشه شیعه و سنی

### مشخصات کتاب

سرشناسه: فتلاوی مهدی حمد

عنوان قراردادی: مع المهدی المنتظر فی درسه منهجیه مقارنه بین الفکر الاسلامی الشیعی والسنی فارسی

عنوان و نام پدیدآور: همراه با مهدی منتظر علیه السلام بررسی تطبیقی مهدویت در اندیشه شیعه و سنی تألیف مهدی فتلاوی  
ترجمه بیژن کرمی

مشخصات نشر: قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۴.

مشخصات ظاهری: [۱۳۳] ص.

شابک: ۶۰۰۰ ریال ۹۶۴۸۴۸۴۴۵۶؛ ۹۰۰۰ ریال چاپ دوم ۹۷۸-۹۶۴-۸۴۸۴-۴۵-۸

وضعیت فهرست نویسی: فایا

یادداشت: چاپ دوم: تابستان ۱۳۸۶.

یادداشت: کتابنامه ص. [۱۳۲ - ۱۳۳]؛ همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر: بررسی تطبیقی مهدویت در اندیشه شیعه و سنی

موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. -- احادیث

موضوع: مهدویت -- مطالعات تطبیقی

موضوع: احادیث اهل سنت

شناسه افزوده: کرمی، بیژن، ۱۳۴۲-، مترجم

شناسه افزوده: مسجد جمکران (قم)

رده بندی کنگره: BP۲۲۴/ف۲ م ۶۰۴۱ ۱۳۸۴

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی: م ۸۴-۳۳۵۵۷



ص: ۱

اشاره



همراه با مهدی منتظر علیه السلام بررسی تطبیقی مهدویت در اندیشه شیعه و سنی

تالیف مهدی فتلاوی ترجمه بیژن کرمی

ص: ۳



## فهرست

۹	مقدمه مترجم .....
۱۱	مقدمه مؤلف .....

## زمینه بحث

۱۵	مهدی <small>علیه السلام</small> در اندیشه بیدار مسلمانان .....
۱۷	توطئه چینی علیه مسأله مهدویت .....
۲۸	توطئه علیه مهدویت، چرا؟ .....
۳۰	اختلافات مذهبی، امت اسلامی را تهدید نمی کند .....

## فصل اول

۳۳	زمینه های مورد اتفاق مسلمانان در مسأله مهدویت .....
۳۴	نخست: اتفاق نظر مسلمانان در اصل قضیه مهدویت .....
۳۶	دوم: اشتراک نظر در لزوم اعتقاد به مهدی <small>علیه السلام</small> .....
۴۰	سوم: اتفاق نظر بر این که مهدی از سلاله اهل بیت <small>علیهم السلام</small> است .....



- چهارم: اتفاق نظر مسلمانان در قطعیت برپایی حکومت مهدی علیه السلام ..... ۴۱
- پنجم: وحدت نظر مسلمانان در جهانی بودن حکومت مهدی علیه السلام ..... ۴۲
- ششم: توافق مسلمانان بر برخی از نشانه‌های ظهور ..... ۵۳
- هفتم: اتفاق نظر در نماز خواندن عیسی علیه السلام پشت سر حضرت مهدی علیه السلام .. ۵۵

## فصل دوم

- زمینه‌های مورد اختلاف مذاهب اسلامی در مسأله مهدویت ..... ۵۷
- اختلاف در ولادت حضرت مهدی علیه السلام ..... ۵۷
- گواهی اهل بیت علیهم السلام در مورد ولادت مهدی علیه السلام ..... ۵۸
- گواهی رسول خدا صلی الله علیه و آله ..... ۵۹
- گواهی امام علی علیه السلام ..... ۶۰
- گواهی امام حسن علیه السلام ..... ۶۰
- گواهی امام حسین علیه السلام ..... ۶۰
- گواهی امام زین العابدین علیه السلام ..... ۶۱
- گواهی امام محمد باقر علیه السلام ..... ۶۱
- گواهی امام صادق علیه السلام ..... ۶۲
- گواهی امام کاظم علیه السلام ..... ۶۳
- گواهی امام رضا علیه السلام ..... ۶۴
- گواهی امام جواد علیه السلام ..... ۶۵

۶۶	گواهی امام هادی <small>علیه السلام</small> .....
۶۶	گواهی امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small> .....
۶۷	روایاتی که از اختلاف امت درباره ولادت حضرت <small>علیه السلام</small> خبر می دهند .....
۶۹	گواهی دانشمندان شیعه .....
۷۱	گواهی مورخان .....
۷۴	گواهی دانشمندان اهل سنت .....

### فصل سوم

۸۵	اختلاف مسلمانان درباره نام پدر امام زمان <small>علیه السلام</small> .....
۹۱	اختلاف درباره جدّ بزرگوار مهدی <small>علیه السلام</small> .....
۱۰۱	اختلاف مسلمانان درباره عصمت حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> .....
۱۱۳	اختلاف امت اسلامی در غیبت امام زمان <small>علیه السلام</small> .....
۱۲۷	خاتمه .....
۱۳۲	منابع و مصادر .....





مدت زمانی بود که ترجمه این اثر که هم اکنون در اختیار شما خوانندگان گرامی قرار گرفته است من را همراهی می کرد، تا این که به یاری خداوند متعال و عنایت امام عصر علیه السلام در بهار ۱۳۷۸ کار ترجمه آن را شروع نمودم و در این راه از همکاری و تشویق دوستان و آشنایان بی بهره نبودم.

اینک که به یاری خداوند متعال در تابستان ۱۳۸۴ کار ترجمه آن به پایان رسیده است لازم می دانم به نکات ذیل اشاره نمایم:

(۱) در امر ترجمه، تا حد امکان با متخصصین علوم حدیث و قرآن، مشورت نمودم تا بتوانم ترجمه ای درست، روان و به روز را که به روح حاکم بر کتاب خدشه ای وارد نکند و رعایت امانت مطالب شده باشد در اختیار علاقه مندان به ساحت مقدس آن حضرت قرار دهم.

(۲) ترجمه کتاب را توفیقی برای خود می دانم که خداوند متعال نصیب این جانب نموده است تا به برکت احادیث و آیات قرآنی، گامی بلندتر به سوی آشنایی بیشتر با سیره و سنت اهل بیت علیهم السلام برداشته باشم.

(۳) از استاد گرانقدرم، جناب آقای دکتر نجفی اسداللهی و دیگر دوستان عزیزی که بنده را در این راه همیاری نموده اند، صمیمانه تشکر و قدردانی می نمایم.

امید است این اثر مورد قبول درگاه الهی واقع شود. ان شاء الله.



آنچه در این کتاب آمده، بررسی فکری، تاریخی و مقایسه‌ای است که به صورت خلاصه، موارد اتفاق و اختلاف اعتقادی و تاریخی بین شیعه و سنی درباره حضرت مهدی منتظر علیه السلام را مورد کنکاش قرار می‌دهد. تکیه این جانب در این تحقیق بر منابع و مراجع هر دو گروه مذهبی بوده است.

در ابتدای بحث، بابی گشوده شده که در آن نقش اعتقاد به مهدویت در اندیشه و تفکر بیدارگر اسلامی توضیح داده شده است. سپس ابعاد توطئه علیه این عقیده؛ چه از لحاظ تاریخی و چه سیاسی و فکری بیان گشته است. بعد از آن به نظرات علمای دو فرقه که در صحت آن توافق نظر دارند تکیه نموده ایم.

اما زمینه‌های اختلاف برانگیز، که همیشه مرکز و محور درگیری‌های مذهبی امت اسلامی است، به شکل تاریخی و اعتقادی و سیاسی رخ می‌نماید. مادامی که روند اندیشه‌های اسلامی در حلّ چنین اختلافاتی تأثر از منشی علمی ندارد و بائیتی خالصانه همراه نباشد، هیچ زمینه‌ای برای جلوگیری از آن و ریشه کن کردنش وجود ندارد، شیوه‌ای که اصول و پایه‌های علمی اش تحت تأثیر قرآن کریم و سنت ناب نبوی است. همانا رهنمون شدن به این منش ربّانی، به قصد

متحد ساختن مواضع فکری مسلمانان، مسأله دشواری نیست به شرط آن که مسلمانان به کتاب خداوند متعال باز گردند؛ زیرا پروردگار سبحان، خود کتابش را چنین وصف کرده است: «محققاً این قرآن مردم را به راست ترین و استوارترین منش و طریقه، هدایت می کند و مؤمنین را بشارت می دهد.»<sup>(۱)</sup>

در نتیجه مسلمانان در حلّ اختلاف هایشان - همان طوری که خداوند بلند مرتبه فرمانشان داده - می بایست به سنت حسنه و معتبر پیامبر صلی الله علیه و آله مراجعه کنند. «نه چنین است، قسم به پروردگارت! اینان از اهل ایمان نمی شوند مگر آن که در خصومت ها و نزاع هایشان تنها تو را حاکم و قاضی کنند. آن گاه به هر نوع قضاوتی که بنمایی هیچ گونه اعتراضی نداشته و کاملاً از دل و جان تسلیم تو باشند.»<sup>(۲)</sup>

این جانب در برخورد با اختلافات مذهبی مربوط به مهدی منتظر علیه السلام، در مسائل ثابت و مستحکم فکری و تاریخی مشترک بین شیعه و سنی و زدودن اختلافات این دو مذهب در موضوعات مطروحه، به قدر امکان تلاش نمودم، از پرتو نور قرآن و نور نبوت استعانت و یاری جویم.

با وجودی که دلایل مطرح شده در این نوشتار - در باب حلّ اختلافات مذهبی مسأله مهدویت - از ویژگی هایی چون؛ ریشه دار بودن، عمیق بودن و قدرت اصالت برخوردار است و جز منکر حقّ یا آنانی که آگاهانه تکبر می ورزند، هیچ کس توانایی انکار آن را ندارد.

با وجود این، قبل از هر چیزی معترفم که آنچه ذکر کرده ام در نهایت اختصار

ص: ۱۲

---

۱- ۱. سوره اسراء / آیه ۹.

۲- ۲. سوره نساء / آیه ۶۵.

است و دلیل من در این موضوع آن است که کتاب نگاشته شده خلاصه ای از مجموعه تحقیقات و بحث هایی است که آن را از یک تحقیق کامل و گسترده در باب مقایسه دو مکتب شیعه و سنی در حل اختلافات مذهبی راجع به مهدی منتظر علیه السلام نوشته ام که تاکنون موفق به چاپ آن ها نشده ام.

به هر حال از خداوند - تبارک و تعالی - درخواست می کنم بنده را در این تحقیق به قصد نزدیک ساختن نقطه نظرهای مسلمانان - با وجود اختلاف مذاهبشان - در ارتباط با دیدگاه های مختلف مسأله مهدویت توفیق ارزانی فرماید. همان طوری که آرزومندم با این تحقیق، سهمی مختصر در زدودن شبهه های بی پایه که اساس درگیری های مذهبی، تاریخی و فکری و تهمت هایی است که ستمگران و متعصبان به مکتب اهل بیت علیهم السلام زده اند، داشته باشم.

پروردگارا! ما را از جمله کسانی قرار ده که پیرو قرآن کریم بوده و به نور هدایت رسول گرامی ات رهنمون شده و با نور ولایت اهل بیتی که هر نوع پلیدی را از آنان زدوده ای و از زشتی ها پاکشان نموده ای و به رهبری خلق الله، تکریم شان فرموده ای و در علم، اخلاق، جهاد، سیاست، عبادت و شهادت، اسوه و الگوی بندگانش نموده ای.

سپاس خداوند جهانیان را که بر او توکل کرده، به سوی او باز می گردم و وی مرا کفایت کند که او بهترین و کیل است.

۱۲ جمادی الثانی (۱۴۱۶ ه.ق)

مهدی الفتلاوی - بیروت لبنان

ص: ۱۳



## مهدی علیه السلام در اندیشه بیدار مسلمانان

دین اسلام، قضیه مهدی علیه السلام را تنها یک ایده و تفکر خیالی که بشارت قیام رهبری مبهم، در آینده ای نامعلوم جهت رهایی بشریت از ظلم و جور را می دهد مطرح نساخته بلکه آن را به عنوان یک مسأله اعتقادی که دارای نشانه و علائم روشن و پا برجایی است، مطرح می کند و این اعتقاد دردل و جان و وجدان امت اسلامی و هم چنین در زندگی سیاسی و مبارزاتی آن ها وجود دارد.

در حالی که امت اسلامی با چنین اندیشه های منحرفی درگیر است کوشش می کند آن را تغییر دهد تا به این وضعیت، رنگی اسلامی و سمت و سوی دینی دهد و در میادین جهادی، با سمبل کفر و گمراهی و دشمنان دین مقابله نماید. تمامی این تلاش ها برای فراهم آوردن زمینه های ایمانی و مسؤولیت پذیری است تا برای پذیرایی و استقبال از رهبر منتظرش تناسبی داشته باشد؛ زیرا امت اسلامی در انتظار ظهور ناگهانی ایشان و مشارکت در قیام و انقلاب جهانگیرشان می باشند و زمان استقبال از یک شخصیت انقلابی جهانی - آن گاه که تاریخش مشخص نشده باشد - معنایش آن است که دائماً می بایست در حال



آماده باش بود تا آن روزی که از وی استقبال و در جنبش انقلابی و جهانی وی شرکت کنیم؛ زیرا ما، همه روزه در انتظار ظهورشان هستیم.

نظریه شخصیتی انقلابی، جهانی و انتقام گیرنده از دشمنان خدا، به خودی خود، دنیایی را فرا خواهد گرفت که پر از ستم و جور می شود و از فساد و گمراهی پر گردد، دنیایی که خواسته های مادی بر آن حاکم و سرنوشتش به دست طاغوتیان و زیر سلطه نیروهای ستمگر است. در حالی که انقلاب مهدی منتظرعلیه السلام انقلابی است فراگیر، که سراسر زوایای انحراف را که بر کره زمین سایه افکنده و با زور و قدرت، سلطه خویش بر اهل زمین تحمیل نموده، و آن را پر از ظلم و ستم نموده، متحول می کند.

بنابراین چنین تصور متصل به غیبی که روح انقلابی و علاقه به جهاد را در وجدان مسلمانان دمیده طبیعی است؛ زیرا چنین روحی است که در نهاد منتظرین قیام و انقلاب، علیه ظلم، ستم، جور و شرک و مخالفت همه جانبه با انواع انحرافات را تجسم می کند. این روح، همه سرکردگان کفر و طاغوتیان، هر چند نیرومند بوده و دارای قدرت و سلطه فراگیری باشند را به مبارزه می طلبد.

با وجودی که تفکر و ایده مهدویت، نماد فریادی است بس بلند بر سر تمامی طاغوت های زمین و مخالفتی است قاطعانه با تمامی شیوه های عدول از ارزش های الهی، با این وصف یک فراخوانی است روشن و آشکار که از مسلمانان می خواهد؛ چه از لحاظ اعتقادی و چه از لحاظ عملی - با منشی درست - دقیقاً به اسلام پایبند باشند، چنان که قیام حضرت مهدی علیه السلام و جنبش

ایشان از جوامع اروپایی شروع نشده بلکه از درون جوامع اسلامی سرچشمه می گیرد تا در ابتدا مسلمانان منحرف را تصفیه بنماید؛ مسلمانانی که قبل از ظهور ایشان موفق به توبه و اصلاح باطن خویش نشدند.

بدین سان است که ما معتقدیم قضیه مهدی منتظر - در تصور آگاهانه اسلامی - به تلاشی هدفمند جهت انتظار و جهادی بیدارگر تبدیل شده است که منتظران را برای قدم نهادن در جهاد تربیت درونی که همان جهاد اکبر و مبارزه با شیطان و نفس اماره است، رهبری می کند. هدف هم در این انتظار آن است که بر این دو دشمن - نبرد با شیطان درون و نفس اماره - غلبه کرده و درون را از انگیزه های انحراف پاک نماید، عواملی که فرد مسلمان را از سعادت دیدار مهدی منتظر علیه السلام محروم کرده و مانع از رفتن به سمت راه و روش ایشان می شود.

در عین حال اسلام از همه مسلمانان می خواهد که پا به میدان نبرد اعتقادی، سیاسی و جهادی بگذارند تا در روند مقدمه چینی ظهور رهبر و پیشوای خود مشارکت داشته و در نهایت، آماده پذیرایی و استقبال از ایشان باشند. هم چنین در فتوحات جهانی و تأسیس حکومت عدل الهی در سایه ولایت و خلافت جهان شمول ایشان، مشارکت نمایند.

### **توطئه چینی علیه مسأله مهدویت**

حرکت های توطئه گری از گذشته تا به حال علیه مسأله مهدویت وجود داشته است. به طوری که ما از روند تاریخی آن متوجه می شویم، این توطئه ها یک بار

رنگ سیاسی، و بار دیگر رنگ فرهنگی و فکری به خود می‌گیرد، لکن به طور کلی هدف از این حرکت‌ها، محو کردن آثار و نشانه‌های مسأله‌مهدویت در اسلام و نابود ساختن آن در جان و روان مسلمانان است.

آغاز چنین توطئه‌هایی در بُعد تاریخی در دوران خلافت امویان و با پی‌گیری و تلاش خود معاویه بوده است. او تلاش می‌کرد نظریه وجود مهدی منتظر علیه السلام را بر عیسی پسر مریم علیهما السلام تطبیق دهد تا اندیشه مهدویت را در اذهان مسلمانان بمیراند. هم‌چنین هدف او خاموش کردن حرارت ایمان و نقش مسئولیت‌پذیری و جهادگرانه آن در جامعه اسلامی بود.

معاویه در یک نشست خطاب به گروهی از بنی‌هاشم چنین گفت: «شما ای گروه بنی‌هاشم! مدعی هستید حکومت هاشمی و مهدی قائم از آن شماست، حال آن‌که مهدی همان عیسی پسر مریم است و خلافت در اختیار ماست تا آن‌را به عیسی تقدیم کنیم.»

ص: ۱۸

از این گفت و گو چنین بر می آید که معاویه می خواهد ریشه نظریه مهدویت در اسلام را از بین ببرد(۱) و آن را از جمله ویژگی های آیین مسیحیت قرار دهد. مع الوصف تلاش نموده آن را به سود خلافت اموی به کار گیرد تا بدین وسیله خلافت را در طول تاریخ از اهل بیت علیهم السلام دور گرداند و خلافت پیوسته در اختیار بنی امیه بوده، آنان نیز حکومت را به عیسی بن مریم علیهما السلام تقدیم کنند.

ابن عباس از جمله بنی هاشم بود که در این نشست حضور داشت، وی به معاویه - که تلاش می کرد احادیث نبوی را تحریف نماید و عقاید و افکار اسلامی و مفاهیم آن را به نفع سیاست ستمگرانه اموی به بازیچه بگیرد - اجازه چنین کاری را نداد.

ابن عباس به معاویه گفت: «معاویه گوش کن! این که می گویی ما ادعا می کنیم حکومت مهدی مال ما است - بدان که ادعا و گمان - در مورد قرآن مساوی است با شک به قرآن، در حالی که خداوند متعال فرموده است: کافران چنین پنداشتند که هرگز برانگیخته نخواهند شد، ای رسول ما به آنان بگو آری به خدا قسم که البته مبعوث خواهید شد.(۲)

اما این که می گویی حکومت هاشمی و مهدی قائم علیه السلام از آن ما است، همگان می دانند که اگر از عمر دنیا تنها یک روز باقی مانده باشد، پروردگار متعال در آن روز مهدی را بر جهانیان حاکم فرماید و ایشان زمین را بعد از آن که از ظلم و جور پر شده، مملو از قسط و داد می کند.

و اما این که ادعا می کنی مهدی علیه السلام همان عیسی بن مریم علیهما السلام است، بدان که عیسی برای جنگیدن با دجال می آید. مهدی از ما اهل بیت است و عیسی علیه السلام پشت سر او به نماز می ایستد.(۳)

ص: ۱۹

---

۱-۳. نگارنده معتقد است که این توطئه بلافاصله پس از وفات رسول خداصلی الله علیه وآله با جلوگیری از نشر و تدوین سنت نبوی، آغاز گشت.

۲-۴. سوره تغابن / آیه ۷.

۳-۵. الملاحم والفتن ابن طاووس ۱۱۷ - ۱۱۶ به نقل از تاریخ طبری. هم چنین، این گفت و گو را ابن شیبیه در کتاب خود و با سند صحیح روایت کرده، اما به نام معاویه تصریح نکرده است. هم چنین نعیم بن حماد در الفتن {۱۰۲؟} این خبر را با اندکی اختلاف و با سند صحیح روایت کرده است. تقی هندی آن را به نقل از ابن ابی شیبیه و از نعیم در کتاب البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان (ج ۲، ص ۳ - ۵۲۲) آورده است. محقق هندی در حاشیه اثر خود اظهار داشته که این حدیث دارای سند صحیح است.

از این برخوردار معاویه و ابن عباس متوجه می شویم، آن دسته از روایاتی که ایده مهدویت را بر عیسی بن مریم تطبیق می دهد، در واقع جزئی از سلسله توطئه های سیاسی علیه قضیه مهدویت است که به وسیله بنی امیه طرح ریزی شده است؛ زیرا آنان می خواستند اهل بیت علیهم السلام را از مسند خلافت دور کنند. علمای جرح و تعدیل اهل سنت در ردّ و پاسخ گویی به چنین احادیثی اجماع دارند، چرا که با احادیث متواتر و صحیح منقول از رسول خداصلی الله علیه وآله در تضاد است؛ از آن جمله که می فرمایند: مهدی از اهل بیت و از فرزندان فاطمه است.

از جمله احادیث جعلی درباره مهدی و در عین حال به نفع سیاست اموی، حدیثی است که انس بن مالک آن را به پیامبرصلی الله علیه وآله نسبت داده که ایشان فرموده اند: «اوضاع مسلمانان روز به روز رو به وخامت نهاده، عدم اقبال بیشتر شده، مردم بخیل تر و قیامت جز بر ضرر شروترین مردم برپا نشود و مهدی کسی جز عیسی بن مریم نیست.»<sup>(۱)</sup>

علمای اسلامی با ارائه دو دلیل این حدیث را از درجه اعتبار انداخته اند:

نخست: آن که این حدیث از لحاظ سندیت مورد تردید است؛ زیرا علمای مسلمان، متفق القولند که محمد بن خالد جندی از افرادی است که در جعل حدیث شهرت دارد و ثابت شده که وی احادیث صحیح را به بازی گرفته، لذا

ص: ۲۰

ایراد این حدیث به وی برمی گردد. همان طوری که در حدیث مساجد که همگان به آن چهار مسجد توصیه شده اند نیز چنین کرده است. با وجود این که حدیث از نظر سند صحیح است امّا وی - محمّد بن خالد جندی - حدیث را این چنین وارونه روایت می کند: مردم به سوی چهار مسجد روانه می شوند: مسجد الحرام، مسجد من (مسجد رسول خدا) مسجد الاقصی و مسجد جندی. (۱)

بنابراین محمد جندی مسجد شهر خویش را از جمله اماکن مقدّس در بین دیگر مساجد بزرگ و مقدّس قرار داده است.

دوم: از لحاظ متن، این حدیث قابل اشکال است. مسلمانان همگی متفق القولند که نوع این حدیث، خبر منکر است. (۲) زیرا با آن دسته احادیثی که به صورت متواتر از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که براساس آن ها فرموده اند: مهدی از عترت و اهل بیت و از نسل فاطمه است. و این که عیسی علیه السلام در زمان ظهور آن حضرت از آسمان فرود می آید و پشت سر حضرت نماز می خواند و در تأیید خلافت الهی ایشان به امام علیه السلام اقتدا می کند، در تعارض است. این حدیث که حضرت عیسی علیه السلام در نماز به امام زمان علیه السلام اقتدا می کند، در کتب حدیث اهل سنت (صحاح سنّه) و مهم ترین آن ها؛ یعنی صحیح مسلم و صحیح بخاری نقل شده است.

ص: ۲۱

---

۱- ۷. تهذیب التهذیب / ج ۹، ص ۱۲۶ - ۱۲۵.

۲- ۸. این حدیث توسط علمای اهل سنت در زمره احادیث ضعیف و جعلی به مناقشه گذاشته شده است. ر.ک: البانی، الاحادیث الضعیفه و الموضوعه و کتاب شیخ عبدالمحسن عباد، عقیده اهل السنه و الاثر فی المهدی المنتظر. کتاب اخیر بحث روایی ارزشمندی است که در مجله دانشگاه اسلامی حجاز سال ۱، ش ۳ {ذی القعدة ۱۳۸۸ / فوریه ۱۹۶۹} چاپ شده است.

به هر حال تلاش امویان در تطبیق تفکر مهدی علیه السلام بر عیسی بن مریم علیهما السلام محکوم به شکست شد. به همین خاطر آنان شیوه دیگری را جهت بهره برداری از مسأله مهدویت به نفع سیاست اموی به کار گرفته و در نتیجه احادیثی را جعل نمودند که در آن ها تصریح شده که حضرت مهدی علیه السلام از بنی امیه است.

در این کار آنان چنان زیرک و باهوش بودند که چنین احادیثی را به یاران هاشمی رسول خدا صلی الله علیه و آله و با تعیین هاشمی منتسب می کردند تا نزد عموم مسلمانان مقبول افتد؛ به طور مثال از ابن عباس روایت کردند: راجع به مهدی از وی پرسیده شد، ابن عباس گفت: «از نسل عدنان و از پسران عبد شمس است.»<sup>(۱)</sup>

در روایتی به نقل از محمد بن حنفیه چنین آورده اند: «اگر قرار باشد مهدی علیه السلام وجود داشته باشد بدون تردید وی از اولاد عبد شمس است.» و عبد شمس همان جد بزرگ بنی امیه است.<sup>(۲)</sup>

برخی از بنی امیه تلاش نمودند ویژگی های مهدی علیه السلام را بر عمر بن عبدالعزیز یا بر دیگر خلفای بنی امیه منطبق سازند. لکن تمام سعی آن ها بی فایده بود و سودی به حالشان نداشت؛ زیرا احادیث بی شماری وجود داشت که تصریح می کرد حضرت مهدی علیه السلام از اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله است.

اما بعد از فروپاشی و پایان یافتن خلافت اموی، قضیه مهدویت با توطئه های فکری و سیاسی خطرناک دیگری مواجه شد. این توطئه ها توسط افرادی طرح ریزی می شد که به بیت هاشمی و فرزندان امام حسن علیه السلام و بنی عباس

ص: ۲۲

---

۱- ۹. ابن حماد، الفتن، ص ۱۰۳.

۲- ۱۰. همان، ص ۱۰۲.

مرتبط و منتسب بودند، کسانی که خصوصیات حضرت مهدی علیه السلام را به خود نسبت می دادند و نام ایشان را بر خود می نهادند. اینان حتی القاب مشهور حضرت مهدی علیه السلام که در احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله در شأن و منزلت حضرت ثبت شده بود را به خود اختصاص می دادند.

مثلاً حسنی ها ادعا کردند که مهدی علیه السلام از نسل آنان است و اخبار و احادیث منقول از پیامبر صلی الله علیه و آله که حضرت مهدی علیه السلام را وصف نموده بود، به فرزندشان که بر ضد خلافت بنی عباس قیام کرده بود، منطبق می ساختند و نام وی محمّد بود و پدرش عبدالله بن حسن. آن هنگام که قیام وی به شکست انجامید و ابوجعفر منصور دوانیقی وی را به قتل رسانید، او را به نفس زکیه ملقب ساختند.

بنی عباس نیز مدعی شدند، مهدی علیه السلام از ایشان است و بشارت های نبوی مختص به ایشان را بر سؤمین خلیفه شان منطبق ساختند. نامش محمد و اسم پدرش عبدالله، همان ابوجعفر منصور ملقب به دوانیقی است. وی طراح نقشه ادعای مهدویت به نفع پسرش بود.

از همین جا است که برخی علمای محقق اهل تسنن معتقدند، جمله اخیر حدیث نبوی که فرموده: «وی (مهدی) با من هم نام و اسم پدرش نیز با اسم پدر من یکی است»، تعبیری است که در این حدیث جعل و وارد شده است. (۱)

ص: ۲۳

---

۱- ۱۱. ر.ک: البیان فی اخبار صاحب الزمان، نوشته حافظ ابی عبدالله محمد بن یوسف قرشی شافعی {گنجی} وی از جمله افرادی است که در صحت صدور جمله اخیر - در این حدیث - از جانب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تشکیک کرده است.



واقعیت آن است که برخورد عباسی ها و حسنی ها با این حدیث، تصویری از درگیری تاریخی آنان بر سر خلافت را منعکس می کند.

بدین جهت می توان گفت: قضیه مهدویت در متون عصر خلافت عباسیان تحریف گشته؛ زیرا عصر تدوین حدیث در آغاز خلافت آنان بود. هم چنین این مسئله در اجرا و عمل نیز با تحریف مواجه شد، به این دلیل که بنی عباس برای رسیدن به خلافت، از نام اهل بیت علیهم السلام به ویژه مسأله مهدویت سوء استفاده کردند. شاید آن دسته از احادیث نبوی که به نکوهش خلافت عباسی پرداخته و از آنان به عنوان «خیانت کاران و دروغ گویان ظاهر ساز و نیرنگ باز» نام برده اند، به این معنا اشاره داشته باشد؛ زیرا بنی عباس حق را با باطل در هم آمیخته و مسلمانان را فریب دادند.

اما بعد از عصر عباسی، توطئه مخالفت با مسأله مهدویت نسبت به گذشته شکل های بیشتری به خود گرفت.

ما در اینجا و در این مختصر، در صدد بیان حلقه های تاریخی، ابواب فکری، سیاسی و ابعاد منفی آن بر امت اسلامی نیستیم. اما از جمله بارزترین دسیسه ها و تلاش های توطئه گرانه و مفتضحانه بر علیه این قضیه غیبی، همان مخدوش جلوه دادن و ایراد وارد کردن بر احادیث قضیه مهدویت یا ضعیف جلوه دادن اسناد و زیر سؤال بردن روایان احادیث بوده است.

ابن خلدون پیش قراول قلم به دستانی است که باب طعن را بر احادیث مهدی گشوده و دیگر نویسندگان نیز از وی تبعیت کرده و این شیوه را دنبال نموده اند.

در صورتی که نویسندگانی که از ابن خلدون در طعنه زدن به احادیث مهدی علیه السلام پیروی کرده اند، هیچ شناختی از علم روایت حدیث و یا هر علم دیگری در این باب نداشته اند، بلکه حتی کمترین اطلاعی از اصول جرح و تعدیل نیز نداشته، چرا که قضیه مهدی علیه السلام از جمله مسائل متواتر اسلامی است که اخبار فراوانی در مورد آن صادر گشته است، و احادیث متواتر از جمله مباحثی است که کسی وارد بحث سندی آن نمی شود، همان طوری که این موضوع در علم حدیث و علم اصول نیز پذیرفته شده است.

با این وصف رنج بی فایده آنان در طعنه زدن و اشکال وارد کردن به احادیث مهدی علیه السلام با پاسخ های مستحکم علمی و بسیار متین بزرگان و دانشمندان امت اسلامی مواجه شده است؛ به خصوص علما و دانشمندان اهل سنت و به ویژه آنانی که مسئولیت بررسی احادیث نبوی را بر عهده داشته و یا به دفاع از ساحت مقدس حضرت نبی اکرم صلی الله علیه و آله اهتمام و عنایت خاصی داشته اند.<sup>(۱)</sup>

از جمله حلقه های پلید و توطئه گر علیه مسأله مهدویت، در عصر حاضر آن است که گروهی تلاش می نمایند احادیث مرتبط با مهدی علیه السلام را در چارچوب یک تفکر مذهبی خاصی منحصر گردانند و نوک پیکان اتهاماتشان را نیز متوجه دانشمندان محدث شیعه کرده و ادعا می کنند: روایان شیعه این احادیث را جعل کرده و به دروغ آن ها را به گویندگانی منتسب ساخته اند. یا این که می گویند: احادیث مرتبط با مهدی علیه السلام در زمره اعتقادات خرافی شیعه است.

ص: ۲۵

---

۱- ۱۲. ر.ک: «ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون»، نوشته علامه و مجتهد علم حدیث شیخ احمد بن محمد صدیق ازهری شافعی و «الاذاعه لما کان و یکون بین یدی الساعه» نوشته محمد صدیق قنوجی.

اما باور ما آن است که این توطئه نیز علیه مهدویت بی هدف نیست، بلکه یک نقشه پلید اعتقادی - سیاسی است که در پشت آن سازمان های اطلاعاتی صهیونیسم بین المللی و آمریکایی که با اسلام دشمنی دارند، پنهان گشته اند. البته قلم به داستان مزدور و خیانتکار به ظاهر مسلمان نیز مجری طرح های آنان هستند. چرا که مسلمان متعهد، به خود جرأت نمی دهد خبری را که نص صریح قرآن کریم و سنت نبوی صلی الله علیه وآله و دین مبین، به اثبات رسانده انکار کند، از طرفی هم خوب می داند که انکار چنین مسائلی موجب خروج وی از اسلام می گردد.

در تاریخ معاصر ما، چنین توطئه هایی علیه مهدویت با نام هایی همچون آزادی اندیشه و طرح مباحث علمی، بروز یافته یا آن که خود را تحت شعارهای پر زرق و برقی مثل «تحول اندیشه اسلامی» و یا «نقد تفکر شیعی» و یا شعارهایی مانند «تلاش و کوشش در تحول اندیشه شیعی و رهاندن آن از خرافه ها و اسناد جعلی» و دیگر شعارهای به ظاهر فکری که در لباس دروغین تحقیقات علمی پدیدار می گردند، خود را پنهان می نمایند.

غالباً اجرای این توطئه های پلید فکری را قلم به داستان و نویسندگان سطحی نگر بر عهده گرفته اند، البته این افراد دارای گرایشات دینی و انگیزه های سیاسی زشت و متفاوت و متناقض یا مشکوک هستند.

در عصر حاضر، احمد امین با کتاب «المهدویه فی الاسلام» و شیخ عبدالله بن زید محمود در رساله «لامهدی ینتظر بعد الرسول خیر البشر» و دکتر موسی موسوی در کتاب «الشیعه والتصحیح» طلایه دار چنین افکاری هستند.

البته ماهیت و سطحی بودن نگرش و برخورد با افکار و اندیشه های اسلامی چنین نویسندگانی کاملاً واضح و روشن است. از طرفی هم ناآگاهی و جهلشان نسبت به اصول و پایه های تحقیق علمی، به وسیله نویسندگان شیعه و سنی برملا شده است. از جمله این افراد؛ علامه شیخ محمد امین زین الدین است که در کتاب «مع الدكتور أحمد أمين في كتابه المهدى والمهدوية» و نیز شیخ عبدالمحسن در تحقیق ارزشمندی به نام «عقیده اهل السنه والاثار في المهدی المنتظر» که در پاسخ به رساله قاضی قطر، شیخ عبدالله بن زید محمود نوشته است را می توان نام برد. علاوه بر اینان دکتر علاءالدین قروینی در کتابی ارزشمند به نام «مع الدكتور موسى الموسوی فی کتابه الشیعه والتصحیح» به این تشکیکات پاسخ داده اند.

اما ما بر این باوریم که در بررسی علمی و مقایسه ای عقاید شیعه و سنی، در ارتباط با حضرت مهدی علیه السلام می بایست بنا را بر اسلوب علمی نهاد؛ زیرا تنها این شیوه قادر است ماهیت و واقعیت نظریه مهدی علیه السلام را آشکار سازد و اصیل و اسلامی بودن آن را به اثبات برساند تا در ردّ انحصار این ایده اسلامی، مذهبی خاص - نه همه مذاهب اسلامی دیگر - سخنی برای گفتن داشته باشد، بلکه حتی پوشالی بودن افکار مشکوکی که این نویسندگان برای رسیدن به اغراض خویش مطرح می سازند، و برای خدشه وارد ساختن به تفکر مهدویت آن را در چارچوب تفکر مذهبی خاصی منحصر می کنند، مورد تأیید و تأکید قرار دهد.

به این دلیل بود که ما بررسی علمی مقایسه ای اعتقاد به مهدویت را در اولیتی

خاص قرار دادیم که نظیر آن تا به حال منتشر نشده است. مباحثی که در پی می آید خلاصه ای از این بررسی هاست.

## توطئه علیه مهدویت، چرا؟

پر واضح است که ایده مهدویت، روح قیام و انقلاب برضد ظلم و ستم را به همراه خود دارد. چنین مسأله ای - به خودی خود - ایده ای است که حاکمان جور را نگران و تمامی سلطه گران و سلطه جویان مفسد را در هراس افکنده است.

ستمگران سلطه جو که در هر دوره و زمانی، با زور شمشیر و سرنیزه بر ملت های خود چیره می شوند، می دانند که سلطه جائرانه شان سرانجام، پایانی خواهد داشت و این پایان محتوم، جز به دست مهدی منتظرعلیه السلام به دست شخص دیگری نخواهد بود.

طاغوت ها در طول تاریخ می دانند که این مرد انقلابی جهانی و منتظر، به تنهایی و با تکیه بر قدرت خداوند - تبارک و تعالی - قادر است جامعه بشری را با همه اختلافات ماهیتی و دینی، در یک نظام سیاسی واحد گرد آورد. در این نظام همه عوامل انحراف و اختلاف هضم شده و تمامی اشکال ظلم و جور و سیطره و تجاوز پایان می یابد. ایشان بعد از آن که تاج و تخت همه طاغوتیان را در سراسر زمین ویران و آنان را در زیر پای طرفداران خویش لگدمال می کند، در سایه حکومت عدل الهی، بر چهار گوشه جهان حکم فرمایی می کند.

بنابر این طبیعی است که حاکمان جور و طاغوتیان و مستکبران به محض این که نام حضرت مهدی علیه السلام را بشنوند، یا هر زمان جنبشی اسلامی و اصول گرا در

جهان(۱) پدید آید که آنان در شکل گیری اش نقشی داشته باشند، از وحشت، زمین زیر پایشان بلرزد.

پس شکی نیست که وحشت و ترس حاکمان کشورهای عربی از این انقلابگر منتظر، در مقایسه با تمامی جباران روی زمین بیشتر باشد، چرا که همه آنان به خوبی می دانند، شعله های آتشفشان انقلاب او از درون کاخ هایشان شعله ور شده تا تاج و تختشان را واژگون ساخته و همه آنان را قبل از دیگر حاکمان ستمگر و جباران فاسد، نابود کند.

هم چنین حکومت صهیونیستی - دولت اسرائیل - یقین دارد که نابودی قطعی اش به دست دلاوران رزمنده و مؤمنی خواهد بود که برای آزاد سازی قدس و تحت رهبری و فرماندهی مهدی منتظرعلیه السلام به سمت این شهر یورش خواهند آورد.

سران کفر، سرکردگان شرک و سمبل های گمراهی در دنیای غرب و اروپا به خوبی می دانند و یقین دارند که پایان اسارت و برده داری ملت ها و ذلیل و خوار شدن آن ها و زمان قلدری حکومت های مستکبر غربی و اروپایی و سرانجام دست اندازی این کشورها بر ثروت های جهان اسلام، به دست این رهبر انتقام گیرنده دشمنان خداوند خواهد بود.

اگر قرار باشد چنین چیزی به وقوع بپیوندد، بنابراین چرا نباید مثلث شیطانی؛ یعنی ستمگران غربی و اروپایی، دولتمردان اسرائیلی و دست

ص: ۲۹

نشانندگان ذلیل و خوار آنان که حاکم بر دنیای اسلام هستند، همه تلاش خود را در محو و نابودی اعتقاد به مهدویت به کار نگیرند؟!

عقیده ای که هستی همه آنان را تهدید کرده، خواب را بر آنان حرام نموده، در دل هایشان هراس افکنده و هر زمان که نام رهبر منتظر علیه السلام پیش کشیده شود، همه وجودشان را ترس و وحشت فرا می گیرد.

اگر قرار است چنین مسئله ای پیش بیاید پس چرا این مثلث شیطانی در به خدمت گرفتن قلم های مزدور جان های بیمار و در یوزگی در گاهشان جهت سرکوب این عقیده الهی که خواب را از چشمانشان ربوده و کاخ آرزوهایشان را نابود ساخته و خیال باطل شان را برهم زده، تلاش نکنند؟ خواب و خیال هایی که اراده کرده ملت های جهان را برای همیشه تحت سیطره قدرت خویش در آورد.

در پرتو این دیدگاه بیدادگرانه و به خاطر عظمت و اهمیت قضیه مهدویت و خطری که این مسأله برای منافع دشمنان اسلام و ماهیت آنان دارد، ما می بایست به ابعاد سیاسی و تاریخی در ورای تهاجم فرهنگی ددمنشانه و تشکیکی که در گونه گونه توطئه های خباثت آمیز آنان علیه اعتقاد به مهدویت در اشکال قدیم و جدید آن دارد، توجه کافی داشته باشیم.

### **اختلافات مذهبی، امت اسلامی را تهدید نمی کند**

اختلاف های دیدگاهی و اعتقادی مذاهب مختلف اسلامی مسأله جدیدی نیست، بلکه این اختلافات واقعیتی تاریخی هستند که فاجعه درگیری سیاسی

امت اسلامی بر سر مسأله جانیشینی پیامبر صلی الله علیه وآله بین خودشان، آن را بر مسلمانان تحمیل کرد. این اختلاف در همان نشست مشهور یاران پیامبر صلی الله علیه وآله بعد از رحلت ایشان پیش آمد. اما مسأله جدید و شگفت انگیز این اختلافات در عصر ما، تلاش گروهی از مسلمانان در از بین بردن وحدت، نمود پیدا می کند، این گروه ها صراحتاً وابستگی خود را به یهودیان، صهیونیست ها و مسیحیان اعلان کرده و با همه وجود به نام امت اسلامی از منافع آمریکا و اسرائیل حمایت می کنند. در حالی که در درون کشورهای اسلامی خود جنگ خانمان سوزی را علیه گروه های مبارز و مجاهد و کسانی که با سیاست کفر و فرهنگ غربزدگی دنیای اسلام مقابله و ایستادگی می کنند، آغاز کرده اند.

این همان خطر واقعی ای است که اسلام و ارزش های آن را، از درون تهدید می کند. اما اختلاف ها در فهم و برداشت از عقاید دینی و اسلامی و اصول و قواعد آن حقیقتی است که در تاریخ امت اسلامی وجود داشته است، و این بعد از آن بود که اختلاف های تاریخی، امت را به مذاهب و مکاتب متعددی در برداشت از اسلام مبدل ساخته و هم چنین شیوه برداشت و نحوه برخورد با فرهنگ اسلامی و آیین دینی آنان را از هم جدا کرد.

این اختلافات حتی در شیوه به پاداشتن نماز که رسول خدا صلی الله علیه وآله آن را روزانه پنج بار و با حضور جمع بی شماری از یاران اقامه می کرد، رخ نموده است. بنابراین تعجبی ندارد که امت اسلامی در برداشت از مسأله مهدویت و مهدی منتظر علیه السلام با هم اختلاف نظر داشته باشند. ولی این اختلافات به اصل ایمان



و ضرورت پذیرش چنین باوری خدشه ای وارد نمی کند. همان طور که خدشه ای به توافق مسلمانان بر گمراهی هر کسی که منکر آن شود، وارد نمی سازد. زیرا این اصل به نصّ قرآن و سنت نبوی از جمله ضرورت ها و واجبات ثابت شده به شمار می آید.

ما در اینجا تلاش خواهیم کرد، مهم ترین موارد اتفاق و اختلاف نظر میان شیعه و سنی را در تلقی قضیه مهدی منتظر علیه السلام و آن هم به صورت مختصر بررسی نماییم، تا براساس آن خوانندگان گرامی را به این واقعیت علمی برسانیم که چنین اعتقاد غیبی ای، هم از دیدگاه دین مبین اسلام و هم از لحاظ چارچوب مذهبی، مسأله ای اصیل است.

زمینه های مشترک بین اهل تسنن و شیعه دوازده امامی در مورد حضرت مهدی علیه السلام بسیار زیاد است که همه آنان بر اصل اعتقاد به درست بودن چنین ایده ای اتفاق نظر دارند و هر کسی را که منکر آن بشود نادان تلقی می کنند. هم چنین مسلمانان بر این عقیده متفق القولند که مهدی علیه السلام از قبیله قریش و خصوصاً از اهل بیت پیامبر اسلام علیهم السلام و بالاخص از نوادگان حضرت علی و فاطمه علیهما السلام می باشد.

علاوه بر این، وی را آخرین خلیفه و جانشین حضرت محمد صلی الله علیه و آله در بین دوازده امام می دانند و برپایی حکومتش را قطعی و حدود قدرت و سلطه آن حضرت را جهان شمول می دانند؛ زیرا که حکومت او وعده ای الهی است که نصّ قرآن بر آن تأکید داشته است. و سرانجام آن که شیعه و سنی بر حتمی بودن پیش آمد برخی حوادث و اتفاقات و علائم ظهور ایشان اشاره دارند. این علائم مژده نزدیکی ظهور ایشان را می دهند. ما در اینجا به دلایل قابل اعتمادی در اثبات موارد اتفاق نظر بین شیعه و سنی در اعتقاد به ظهور حضرت مهدی علیه السلام اشاره می کنیم:

## نخست: اتفاق نظر مسلمانان در اصل قضیه مهدویت

نشانه چنین توافقی در ضبط، ثبت و صحت احادیث فراوانی است که درباره حضرت مهدی علیه السلام نقل گشته است. این احادیث را مسلمانان حفظ نموده و در بسیاری از مراجع و منابع خود ذکر نموده اند؛ به طوری که حدّ تواتر آن ها ده ها بار در علم حدیث به تأیید مسلمانان رسیده است و هر مسأله ای از مسائل دینی که روایات و احادیث مرتبط با آن به حدّ تواتر برسد، به خودی خود از دایره شک و تردید خارج می شود و کسی در موضوع و بحث اسناد و سندیت آن وارد نمی شود. به طوری که این مسأله در جای خود و در دو علم حدیث و اصول به اثبات رسیده و غیر قابل انکار است و مناقشه و جرّ و بحث در آن از عدم آگاهی به قواعد و اصول بحث علمی و تحقیق اسلامی، نشأت گرفته است.

مرجع بزرگ، شهید صدررضی الله عنه می گوید: «اندیشه اعتقاد به حضرت مهدی منتظرعلیه السلام به عنوان رهبری که جهان چشم انتظار اوست تا دنیا را به جایگاهی بهتر رهنمون شود، به طور کلی در احادیث پیامبر عظیم الشان صلی الله علیه و آله و به ویژه در روایات ائمه اطهارعلیهم السلام آمده است. هم چنین در متون و کتب فراوانی به حدّی بر آن تأکید شده که شک و تردید به آن راه پیدا نمی کند.

در باره حضرت مهدی علیه السلام چهارصد حدیث از طریق برادران اهل سنّت نقل گشته است به طوری که مجموع روایات نقل شده در این باره از طریق شیعه و سنی به بیش از شش هزار حدیث می رسد.

این عدد، رقم بالایی است که نظیر آن در مورد بسیاری از امور واضح و بدیهی

دین اسلام که معمولاً قطعی و خالی از شک است، جمع آوری نشده است.» (۱) حافظ بن حجر عسقلانی می گوید: «احادیث متواتر تأکید می کنند که حضرت مهدی علیه السلام از میان مسلمانان برانگیخته می شود. حضرت عیسی بن مریم علیهما السلام نیز در آن زمان فرود می آید و پشت سر وی نماز خواهد خواند.» (۲)

قاضی شوکانی در مورد احادیث مهدی علیه السلام می گوید: احادیث مرتبط با مهدی علیه السلام بدون هیچ گونه شک و شبهه ای، متواتر است، بلکه وصف تواتر بر تمامی اصطلاحات نگاشته در علم اصول بر کمتر از این هم صدق پیدا می کند، پس چگونه می توان با فراوانی حدیث در مورد ایشان، آن ها را متواتر ندانست؟ (۳)

ابن حجر هیثمی گوید: «اخبار و احادیثی که در مورد ظهور حضرت مهدی علیه السلام نقل شده بسیار زیاد است و به حد تواتر رسیده است.» (۴)

حافظ ابوالحسن ابری سگزی (سال ۳۶۳ ه.ق) در کتاب «مناقب الشافعی» و ابن صباغ مالکی در کتاب «اسعاف الراغبین» و برزنگی در کتاب «الإشاعة لأشراط الساعة» و شیخ عبدالحق در کتاب «اللمعات» و ابن صدیق مغربی در کتاب «إبراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون» و صدیق حسن قنوجی در کتاب «الإیذاعه لما کان ویکون بین یدی الساعة» و دیگر علما که بسیار فراوانند، به حدّ تواتر رسیدن احادیث مربوط به حضرت مهدی علیه السلام را تصریح کرده اند.

ص: ۳۵

---

۱- ۱۴. بحث حول المهدی / ۶۳ - ۶۴ چاپ دارالتعارف بیروت.

۲- ۱۵. فتح الباری / ج ۵، ص ۳۶۲.

۳- ۱۶. ابراز الوهم المکنون / ص ۴، به نقل از رساله توضیح المسائل شوکانی.

۴- ۱۷. الصواعق المحرقة / ج ۲، ص ۲۱۱.

ابن خلدون از جمله کسانی است که بر متواتر بودن احادیث حضرت حجت علیه السلام و مشهور بودن این احادیث در میان گروه های مختلف و مذاهب گوناگون اسلامی، اذعان نموده است. او در مقدمه کتابش با وجودی که تلاش نموده در احادیث مربوط به حضرت مهدی علیه السلام تشکیک ایجاد کند و اسناد روایات مرتبط با ایشان را مخدوش جلوه دهد و آن ها را زیر سؤال ببرد، با وجود این ها چنین اظهارنظر می کند: «بدان که آنچه در طول سده ها در بین همه مسلمانان رایج و متداول بوده، این است که می بایست در آخرالزمان مردی از سلاله اهل بیت علیهم السلام ظهور کند که دین را پشتیبانی و حمایت کرده و عدالت را برپا نماید، نام وی مهدی علیه السلام است.»<sup>(۱)</sup>

با این اعتراف معلوم می شود، ابن خلدون به قواعد علم حدیث و معنای تواتر آگاهی نداشته است، و إلاً به سند آن ها طعن وارد نمی کرد.

### **دوم: اشتراک نظر در لزوم اعتقاد به مهدی علیه السلام**

مسأله حضرت مهدی علیه السلام از جمله مسائل غیبی الهی است که وحی نیز درباره آن خبر داده است. متون و نصوص دینی مورد اعتماد همه مسلمانان نیز، لزوم ایمان و اعتقاد به چنین مسائلی که در قرآن و سنت ذکر شده اند را مورد تأکید قرار داده اند. چنان که خداوند - تبارک و تعالی - می فرماید:

«الم، این "قرآن" کتابی است که هیچ تردیدی در آن راه ندارد، هدایت گر انسان های

ص: ۳۶

با تقواست، همان کسانی که به عالم و دنیای غیب ایمان دارند و نماز برپا می دارند و از آنچه به آنان روزی می رسانیم انفاق می کنند و به آنچه بر تو و پیامبران پیش از تو نازل شده ایمان می آورند و به آخرت یقین دارند.»(۱)

این آیه به طور کلی بر لزوم ایمان به مسائل غیبی که از طریق شرع و با ادله روشن به اثبات رسیده اند، دلالت دارد.

پس همان طوری که بر پا داشتن نماز و دادن زکات و ایمان به قرآن و کتب آسمانی که پیش از قرآن نازل شده بر هر مسلمانی لازم و ضروری است، اعتقاد به همه مسائل غیبی نیز که اسلام درباره آن ها سخن گفته و در نصوص معتبر و مشهور، از آن ها خبر داده، واجب است. بنابر این هر کس موردی از امور غیبی اسلام را؛ از قبیل ظهور حضرت مهدی علیه السلام، نزول عیسی علیه السلام خروج دجال و سایر مسائلی که با دلایل قطعی ثابت شده اند را انکار نماید، از جرگه مسلمانانی که به عالم غیب ایمان دارند، خارج می شود؛ زیرا ایمان به غیب حدّ فاصل میان مؤمنین به رسالت های الهی و ملحدان و مادی گرایان است.

براساس همین ادله قرآنی است که برخی از دانشمندان اهل تسنن در اثبات وجوب اعتقاد به حضرت مهدی علیه السلام به این برهان قرآنی استدلال کرده اند.

شیخ ناصرالدین البانی یکی از علمای اهل سنت در این باره چنین می گوید:

«اعتقاد به قیام حضرت مهدی علیه السلام اعتقادی ثابت است که احادیث متواتری از نبی اکرم صلی الله علیه و آله بر وجوب ایمان به قیام ظهور ایشان نقل شده است؛ زیرا این اعتقاد

ص: ۳۷

از امور غیبی است و ایمان به چنین اموری از جمله نشانه های پرهیزکاران است. همان طوری که خداوند متعال در قرآن فرموده:

«الم، این "قرآن" کتابی است که هیچ شکی به آن راه ندارد، هدایت گر انسان های پرهیزکار و تقوا پیشه ای است که به عالم غیب ایمان دارند.»

و این تنها انسان های نادان و متکبر هستند که در صدد انکار امور غیبی برمی آیند. من از درگاه پروردگار متعال مسألت می کنم که ما را در حالی بمیراند که به قیام مهدی علیه السلام و هر آنچه که قرآن و سنت بر آن صحه نهاده اند، ایمان داشته باشیم.»(۱)

استاد عبدالمحسن عباد در بخشی از سخنرانی که در واکنش به مخالفان اعتقاد به حضرت مهدی علیه السلام ایراد کرده، چنین گفته است: باور داشتن به عقیده مهدویت، مساوی است با ایمان داشتن به رسالت محمد صلی الله علیه و آله و این که وی رسول خداست؛ زیرا نشانه ایمان به پیامبر صلی الله علیه و آله باور داشتن و پذیرش بی چون و چرای اخباری است که از جانب ایشان صادر شده است و چنین کسی در زمره ایمان آورندگان به غیبی است که خداوند آن ها را این چنین ستوده است:

«الم \* ذَلِكِ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ...»(۲)

از جمله دلایلی که استاد عباد در لزوم اعتقاد به حضرت مهدی علیه السلام برشمرده، وجوب ایمان به قدر است. او می گوید: راه یافتن دانش بندگان به آنچه خداوند

ص: ۳۸

---

۱- ۲۰. مجله تمدن اسلامی / شماره ۲۲، ص ۶۴۳، دمشق سوریه.

۲- ۲۱. سوره بقره / آیه ۱- ۲.

مقدّر فرموده، دو گونه است: یکی، رخ دادن و واقع شدن آن است. و دومین راه، آگاه ساختن مردم نسبت به چیزی است که در گذشته اتفاق افتاده است و یا به چیزی که قبل از رخ دادنش، از آن خبر می دهد. آن هم از زبان شخصی که از روی هوی و هوس سخن نمی گوید. بنابراین نتیجه گیری می کنیم: تمامی احادیث و اخباری که ثابت شده از جانب حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله رسیده است به یقین خواسته و مشیت پروردگار متعال است و بدین ترتیب آن خبر مطابق گفته رسول خدا صلی الله علیه و آله به وقوع خواهد پیوست؛ مثل خبر نزول عیسی علیه السلام در آخرالزمان و قیام مهدی علیه السلام و شورش دجال و دیگر اخبار این چنینی.

بنابر این انکار یا تردید و تشکیک در احادیث مربوط به حضرت مهدی علیه السلام که صدورشان از طرف رسول خدا صلی الله علیه و آله قطعی است، مسأله ای بس بزرگ است. ما از درگاه پروردگار متعال پایداری برحق و سلامتی و عافیت در دین را در لحظه مرگ مسألت می کنیم. (۱)

در نتیجه اعتقاد به ظهور و قیام حضرت مهدی علیه السلام با توجه به وجوب ایمان به قضا و قدر الهی، نکته ای است که احادیث معتبر منقول از رسول خدا صلی الله علیه و آله مثل حدیثی که جابر بن عبدالله انصاری از ایشان نقل کرده، بر آن تصریح دارند.

حضرت محمد صلی الله علیه و آله می فرمایند: هر کس قیام مهدی را منکر شود، به وحی ای که بر محمد نازل گشته کفر ورزیده است؛ زیرا جبرئیل به من خبر داد: خداوند

ص: ۳۹

---

۱- ۲۲. مجله جامع الاسلامیه حجاز / شماره ۳، سال اول ۱۳۸۸ ذوالقعدة. سخنان فوق گزیده ای از بخش آخر سخنرانی می باشد.



عز و جل می فرماید: هر کس که به قدر، چه خیر و چه شر آن ایمان نداشته باشد، برود و برای خود خدایی جز من برگزیند. (۱)

لزوم ایمان به مسائل مسلم غیبی، مسأله ای ثابت شده در اسلام است. همین نکته از جمله دلایلی است که پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام از آن در اثبات ضرورت ایمان به ظهور حضرت مهدی علیه السلام مدد جسته اند؛ به طور مثال، زمانی که از امام صادق علیه السلام در مورد آیه «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» (۲) سؤال شد، فرمودند: پرهیزکاران پیروان حضرت علی علیه السلام هستند. کلمه غیب در این آیه حجت غایب؛ یعنی مهدی منتظر علیه السلام است. (۳) و دلیل بر این مدعی هم این گفته خداوند - تبارک و تعالی - است: «وَيَقُولُونَ لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَبِهُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ». (۴)

### سوم: اتفاق نظر بر این که مهدی از سلاله اهل بیت علیهم السلام است.

روایات و اخبار صحیحی که از شیعه و سنی نقل شده، گواه بر این است که مسلمانان در مورد مسأله فوق متفق القولند؛ از جمله سعید بن مسیب نقل کرده:

ص: ۴۰

---

۱- ۲۳. فرائد السبطين / ج ۲، ص ۲۳۴ باب ۶۱؛ الحاوی للفتاوی / ج ۲، ص ۸۳؛ الفتاوی الحدیثه ص ۲۷، الاذاعه، ص ۱۳۷؛ و عقد الدرر، ص ۱۵۷.

۲- ۲۴. سوره بقره / آیه ۲ و ۳.

۳- ۲۵. کمال الدین، نوشته صدوق / ج ۲، ص ۳۴.

۴- ۲۶. سوره یونس / آیه ۲۰؛ کافران می گویند: چرا از جانب خداوند معجزه ای به او داده نشده، پاسخ بده که دانای غیب تنها خداوند است، اما شما که منکر هستید منتظر {عذاب} باشید. من هم با شما منتظر (نصرت) او می باشم.

«نزد امّ سلمه بودیم. صحبت از مهدی علیه السلام به میان آمد. ایشان گفتند: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمودند: مهدی علیه السلام از عترت من و از فرزندان فاطمه علیها السلام است.» از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده که ایشان فرموده اند: «مهدی از ما اهل بیت و از فرزندان فاطمه است.» (۱) از ابو سعید خدری به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که فرموده اند: «مهدی از ما اهل بیت است، دارای بینی ای کشیده است، زمین را بعد از آن که از ظلم و جور پر شده باشد، پر از عدل و داد می کند.»

روایاتی که از نسبت ایشان به اهل بیت علیهم السلام خبر می دهند، فراوان است؛ بلکه به حدّ تواتر رسیده اند و ما در بحث های آینده بخشی از آن ها را ذکر خواهیم کرد.

### چهارم: اتفاق نظر مسلمانان در قطعیت برپایی حکومت مهدی علیه السلام

در این مورد نیز روایات و احادیث صحیح و صریح فراوانی در کتب اخبار، ملاحم و فتن و شرایط آخرالزمان؛ هم در منابع اهل تسنّن و هم در منابع شیعه دوازده امامی نقل شده است که در آن ها سخن از برقراری حکومت حضرت مهدی علیه السلام به میان آمده است.

از ابن مسعود روایت کرده اند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده اند: «عمر دنیا به پایان نخواهد رسید تا روزی که مردی از اهل بیتم به نام مهدی، ولایت و رهبری امت را برعهده می گیرد.» (۲)

ص: ۴۱

---

۱- ۲۷. سنن ابن ماجه / ج ۲، ح ۴۰۸۶؛ تاریخ بخاری / ج ۳، ص ۳۴۶؛ المستدرک علی الصحیحین. و التاج الجامع للاصول نیز این حدیث را، به شرط نقل صحیحین {صحیح بخاری و مسلم} تأیید می کند.

۲- ۲۸. کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۱۱۲؛ این حدیث در منابع شیعه و سنی مورد توافق قرار گرفته است.

از امام صادق علیه السلام نقل شده: «قیام قائم علیه السلام قطعی و حتمی است.»<sup>(۱)</sup>

ابن مسعود به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله گفته است: «اگر از عمر دنیا، تنها یک روز باقی مانده باشد، پروردگار آن روز را چنان طولانی می کند تا مردی از اهل بیت من که هم نام من است، قیام کند.»<sup>(۲)</sup>

ابوهریره نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر از عمر دنیا، تنها یک روز باقی مانده باشد خداوند بلند مرتبه آن روز را به قدری طولانی می کند تا مردی از اهل بیت من فرمانروایی و ولایت زمین را به دست گیرد.»<sup>(۳)</sup>

هم چنین آیات الهی که تفسیر آن ها وعده ظهور مهدی علیه السلام است و ما در مبحث بعدی به آن ها خواهیم پرداخت، قطعی بودن برپایی حکومت ایشان را به صراحت تأکید می کنند.

### **پنجم: وحدت نظر مسلمانان در جهانی بودن حکومت مهدی علیه السلام**

آیات فراوانی از قرآن کریم و روایات کثیری؛ چه از طریق شیعه و چه سنی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده و تأکید می نمایند که حکومت مهدی علیه السلام جهانی است. همین منابع، هم چنین بر مژده پیروزی اسلام بر تمامی دشمنان دین در سراسر

ص: ۴۲

---

۱- ۲۹. بحار الانوار / ج ۵۲، ص ۲۰۶، ح ۴۰؛ به نقل از کمال الدین.

۲- ۳۰. سنن ابو داوود / ج ۲، ص ۱۰۶، ح ۴۲۸۲؛ مستدرک صحیحین نیز بر صحیح بودن حدیث تأکید کرده و ذهبی هم با او در این نظر موافق است.

۳- ۳۱. صحیح ترمذی، کتاب الفتن، در باب روایاتی که در مورد مهدی علیه السلام نقل شده است. سنن ابن ماجه / ج ۲، ص ۹۸۲، ح ۲۷۷۹.

گیتی و چیرگی آن بر همه ادیان و آیین های کفر و شرک و رژیم های منحرف و فاسد، تأکید دارند.

به نظر نگارنده، مسأله جهانی بودن حکومت ایشان از جمله مهم ترین موضوعاتی است که آیات قرآن و روایات فراوان و معتبری آن را تأیید می کنند. همه این آیات و روایات بر اصالت قضیه مهدی علیه السلام در چارچوب امور و مسائل غیبی و شکل گیری حکومتشان در آینده تاریخ امت اسلامی پای می فشارند.

در اینجا به آن دسته از آیات قرآن کریم که وقوع این حادثه بزرگ سیاسی را مژده می دهند، اشاره می کنیم:

الف) حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام در قرآن کریم

آن دسته از آیات قرآن که مژده برپایی حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام را می دهند، فراوانند و به دو دسته تقسیم می شوند:

دسته اول آیاتی هستند که به تفسیر، شرح و توضیح مفصل و گسترده علمی نیاز دارند، تا بتوانند موجبات قانع شدن خواننده را با بحث اختصاصی موضوع مورد نظر، فراهم سازند.

دسته دوم آیاتی هستند که آشکار و واضح اند و به عبارتی این آیات صراحتاً موضوع مورد نظر را بیان می کنند.

در اینجا فقط به ذکر بخشی از آیات دسته دوم که مرتبط با مسأله حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام است و بین مفسرین و تحلیل گران شیعه و سنی در

مختص بودن این آیات به مسأله مورد نظر، اشتراک دیدگاه وجود دارد، بسنده می کنیم.

خداوند متعال می فرماید: «يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ \* هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (۱). حاکم طبق شرط مسلم، که این روایت را صحیح دانسته، از عایشه روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: عمر دنیا به پایان نرسد مگر آن که مجدداً لات و عزری پرستیده شوند. عایشه گوید: من پرسیدم: ای رسول خدا! بعد از این که خداوند - تبارک و تعالی - آیه «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» را نازل فرمود، دیگر برگشت به شرک و بت پرستی ناممکن است. زیرا دین کامل شده است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آری؛ تا آن زمان که خداوند اراده فرماید چنین خواهد بود، بعد از آن پروردگار متعال رایحه دل انگیزی می فرستد و تمام آنانی که به اندازه دانه خردلی خیر و نیکی داشته باشند وفات می کنند و کسانی که در دلشان اثری از ایمان وجود نداشته باشد باقی می مانند و به مرام آباء و اجدادی خویش؛ یعنی شرک و بت پرستی برمی گردند» (۲).

ص: ۴۴

۱- ۳۲. سوره توبه / آیه ۳۲ و ۳۳؛ کافران می خواهند نور خدا را با نفس تیره و گفتار جاهلانه خویش، خاموش سازند و خداوند چنین اجازه ای به آنان نمی دهد تا آن که نور خود را در منتهای ظهور و حد اعلای کمال برساند، هرچند که کافران را ناخوش آید. اوست خدایی که رسول خود را با دین حق و هدایت برای خلق فرستاد تا بر همه ادیان عالم تسلط و برتری دهد، هرچند مشرکان ناخوشنود و مخالف باشند.

۲- ۳۳. مستدرک صحیحین / ج ۴، ص ۴۴۷؛ به نظر او این حدیث، به شرط روایت مسلم، خبری صحیح است. ذهبی نیز در این مسأله با وی موافق است.

از تمیم داری، روایت شده که شنیدم پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود: «البته این مسأله (زمان غلبه دین اسلام بر سایر ادیان) اگر به درازای عمر شب و روز دنیا هم که باشد، سرانجام شدنی است. هیچ منزل گاهی؛ چه در صحراها و بادیه ها و یا شهرها باقی نمی ماند مگر آن که به لطف خداوند، دین اسلام در آن راه پیدا می کند. در نتیجه به عزیزان عزت می دهد و ذلیلان را خوار می گرداند. به واسطه مسلمان شدن افراد، آنان را عزت می دهد و مشرکان را به دلیل نپذیرفتن اسلام و به سبب کفرشان ذلیل می گرداند.»(۱)

مقداد بن اسود روایت می کند: از رسول خداصلی الله علیه وآله شنیدم که فرمودند: «هیچ نقطه ای از کره زمین باقی نماند جز آن که خداوند، اسلام را با عزت تمام به آن جا وارد می کند و جماعتی را ذلیل می نماید. اما آنانی که عزیزشان می کند به این خاطر است که ایشان به جرگه مسلمانان وارد شده اند و آنانی که ذلیل می شوند به این خاطر است که مجبور هستند دین اسلام را بپذیرند.»(۲)

از ابو ثعلبه خشنی نقل شده که گفته است: هر وقت رسول خداصلی الله علیه وآله از نبرد یا سفری بر می گشت، به مسجد می آمد و دو رکعت نماز می خواند و سپس نزد فاطمه علیها السلام می رفت و بعد هم پیش همسرانش می آمد. یک بار که از جنگ یا سفر

ص: ۴۵

---

۱- ۳۴. مجمع الزوائد / ج ۶، ص ۱۴؛ وی می گوید: احمد و طبرانی این حدیث را نقل کرده اند و کسانی که احمد به نقل آنان حدیث می گوید، ثقه و مورد اعتمادند. مستدرک صحیحین / ج ۴، ص ۴۳۰؛ وی نیز این حدیث را صحیح می داند. مقایسه شود با روایت ذهبی در تلخیص.

۲- ۳۵. همان / ج ۶، ص ۱۴؛ به نظر صاحب مستدرک الصحیحین، این حدیث به شرط نقل شیخین، صحیح است. شیخین آن را نقل نکرده و ذهبی در تلخیص نظر او را تأیید کرده است.

برگشته بود، بعد از نماز از مسجد بیرون آمد، فاطمه در مقابل درب منزل، رسول خدا صلی الله علیه و آله را دید و پیامبر صلی الله علیه و آله را بوسید و گریست. حضرت محمد صلی الله علیه و آله به وی گفت: دخترم! چه چیزی تو را به گریه افکنده است؟ حضرت فاطمه علیها السلام به ایشان گفت: ای رسول خدا! آنچه مرا به گریه واداشته، این است که می بینم آثار جنگ و سفر چهره تان را غبار آلود و لباسان را ژولیده نموده است.

حضرت محمد صلی الله علیه و آله به فاطمه علیها السلام فرمود: «گریه مکن. پروردگار عزیز و جلیل برای امر و مسؤولیت خطیری پدرت را به رسالت برگزیده، به طوری که نقطه ای در زمین باقی نمی ماند مگر آن که خداوند آیین مرا با عزت یا ذلت به آن جا وارد می کند، هر چند این امر به بلندای عمر دنیا به درازا بکشد.» (۱)

وقتی از ابوهریره در مورد معنا و تفسیر آیه «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ...» (۲) سؤال شد، او در پاسخ گفت: این وعده الهی است که خداوند متعال دین اسلام را بالاتر و برتر از همه ادیان قرار می دهد. (۳)

هنگامی که از سیدی راجع به تفسیر همین آیه سؤال شد، پاسخ داد: این وعده الهی زمانی رخ می دهد که مهدی علیه السلام قیام کند. (۴)

آنچه آمد، احادیث و روایاتی بود که برادران اهل سنت در تفسیر آیه مبارکه گفته بودند، احادیثی که دقیقاً با تفاسیر شیعی و اهل بیت علیهم السلام مطابقت می کند.

ص: ۴۶

---

۱- ۳۶. مستدرک صحیحین / ج ۳، ص ۱۵۵؛ وی می گوید: این حدیث صحیح است. ذهبی ادعا نموده که این حدیث ضعیف است، اما شیخین آن را نقل نکرده و ذهبی در تلخیص نظر او را تأیید کرده است!

۲- ۳۷. سوره توبه / آیه ۳۳.

۳- ۳۸. تفسیر کبیر، فخر رازی / ج ۱۶، ص ۴۰.

۴- ۳۹. تفسیر ابوالفتح / ج ۶، ص ۱۶.

اینک مجموعه ای از احادیث منقول از شیعه نیز در این باره نقل می شود: از امام علی علیه السلام نقل شده، ایشان آیه مذکور را تلاوت فرمود و از حضار پرسید: آیا آیین اسلام، بعد از آن که پروردگار، رسولش را با هدایت و دین حق مبعوث گردانیده، بر همه ادیان غالب شده است؟ گفتند: بلی! امام علی علیه السلام به آنان گفت: «چنین نیست. قسم به آن خدایی که جان من در دست او است، هیچ شهر و دیاری بر روی کره خاکی نماند جز آن که در آنجا بانگ شهادت «لا اله الا الله و محمد رسول الله» شب و روز، و صبح و شام شنیده خواهد شد.»<sup>(۱)</sup>

از امام محمد باقر علیه السلام درباره تفسیر همین آیه سؤال کردند، ایشان در جواب فرمودند: «این وعده الهی، به هنگام قیام مهدی آل محمد علیهم السلام محقق و عملی خواهد شد و کسی از اهالی زمین باقی نخواهد ماند مگر آن که به آیین محمد صلی الله علیه و آله ایمان خواهد آورد.»<sup>(۲)</sup>

مفضل بن عمر بعد از آن که اظهار داشت گروهی از مسلمانان مدعی هستند اسلام بر تمامی ادیان غالب گشته، از امام جعفر صادق علیه السلام راجع به تأویل همین آیه سؤال کرد. امام در پاسخ وی فرمودند: «ای مفضل! اگر اسلام بر تمامی ادیان چیره می شد، اثری از زردشتی، مسیحی، یهودی و ستاره پرستان وجود نداشت. نه تفرقه ای در کار بود و نه اختلافی وجود داشت. نه تردیدی و نه شکی و نه بت پرستی و نه دوگانه پرستی.» بعد امام علیه السلام این آیه را به حکومت امام مهدی

ص: ۴۷

---

۱- ۴۰. تأویل الآیات / ج ۲، ص ۶۸۹؛ ینایع الموده، نوشته حنفی قندوزی، ص ۴۲۳.

۲- ۴۱. تفسیر عیاشی / ج ۲، ص ۸۷ ح ۵۰.



منتظر علیه السلام تفسیر کرده و فرمودند: (۱) در دوران او - مهدی علیه السلام - دین یکی خواهد شد. همان طوری که پروردگار متعال فرموده اند: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ». (۲) و هم چنین فرمودند: «وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ». (۳)

آیه دیگری که حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام را بشارت می دهد، آیه «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (۴) است.

حاکم حسکانی در شواهد التنزیل و ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه به نقل از امام علی علیه السلام آورده اند که ایشان فرموده است: «البته دنیا، مثل آن ماده شتری که دوشنده خود را گزیده و به محض دیدن کزه خویش به سویش اقبال نموده است، به سوی ما اهل بیت میل می کند و بازمی گردد.» سپس این آیه شریفه را تلاوت نمودند: «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا...» (۵)

امام باقر و امام صادق علیهما السلام در تفسیر این آیه فرموده اند: این فضل و لطف ویژه پروردگار، به صاحب امر که در آخرالزمان ظهور خواهند کرد، اختصاص دارد؛

ص: ۴۸

۱- ۴۲. الهدایه الکبری، ص ۷۴ - ۸۲؛ بحار الانوار / ج ۵۳، ص ۴.

۲- ۴۳. سوره آل عمران / آیه ۱۹؛ همانا دین نزد خداوند فقط اسلام است.

۳- ۴۴. سوره آل عمران / آیه ۸۵؛ هر کسی دینی غیر از دین اسلام را تبعیت کند هرگز از او پذیرفته نخواهد شد و روز قیامت در زمره زیان کاران خواهد بود.

۴- ۴۵. سوره قصص / آیه ۵؛ و اراده ما بر این قرار گرفته است که بر آنانی که روی زمین به استضعاف کشیده شده اند منت بگذاریم و آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم.

۵- ۴۶. شواهد التنزیل / ج ۱، ص ۴۳۱؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ص ۱۹ - ۲۹.

همان کسی که جبّاران و فرعونیان را از بین برده و شرق و غرب زمین را به تصرف خویش درخواهد آورد. «وی زمین را از عدل و داد پر می کند، همان طوری که از ظلم و جور پر شده باشد.» (۱)

آیه دیگری که مژده حکومت جهانی حضرت مهدی را می دهد، آیه «وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً» (۲) است.

وقتی از امام محمّد باقر علیه السلام درباره تفسیر این آیه پرسیده شد، ایشان فرمودند: «خیر، هنوز تأویل آیه نیامده است، آن زمان که قائم ما ظهور کند، کسانی که ایشان را درک کنند، در خواهند یافت که تأویل این آیه چیست؟ در آن هنگام همان طوری که قرآن فرموده است، آیین محمد صلی الله علیه وآله به اوج خود خواهد رسید و حتی یک نفر مشرک بر روی زمین باقی نخواهد ماند.» (۳)

آیه ای که در پی می آید نیز مانند آیه قبل بر موضوع مورد نظر دلالت دارد: «فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ...» (۴) در تفسیر این آیه از حذیفه بن یمان نقل شده: «با مشرکینی که مشمول حکم این آیه می شوند، تاکنون جنگ و مبارزه نشده است» (۵)، منظورش آن است که این امام منتظر مهدی علیه السلام است که با آنان در آخرالزمان خواهد جنگید.

ص: ۴۹

---

۱- ۴۷. حلیه الابرار / ج ۲، ص ۵۹۷؛ تفسیر البرهان / ج ۲، ص ۲۲۰.

۲- ۴۸. سوره توبه / آیه ۳۶؛ {شما ای مسلمانان} همگی با مشرکان بجنگید همان طوری که آنان نیز با شما به صورت گروهی و جمعی می جنگند.

۳- ۴۹. المحجّه فیما نزل فی القائم الحجّه، ص ۹۶.

۴- ۵۰. سوره توبه / آیه ۱۲؛ با سران کفر بجنگید؛ زیرا که به هیچ عهد و پیمانی وفادار نیستند.

۵- ۵۱. الدر المنثور، سیوطی / ج ۴، ص ۱۳۶ چاپ دار الفکر بیروت.

ب) حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام در احادیث نبوی صلی الله علیه وآله

علاوه بر احادیثی که بر حتمی بودن برپایی حکومت جهانی اسلام در تفسیر آیات مربوطه بیان شده است، در اینجا به احادیث و روایات دیگری که بر جهانی بودن حکومت حضرت مهدی علیه السلام پای می فشارند، اشاره می کنیم:

از ابن عباس روایت شده که ایشان به نقل از رسول خدا صلی الله علیه وآله گفته اند: حاکمان روی زمین چهار نفرند؛ دو حکمفرما مؤمن هستند و دو پادشاه دیگر کافرند. آن دو حکمران مؤمن، ذوالقرنین و سلیمان علیه السلام هستند و دو پادشاه کافر، نمرود و بخت نصرند. اما حاکم پنجمی نیز بر سراسر زمین حکمفرمایی خواهد کرد که وی از اهل بیت من است. (۱)

روایتی طولانی از حذیفه بن یمان به نقل از پیامبر صلی الله علیه وآله در مورد مهدی منتظر علیه السلام نقل شده که می فرماید: مردم در میان رکن و مقام کعبه با ایشان بیعت کنند. خداوند به وسیله ایشان دین را زنده کند و سرزمین های مختلف را فتح نماید. در نتیجه در روی زمین کسی نماند جز آن که گوید: «لا- إله إلا الله». (۲) ابوسعید خدری روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمودند: قبل از برپایی قیامت، همه زمین را ظلم و ستم فرا گیرد، در این وقت است که فردی از اهل بیت علیه ظلم و ستم، قیام کند و زمین را همان طوری که مملو از ظلم و جور شده، از عدل و داد پر کند. (۳)

ص: ۵۰

---

۱- ۵۲. الحاوی للفتاوی / ج ۲، ص ۸۱؛ به نقل از تاریخ ابن جوزی؛ الفتاوی الحدیثه، ص ۳۹؛ عقد الدرر، یوسفی شافعی، ص ۲۰- ۱۹.

۲- ۵۳. ذخائر العقبی، ص ۱۳۶؛ المنار المنیف، ص ۱۴۶، ح ۳۳۳.

۳- ۵۴. مسند احمد / ج ۳، ص ۳۶؛ مسند ابی یعلی موصلی / ج ۲، ص ۲۷۴، حدیث ۹۸۷؛ مستدرک صحیحین، ج ۴، ص ۵۵۷ نویسنده درباره سند این روایت می گوید: این روایت، به شرط نقل شیخین صحیح است؛ اما شیخین این حدیث را نقل نکرده اند. ذهبی نیز نظر او را تأیید می کند.

احادیث و روایاتی که در صحاح شش گانه اهل سنت نقل شده، حضور و نزول حضرت عیسی علیه السلام را در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام تأیید نموده و می گویند: حضرت عیسی علیه السلام پشت سر امام زمان علیه السلام نماز می گزارد و در کشتن دجال و راهنمایی و هدایت مسیحیان به اسلام، حضرت مهدی علیه السلام را یاری می رساند.

در روایتی ابوهریره نیز به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله مضمون فوق را مورد تأکید قرار داده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده اند: روح خدا، عیسی بن مریم در بین شما نزول خواهد کرد. او صلیب را می شکند و خوکان را می کشد و از مخالفان جزیه می گیرد، مردم را به اسلام فرا می خواند و نیز خدای متعال در زمان حضور ایشان همه آیین ها را به غیر از اسلام از بین می برد. مسیح علیه السلام دجال را به هلاکت می رساند و امنیت و آرامش سراسر گیتی را فرا می گیرد.

و در روایت دیگری ایشان فرموده اند: «تنها تبلیغاتی که در سراسر جهان وجود خواهد داشت، همان فرا خواندن همه مردمان به سوی ایمان به خداوند یگانه است.»<sup>(۱)</sup>

روایتی نیز از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده که فرموده اند: «زمانی که قائم قیام بنماید، در سراسر زمین غیر از بانگ شهادت «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» بانگ دیگری به گوش نخواهد رسید.»<sup>(۲)</sup>

ص: ۵۱

---

۱- ۵۵. مستدرک صحیحین / ج ۲، ص ۵۹۵؛ وی این روایت را صحیح می داند و ذهبی نیز موافق اوست. سنن ابو داوود، کتاب

الملاحم کنز العمال / ج ۱۴، ح ۳۸۸۵۵، ۳۸۸۴۳ و ۳۸۸۵۶.

۲- ۵۶. ینابیع الموده، قندوزی حنفی / ص ۴۲۱؛ تفسیر عیاشی / ج ۱، ص ۱۸۳.

امام کاظم علیه السلام در مورد تفسیر آیه «أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبِغُونَ وَلَهُ أَسْلِمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ» (۱) فرمودند: این آیه راجع به امام زمان علیه السلام است. در این هنگام حضرت مهدی علیه السلام تمام یهودیان، مسیحیان، ستاره پرستان، زندیقان، مرتدان و کافران مشرق و مغرب زمین را فرا خوانده و اسلام را بر آنان عرضه می کند، اگر آنان از روی میل و رغبت ایمان بیاورند و مسلمان شوند، حضرت مهدی علیه السلام همه آنان را به برپایی نماز و دادن زکات و انجام دیگر واجبات دینی دستورشان می دهد، اما هر کس اسلام را نپذیرد، گردنش زده می شود به طوری که در شرق و غرب زمین جز موحدان یگانه پرست، کسی باقی نمی ماند. (۲)

البته آن دسته از اخباری که بر قطعی بودن برپایی حکومت جهانی اسلام در زمان رهبری و خلافت مهدی منتظرعلیه السلام دلالت دارند بسیار فراوانند. یکی از این خبرها حدیث متواتری است که شیعه و سنی آن را به نقل از حضرت محمد صلی الله علیه و آله آورده اند. ایشان در وصف حکومت و عدالت حضرت مهدی علیه السلام، فرموده اند: «يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَجَوْرًا».

اگر کلیت همین حدیث مدنظر قرار گرفته شود، این معنا را می رساند که حکومت مهدی علیه السلام تمامی زمین را فرا می گیرد. بدین صورت این حدیث نبوی تفسیر کننده همان وعده الهی خواهد شد که وارثان زمین را نام برده است،

ص: ۵۲

- 
- ۱- ۵۷. سوره آل عمران / آیه ۸۳؛ آیا دینی به غیر از دین خداوند می خواهند در حالی که آنچه در آسمان ها و زمین است؛ چه از روی رغبت و چه از روی اجبار مطلقاً تسلیم او هستند و همگی به سوی او باز می گردند.
- ۲- ۵۸. تفسیر عیاشی / ج ۱، ص ۱۸۲؛ تفسیر برهان / ج ۱، ص ۲۹۶.

پروردگار متعال فرموده: «وَعَيَّدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسِّرَنَّ لَهُمْ تَخْلُفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ» (۱).

### ششم: توافق مسلمانان بر برخی از نشانه های ظهور

اخبار و روایات وارده در کتب ملاحم و فتن شیعه و سنی حاکی از آن است که قبل از ظهور حضرت مهدی علیه السلام پدیده هایی به وقوع می پیوندد که نشانه قریب الوقوع بودن ظهور حضرت و برپایی انقلاب اسلامی ایشان و انجام وعده الهی است. این نشانه ها که مورد توافق شیعه و سنی است، بسیار زیادند که روشن ترین آن ها دو نشانه دارند:

اولین نشانه، برپایی حکومت اسلامی در کشور ایران است که مقدمه انقلاب حضرت مهدی علیه السلام است و در حدیثی از رسول خداصلی الله علیه وآله به این موضوع اشاره شده است. حضرت محمدصلی الله علیه وآله فرموده اند: «مردمی در مشرق زمین قیام می کنند که زمینه ساز حکومت مهدی علیه السلام هستند.» (۲) ثوبان نیز از رسول خداصلی الله علیه وآله روایت کرده است که فرموده اند: «هر زمان دیدید که پرچم های سیاه از سمت خراسان پیش می آید، ولو با لغزیدن روی برف بوده، به آنان پیوندید.» (۳)

ص: ۵۳

---

۱- ۵۹. سوره نور / آیه ۵۵؛ خداوند به اهل ایمان و آنانی که رفتاری شایسته انجام دهند، وعده قطعی داده که آنان را چون دیگر اقوام و ملل پیشین جانشین و وارث زمین گرداند....

۲- ۶۰. سنن ابن ماجه / ج ۲، ح ۴۰۸۸؛ مجمع الزوائد / ج ۷، ص ۳۱۸؛ کنز العمال / ج ۱۴، ح ۳۸۶۵۷.

۳- ۶۱. مسند احمد / ج ۵، ص ۲۲۷؛ مستدرک الصحيحین ج ۴، ص ۵۰۲؛ او می گوید این حدیث، به شرط نقل شیخین، صحیح است؛ ذهبی نیز با نظر او موافق است.

روایات و اخبار نقل شده از اهل بیت علیهم السلام در مورد زمینه سازان حکومت حضرت مهدی علیه السلام فراوان است؛ از جمله روایت موثقی است که جابر از امام باقر علیه السلام نقل می کند. ایشان فرموده اند: «اولین سرزمینی که ویران می گردد، سرزمین شام است، اهالی شام در این اوضاع با هم اختلاف پیدا کرده و به سه گروه و زیر سه پرچم جمع می شوند؛ گروهی زیر پرچم سیاه و گروهی تحت لوای سرخ و سفید، و گروهی زیر پرچم فردی به نام سفیانی تجمّع می کنند. شامیان در این اوضاع به سر می برند که پرچم هایی از جانب خراسان پیش می آید که به سرعت همه آنان را درهم می نوردد. در میان مردم خراسان تعدادی از یاران امام زمان علیه السلام وجود دارند.»<sup>(۱)</sup>

دومین نشانه، تشکیل دولتی در شامات است که با حکومت امام زمان علیه السلام مخالف است. رهبری این حکومت را فردی از بنی امیه بر عهده دارد. او در روایات اسلامی به سفیانی مشهور است و راجع به او شیعه و سنی روایات فراوانی نقل کرده اند. در سطور پیشین، حدیث موثقی از جابر بن عبدالله انصاری درباره او نقل شد. در کتب صحاح سته نیز مدفون گشتن و فرورفتن سفیانی همراه با لشکرش به عمق زمین نقل شده است. سفیانی بعد از آن که خبر سلطه امام زمان علیه السلام بر حجاز را می شنود همراه با سپاهش به سوی مکه گسیل شده تا حکومت امام علیه السلام را نابود سازند.

بخاری و مسلم به نقل از عایشه از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده اند که ایشان فرموده اند: «به سرزمین مکه جماعتی پناه آورند که برای دفاع از خود نه

ص: ۵۴

پناهگاهی نه سنگری و نه ایزاری و نه عدّه ای دارند و ملحدان برای سرکوبی آنان سپاهی روانه می کنند. وقتی آن لشکر به صحرا می رسند، آنان را بلعیده و در خود فرو می برد.»<sup>(۱)</sup> هم چنین عایشه از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده که ایشان فرموده اند: «سپاهی قصد حمله به کعبه را دارد و همین که به صحرائی می رسند، تمام آن لشکر به کام زمین فرو می روند.»<sup>(۲)</sup>

### هفتم: اتفاق نظر مسلمانان در نماز خواندن حضرت عیسی علیه السلام پشت سر حضرت مهدی علیه السلام

در این باره، در کتب صحاح سته و در احادیث معتبر اهل بیت علیهم السلام اخبار فراوانی آمده است. از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده که فرموده اند: «هراس از قائم علیه السلام باعث غلبه ایشان بر دشمنان می گردد و ایشان به نصرت الهی تأیید می شود، تمامی زمین تحت سیطره ایشان درمی آید و به گنج های فراوانی دست می یابند و دامنه سلطه ایشان تمامی شرق و غرب زمین را فرا می گیرد و پروردگار متعال به واسطه ایشان دین خود را بر دیگر ادیان غالب خواهد نمود، هر چند مشرکان را ناخوش آید. در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام تمامی ویرانه های زمین آباد می گردد و روح خدا عیسی علیه السلام فرود می آید و پشت سرشان نماز می گزارد.»<sup>(۳)</sup>

ص: ۵۵

---

۱- ۶۳. صحیح مسلم / ج ۴، ص ۲۲۱، ح ۷.

۲- ۶۴. صحیح بخاری / ج ۳، ص ۸۶؛ کتاب البیوع، باب مسائلی که درباره بازار است.

۳- ۶۵. بحارالانوار / ج ۵۲، ص ۱۹۱، ح ۲۴.



در صحیح بخاری و صحیح مسلم، از ابوهریره به نقل از رسول خداصلی الله علیه وآله چنین آمده است: آن گاه که فرزند مریم در بین شما فرود آید، چه خواهید کرد، در حالی که امامتان «مهدی علیه السلام» از خودتان باشد؟<sup>(۱)</sup>

مسلم در صحیح خود به نقل از جابر بن عبدالله انصاری آورده است که می گوید: از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله شنیدم که می فرمود: در میان امت همیشه گروهی هستند که تا روز قیامت و با حمایت و پشتیبانی الهی در دفاع از حق می جنگند تا آن که عیسی بن مریم علیهما السلام فرود می آید، فرمانده ای به عیسی علیه السلام می گوید: بیا و بر ما نماز بگذار. عیسی علیه السلام می گوید: خیر، در بین شما کسی هست که این کار را انجام می دهد. خداوند امت اسلام را عزیز و گرامی داشته است.<sup>(۲)</sup>

حافظ ابوعمردانی در سنن خویش همین حدیث جابر از پیامبرصلی الله علیه وآله را نقل کرده، جز آن که حدیث او در برخی الفاظ با این حدیث فرق می کند. متن حدیث ابوعمردانی چنین است: «پیوسته جماعتی از امت در دفاع از حق می جنگند تا آن زمان که عیسی بن مریم علیهما السلام در سپیده دمی در شهر بیت المقدس نزد مهدی علیه السلام فرود می آید، پس گفته می شود: ای پیامبر خدا پیش آی و بر ما نماز گزار.

حضرت عیسی علیه السلام می فرماید: «خداوند گروهی از امت اسلام را به جهت عزت و احترامی که نزد پروردگار متعال دارند، بر گروه دیگر فرمانروایی و رهبری داده است.»<sup>(۳)</sup>

ص: ۵۶

---

۱- ۶۶. صحیح بخاری / ج ۴، ص ۲۰۵؛ صحیح مسلم / ج ۱، ص ۱۳۶.

۲- ۶۷. صحیح مسلم / ج ۱، ص ۱۳۷.

۳- ۶۸. سنن الدانی، ص ۱۴۳؛ مسند احمد / ج ۳ ص ۳۴۵؛ مسند ابویعلی موصلی / ج ۴، ص ۵۹، ح ۲۰۷۸.

### توضیح

مسلمانان شیعه و سنی با وجودی که بر وجوب اعتقاد به حضرت مهدی علیه السلام و حتمی بودن برپایی حکومت اسلامی و جهانگیری آن اتفاق نظر دارند، اما در برخی نکات جانبی مرتبط با ایشان و خود حضرت علیه السلام، اختلاف دارند.

از جمله مسائلی که مورد اختلاف مسلمانان است، می توان به مسأله ولادت ایشان، نام پدرشان، جدّ بزرگوارشان که آیا امام حسن علیه السلام است یا امام حسین علیه السلام، اشاره کرد. هم چنین درباره غیبت امام، امکان زنده بودن و باقی ماندنشان در طول این همه سال و راجع به عصمت حضرت نیز اختلاف دارند.

در اینجا موارد اختلاف همراه با بیان دلایل هر مذهبی بیان می شود، تا خوانندگان گرامی و ارجمنند بعد از ملاحظه مسائل مطروحه، جانب حقّ و درست را برگزینند.

### اختلاف در ولادت حضرت مهدی علیه السلام

اغلب برادران اهل سنت منکر متولد شدن حضرت مهدی علیه السلام هستند. آنان می گویند: ایشان در آخرالزمان به دنیا خواهد آمد، اما با بررسی و مطالعه سخنان

علما و دانشمندان اهل سنت در مورد این مسأله متوجه خواهیم شد که دلایل آنان بر هیچ مستند دینی، شرعی و تاریخی استوار نیست. برخلاف آنان، علمای شیعه همگی متفق القولند که حضرت مهدی علیه السلام در شهر سامرا، مرکز حکومت عباسیان، به سال ۲۵۵ ه.ق و در زمان خلافت مهدی عباسی متولد شده است. و دلایل فراوانی بر ادعای خود در اثبات صحت و درستی سخنانشان ارائه می دهند که مهم ترین دلیل، گواهی و شهادت اهل بیت علیهم السلام به ولادت ایشان است.

هم چنین تعدادی از مورخان شیعه و سنی تولد حضرت را تأیید نموده و به آن گواهی داده اند. حتی بیش از هفتاد نفر از دانشمندان اهل تسنن (۱) درباره تولد ایشان، همان نظری را ارائه می کنند که شیعه در این باره گفته است.

در اینجا به بررسی هریک از شهادت های سه گانه به صورت جداگانه می پردازیم.

### **گواهی اهل بیت علیهم السلام در مورد ولادت مهدی علیه السلام**

در اخبار و روایت های نقل شده از پیامبر اکرم و اهل بیت علیهم السلام چنین اخباری وجود دارد؛ اخباری که مژده میلاد فرزندشان مهدی منتظر علیه السلام داده شده است و قدمت تاریخی برخی از آن ها به بیش از دوست سال قبل از به دنیا آمدن امام مهدی علیه السلام برمی گردد؛ مثل آن دسته از روایاتی که از رسول خدا صلی الله علیه و آله و علی بن ابی طالب و امام حسن و امام حسین علیهم السلام نقل شده است.

ص: ۵۸

---

۱- ۶۹. شیخ بزرگوار علامه لطف الله صافی، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، ص ۳۲۶ - ۳۴۶ نام و شرح حال این هفتاد تن را ذکر کرده است.

این بزرگواران در برخی از روایاتشان تصریح می کنند که امت اسلامی در مسأله ولادت فرزندشان امام زمان علیه السلام دچار اختلاف خواهند شد؛ زیرا پدر حضرت مهدی علیه السلام قضیه میلاد فرزندش را از بیم کشته شدنش به دست حکومت بنی عباس، مخفی می کند. همان حکومتی که اخبار تولد او را دنبال کرده و با ترس و هراس و دقت فراوان منتظر به دنیا آمدنش هستند.

آنچه در پی می آید گواهی اهل بیت علیهم السلام درباره تولد فرزندشان مهدی علیه السلام می باشد که از رسول خدا صلی الله علیه و آله شروع گشته و تا پدر امام زمان علیه السلام یعنی امام حسن عسکری علیه السلام ادامه دارد.

### گواهی رسول خدا صلی الله علیه و آله

از ایشان روایت شده که فرمودند: «پروردگار - تبارک و تعالی - از بین روزها، روز جمعه و از میان شب ها، شب قدر و از ماه ها، ماه رمضان را، از پیامبران مرا و از من علی و از علی حسن و حسین را و از حسین ائمه را که نهمین آن ها قائمشان است، برگزیده است. وی ظاهر و باطن ائمه است. و در روایت دیگری در ادامه همین حدیث چنین فرموده اند: ائمه اطهار، تحریف غلوکنندگان، کذب و انتحال باطلان و تأویل جاهلان از قرآن کریم را برطرف می کنند.» (۱)

ص: ۵۹

---

۱- ۷۰. اثبات الوصیه، ص ۲۲۵ و ۲۲۷؛ دلایل الامامه، ص ۲۴۰؛ کمال الدین / ج ۱، ص ۸۱ ح ۳۲؛ کتاب الغیبه نوشته نعمانی، ص ۶۷ ح ۷؛ جمله اخیر - {تحریف غلوکنندگان و...} - را ابن حجر در الصواعق المحرقة، ص ۹۰ و طبرانی در ذخائر العقبی، ص ۱۷ آورده اند.

## گواهی امام علی علیه السلام

امام علی علیه السلام درباره این جمله رسول خدا صلی الله علیه وآله که فرموده اند: «إِنِّي مُخَلِّفٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِثْرَتِي» پرسیده شد که عترت چه کسانی هستند؟ حضرت علی علیه السلام فرمودند: «عترت، من و حسن و حسین و نه امام از فرزندان وی هستیم و نهمین آن ها، مهدی است. آنان از کتاب خدا جدا نمی شوند و قرآن نیز از آنان جدایی ناپذیر است و در روز قیامت با هم در حوض کوثر بر رسول خدا صلی الله علیه وآله وارد می شوند.»<sup>(۱)</sup>

## گواهی امام حسن علیه السلام

از ایشان روایت می شود که فرموده اند: «امامان بعد از رسول خدا صلی الله علیه وآله دوازده تن هستند، نه تن از آنان از نسل برادرم حسین می باشند، و مهدی امت اسلام نیز از جمله آنان است.»<sup>(۲)</sup>

## گواهی امام حسین علیه السلام

از امام حسین علیه السلام نقل است که فرموده اند: «قائم امت اسلام، نهمین فرزند من است. اوست که غیبت می کند و همین شخصیت است که خود در قید حیات است و میراثش را تقسیم می کنند.»<sup>(۳)</sup>

ص: ۶۰

---

۱- ۷۱. کمال الدین / ج ۱، ص ۲۴۰، ح ۶۴؛ بحارالانوار / ج ۲۳، ص ۱۴۷، ح ۱۱۰.

۲- ۷۲. کفایه الاثر، ص ۲۲۳؛ بحارالانوار / ج ۳۶، ص ۳۸۳، ح ۱.

۳- ۷۳. کمال الدین / ج ۱، ص ۳۱۷، ح ۲؛ بحارالانوار / ج ۵۱، ص ۱۳۳، ح ۳.

هم چنین ایشان فرموده اند: «در وجود نهمین فرزندم، مهدی، خصوصیتی از یوسف و خصوصیتی از موسی فرزند عمران هست. وی همان قائم اهل بیت است و خداوند متعال روند شکل گیری حکومت جهانی ایشان را تنها در یک شب سر و سامان می دهد.»<sup>(۱)</sup>

جمله اخیر این حدیث، در سندهای معتبر اهل بیت علیهم السلام نیز آمده است.

### گواهی امام زین العابدین علیه السلام

عمر و فرزند امام زین العابدین علیه السلام از حضرت سؤال کرد: پدرجان! چرا برادرم را باقر نامیدی؟ ایشان در پاسخ فرزندشان فرمود: فرزندم! امر امامت در میان فرزندان او خواهد بود. تا زمانی که قائم ما قیام کند و زمین را مملو از عدل و داد نماید. وی (امام باقر علیه السلام) پدر ائمه، معدن دانش و منبع علم است و آن را به طور کامل می شکافد. به خدا قسم که وی شبیه ترین فرد به رسول خداست. عمر گفت: پدر! چند امام بعد از او وجود دارد؟ امام جواب داد: «هفت امام که یکی از آنان مهدی است که در آخر الزمان برای اجرای حدود الهی و پویایی دین قیام و نهضت می کند.»<sup>(۲)</sup>

### گواهی امام باقر علیه السلام

ابومریم عبدالغفار بن قاسم، امام باقر علیه السلام را مورد خطاب قرار داده، پرسید: ای

ص: ۶۱

---

۱- ۷۴. مستدرک / ج ۱ ص ۳۱۷؛ بحار الانوار / ج ۵۱، ص ۱۳۲. ح ۲.

۲- ۷۵. کفایه الاثر، ص ۱۳۷؛ الصراط المستقیم / ج ۲، ص ۱۳۱.

فرزند رسول خدا! پدر و مادرم به فدایت! دانش صحیح را تنها نزد شما می یابیم، من ستم بالا رفته و پیر و فرتوت گشته ام، در طول این همه سال، آنچه که موجب مسرت و شادمانی من دربارہ شما باشد ندیده ام. در عین حال می بینم که کشته می شوید، یا سرگردان و آواره اید و در بیم و هراس به سر می برید. مدت هایی است که من به امید ظهور و قیام قائمتان با خود می گویم: وی امروز یا فردا قیام خواهد کرد.

امام باقر علیه السلام به او فرمود: ای عبدالغفار! قائم ما هفتمین شخص از نسل من است و هم اکنون، دوران ظهور او نیست. اما پدرم از پدرش و اجدادش نقل می کند که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده اند: «امامان بعد از من دوازده تن و به تعداد اسباط و نقبای بنی اسرائیل هستند. نه تن از آنان از نسل حسین و نهمین آنان قائم اهل بیت است. وی در آخر الزمان قیام می کند و زمین را بعد از آن که از بیداد و ستم پر شده باشد، پر از عدل و داد می کند.» (۱)

این حدیث از جمله احادیث سلسله الذہبیه است؛ یعنی تمام راویان آن امام هستند.

### گواهی امام صادق علیه السلام

سید حمیری شاعر از امام علیه السلام پرسید: ای فرزند رسول خدا! درباره غیبت و درستی آن از اجداد گرامی تان، اخبار و روایاتی نقل شده است، بفرمایید که

ص: ۶۲

کدامیک از امامان غیبت می کند؟ حضرت فرمود: ششمین فرزند من است که غیبت می کند. او دوازدهمین امام و پیشوا بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله است. اولین ایشان امام علی بن ابی طالب و دوازدهمین و آخرینشان قائم به حق بقیه الله در روی زمین، مهدی صاحب زمان علیه السلام است. به خداوند قسم اگر مهدی به اندازه سال های زندگی نوح علیه السلام در میان قومش، در غیبت به سر برد از دنیا نمی رود، مگر آن که زمین را بعد از آن که از ظلم و ستم پر شده، پر از عدل و داد کند. (۱)

در همین دیدار بود که سید حمیری، شاعر خاص شیعه گشت و قصیده های زیادی در مدح اهل بیت علیهم السلام سرود. یکی از قصاید او قصیده ای است که در مطلع آن ابیات زیر آمده است:

آن زمان که فهمیدم مردم در امر دینشان گمراه شدند، با ذکر بسم الله همراه با آنانی که جعفری شده بودند، جعفری شدم. با نام خداوند بانگ بر آوردم که الله اکبر و یقین بر ایم حاصل شد که خداوند عفو می کند و درمی گذرد. بلی خداوند از گناه کسی که به خوبان و پاکان و کسانی که اصل و نسب پاکشان از حضرت مصطفی صلی الله علیه و آله است، توسل جوید، درمی گذرد.

### گواهی امام کاظم علیه السلام

یونس بن عبدالرحمان به خدمت امام علیه السلام رسید و پرسید: ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله آیا تو قائم به حق هستی؟ ایشان فرمودند: آری! من قیام کننده هستم، اما

ص: ۶۳



آن قائمی که زمین را از وجود دشمنان خدا پاک می کند و آن را پر از عدل و داد می نماید همان طوری که از جور و ستم پر شده، پنجمین امام از نسل من است. وی به خاطر بیمی که بر جان خود دارد، غیبتی بلندمدت دارد. در مدت این غیبت اقوامی مرتد می گردند و اقوام دیگری در پابندی به اسلام ثابت قدم باقی می مانند.

سپس امام علیه السلام در ادامه فرمودند: خوشا به حال شیعیان ما، آنانی که در زمان غیبت مهدی، به اهل بیت تمسک می جویند، آنانی که در پیروی از ولایت ما و بیزاری از دشمنانمان پایدار هستند، آنان از ما آیند و ما نیز از آنان هستیم. از این که ما امام آنان هستیم به ما افتخار می کنند و ما نیز به خاطر داشتن چنین شیعیانی به خود می بالیم. پس خوشا به حال آنان، آری خوشا به حال آنان! به خداوند قسم که چنین شیعیانی در روز قیامت در کنار ما، هم منزلت و هم شأن ما خواهند بود. (۱)

### گواهی امام رضا علیه السلام

ریان بن صلت می گوید، به خدمت امام رسیده و از ایشان پرسیدم: آیا شما صاحب امر و زمان هستید؟

فرمود: «آری من صاحب امر و زمان هستم، اما کسی که زمین را بعد از آن که مملو از ظلم و ستم بوده، از عدل و داد پر می کند من نیستم. آخر با این ضعف جسمانی که من دارم مگر می شود صاحب الزمان باشم؟ آن قائمی که قیام می کند

ص: ۶۴

در سن میان سالی است ولیکن ظاهری جوان دارد. او دارای جسمی نیرومند است و اگر به تنومندترین درخت روی زمین دست افکند، آن را از ریشه درآورد. و یا اگر در میان کوه ها بانگ برآورد صخره ها از هم بپاشد. وی با خود عصای موسی و نگین سلیمان را دارد، او چهارمین فرزند من است. خداوند تا آن زمان که خود اراده فرماید او را از دیده ها پنهان می کند و بعد او را آشکار ساخته و زمین را که پر از جور و ستم شده، از عدالت و داد پر نماید.»(۱)

### گواهی امام جواد علیه السلام

ابوالقاسم عبدالعظیم حسنی رحمه الله می گوید: به خدمت آقا و سرورم امام محمد بن علی بن موسی علیهم السلام رسیدم. قصد من آن بود که این سؤال را با ایشان در میان بگذارم که آیا وی قائم آل محمد است یا شخص دیگری؟ قبل از آن که من دهانم را به سؤال بگشایم، ایشان سخن آغاز نمود و به من فرمود: «ای ابوالقاسم! قائم اهل بیت همان مهدی است که در عصر غیبت، باید انتظار ظهورش را کشید و در زمان ظهور می بایست مطیع او بود. وی سومین فرزند از نسل من است و قسم به آن خداوندی که محمد صلی الله علیه و آله را به پیامبری برگزیده و امامت را به ما اختصاص داده، اگر از عمر دنیا تنها یک روز باقی مانده باشد، خداوند آن روز را چنان طولانی می کند تا امام مهدی قیام کند و زمین را از عدل و داد پر کند همان طوری که قبلاً از ظلم و بیداد پر بوده است و خداوند در طول یک شب، حکومت

ص: ۶۵

و سیطره ایشان را سر و سامان می دهد، همچنان که رسالت پیامبرش موسای کلیم علیه السلام را در یک شب اصلاح فرمود، آن زمان که موسی علیه السلام رفت تا برای زن و بچه اش آتش فراهم کند و هنگام برگشتن، به رسالت و نبوت برگزیده شده بود.»(۱)

### گواهی امام هادی علیه السلام

عبدالله بن احمد موصلی از صفر بن ابی دلف نقل کرده است: از امام علی بن محمد بن علی الرضا علیهم السلام شنیدم که می فرمود: فرزندانم حسن، امام شما بعد از من خواهد بود و بعد از او فرزندش امام شماسست، وی همان قائمی است که زمین را که مملو از ظلم و جور شده، از عدل و داد پر می کند.(۲)

### گواهی امام حسن عسکری علیه السلام

از امام حسن عسکری علیه السلام نقل شده که فرموده اند: «دشمنان ما اظهار داشتند که می خواهند مرا به قتل برسانند تا نسل رسول خدا صلی الله علیه و آله را برچینند، اما شکر و سپاس پروردگار را که پندار باطل شان را خنثی نمود.»(۳)

احمد بن اسحاق می گوید از ایشان شنیدم که فرمودند: خدا را سپاس می گویم که نمردم و جانشین خود را دیدم. او از لحاظ چهره و اخلاق، شبیه ترین فرد به

ص: ۶۶

---

۱- ۸۰. کمال الدین / ج ۲، ص ۷۷، ح ۱؛ بحارالانوار / ج ۵۱، ص ۱۵۶.

۲- ۸۱. کفایه الاثر، ص ۲۸۸؛ کمال الدین / ج ۲ ص ۳۸۳ ح ۱۰؛ بحارالانوار / ج ۵۰، ص ۲۳۹.

۳- ۸۲. کفایه الاثر / ص ۲۸۹؛ کمال الدین / ج ۲، ص ۴۰۷ ح ۳؛ بحارالانوار / ج ۵۱، ص ۱۶۰ ح ۸.

رسول خدا صلی الله علیه وآله است. پروردگار - تبارک و تعالی - او را در زمان غیبتش حفظ می کند. سپس او را آشکار ساخته و زمین را همان طور که از ظلم و جور پر شده، از عدل و داد پر می کند.» (۱)

امام حسن عسکری علیه السلام در سومین روز ولادت حضرت مهدی علیه السلام او را به اصحابش نشان داد. سپس به آنان فرمود: امام بعدی و جانشین من در میان شما ایشان است. او همان قائمی است که چشم ها انتظار دیدار او را خواهند کشید و آن وقتی که زمین از ظلم و جور پر گشت، قیام می کند و زمین را پر از عدل و داد می کند. در هفتمین روز از ولادت امام مهدی علیه السلام پدر بزرگوارشان عقیقه داد و گوسفندی را برای گروهی از یاران فرستاد و به آنان فرمود: «این عقیقه فرزندم محمد است.» (۲)

### روایاتی که از اختلاف ائمت در باره ولادت حضرت علیه السلام خبر می دهند

در آن دسته از روایاتی که از اهل بیت علیهم السلام نقل شده، اخبار فراوانی وجود دارد که ائمه تصریح کرده اند، ائمت اسلامی در زمینه ولادت امام مهدی علیه السلام با هم اختلاف خواهند داشت. منشاء این اختلاف، پنهان کردن جریان ولادت حضرت از جانب پدرشان و آن هم به دلیل بیم از خشم حاکمان بنی عباس بوده است.

از جمله این روایت ها، حدیثی است که از امام زین العابدین علیه السلام نقل گشته است. ایشان فرموده اند: «امام قائم، از ما اهل بیت است، زمان و مکان تولدش به

ص: ۶۷

- 
- ۱- ۸۳. کفایه الاثر / ص ۲۹۰. کمال الدین / ج ۲، ص ۴۰۸ ج ۷، بحار الانوار / ج ۵۱ ص ۱۶۱ ح ۹.
  - ۲- ۸۴. کمال الدین / ج ۲، ص ۳۴۲ ح ۱۰؛ مستدرک الوسائل / ج ۱۵، ص ۱۴۱ ح ۴؛ بحار الانوار / ج ۵۱ ص ۱۵ ح ۱۷.

طوری نامشخص است که مردم می گویند: هنوز او به دنیا نیامده است، او قیام خواهد کرد و ایشان به هنگام خروج، بیعت هیچ کس را به گردن ندارد. (۱)

از امام محمدباقر علیه السلام نیز همین حدیث عیناً روایت شده است. (۲) هم چنین روایتی از ایشان نقل شده که در آن فرموده اند: «قائم اهل بیت، همان کسی است که تولدش بر مردم پنهان است.» (۳) در سومین روایت، امام باقر علیه السلام وجه تشابه حضرت مهدی علیه السلام را با برخی از پیامبران بیان کرده، می گویند: حضرت ولی عصر علیه السلام در هراس و خوف مداوم، طولانی شدن غیبت، پنهان ماندن زمان و مکان تولد و آزار و اذیت شیعیانش به ایشان شبیه است.»

از امام موسی کاظم علیه السلام نقل است: قیام کننده و قائم آخرالزمان کسی است که مردم درباره اش می گویند: «وی هنوز متولد نگشته است.» (۴)

از امام رضا علیه السلام نقل شده است: «حاکمان ستمگر، امامان را که محبوبند و مردم پیوسته با آنان به وسیله نامه نگاری در ارتباطند و از دانش و علم فراوانی بهره مندند و پاسخگوی مسائل مختلف مردم می باشند آن چنان که در میان خلق خدا مشهورند و از سراسر بلاد اسلامی اموال به سویشان روانه می شود را یا کشته اند و یا مسموم کرده اند. این روند ادامه خواهد یافت تا آن که خداوند متعال یک نفر از ما را به امامت برمی گزیند، مکان و زمان ولادتش نامعلوم و پنهان، اما اصل و نسبش معروف است.» (۵)

ص: ۶۸

۱- ۸۵. بحار الانوار / ج ۵۱، ص ۱۳۵.

۲- ۸۶. اثبات الوصیه، ص ۲۲۲.

۳- ۸۷. کمال الدین / ج ۱، ص ۳۲۷.

۴- ۸۸. بحار الانوار / ج ۵۱، ص ۱۵۱.

۵- ۸۹. اصول کافی / ج ۱، ص ۳۴۱، ح ۲۵؛ کتاب الغیبه نعمانی / ص ۱۶۸، ح ۹؛ کمال الدین / ج ۲، ص ۳۷۰، ح ۱.

امام هادی علیه السلام می فرمایند: امام زمان همان کسی است که مردم درباره اش می گویند: وی هنوز به دنیا نیامده است. (۱)

روایات منقول از نبی اکرم و اهل بیت علیهم السلام، با وجود اختلاف در تعبیر و الفاظ، اگر در کنار هم چیده شود، متوجه می شویم تماماً دارای یک مضمون هستند و آن رسمیت بخشیدن به تولد حضرت مهدی علیه السلام است. همان طوری که امام حسن عسکری علیه السلام پدر امام مهدی علیه السلام به روشنی بر این قضیه تأکید نموده اند که با گواهی های پیشین مطابقت دارد. این حدیث عملاً حاکی از محرز شدن تولد امام مهدی علیه السلام است.

همه این گواهی ها، نشانه حَقانیت نبوت حضرت محمدصلی الله علیه وآله است؛ زیرا این روایات دویست سال قبل از به دنیا آمدن مهدی علیه السلام از طرف رسول خداصلی الله علیه وآله صادر گشته است. هم چنین شهادت اهل بیت علیهم السلام در این مسأله، علامت صدق نبوت ایشان است؛ زیرا منبع روایت ائمه علیهم السلام جز پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله شخص دیگری نبوده است و به همین جهت است که راه طعنه زدن و ایرادکنندگان بر این روایات به طور مطلق مسدود است.

### گواهی دانشمندان شیعه

علمای شیعه در مورد تاریخ ولادت امام مهدی منتظرعلیه السلام اتفاق نظر دارند. آنچه در پی می آید خلاصه ای از دیدگاه دانشمندان شیعه در مورد شرح حال و زندگی ایشان است:

ص: ۶۹

وی دوازدهمین امام از اهل بیت علیهم السلام است. نامش محمد است و به حجت، منتظر، منتقم، غایب و بقیه الله شهرت دارد. در شهر سامرا از جمله شهرهای عراق، که در آن زمان پایتخت عباسیان بوده، هم زمان با طلوع فجر صادق، همان زمانی که ندای «الله اکبر» مؤذن برای اقامه نماز صبح روز جمعه، مصادف با پانزدهم شعبان المبارک سال ۲۵۵ «ه.ق» بلند شد، به دنیا آمد.

روایت شده: حضرت مهدی علیه السلام به هنگام ولادت با دو دست روی زمین آمده، در حالی که سجده کنان چهره بر خاک نهاد و روی زانوهایش نشست. ستونی از نور همراه با درخشش هاله ای از آن بر بالای سر حضرت علیه السلام به سوی آسمان بلند شد و تمامی شهر با تابش آن نور، روشن و تابناک شد.

به دنیا آمدن حضرت علیه السلام با کرامات فراوانی همراه بود که علمای شیعه و سنی بر آن تأکید کرده اند. (۱) نام مادرش نرگس است و چند اسم دیگر نیز دارد. (۲) نرگس دختر یسوعا پسر قیصر و پادشاه روم بود. مادرش از نسل حواریون است. نسب وی به شمعون، رفیق و وصی عیسی مسیح می رسد. به این صورت و با این نسبت فامیلی، حضرت عیسی علیه السلام دایی حضرت مهدی علیه السلام به حساب می آید.

اما پدرش امام حسن عسکری، فرزند امام هادی، فرزند جواد، فرزند امام رضا، فرزند امام کاظم، فرزند جعفر صادق، فرزند محمد باقر، فرزند امام زین العابدین، فرزند امام حسین شهید، فرزند امام علی بن ابی طالب علیهم السلام است.

ص: ۷۰

---

۱- ۹۱. درباره گواهی دانشمندان اهل تسنن راجع به ولایت حضرت خواهد آمد.

۲- ۹۲. مادر مهدی منتظر علیه السلام از جمله زنان رومی بود که در جنگ ها و فتوحات عباسیان بر ضد امپراتوری روم به اسارت در آمدند. وی به هنگام اسارت، در پوشش نام های گوناگون، از شهری به شهر دیگر منتقل می شد.

امام مهدی علیه السلام پنج ساله بود که پدرشان دار فانی را وداع گفت. پروردگار متعال در همان سال های کودکی و خردسالی، دانش و حکمت و فصل الخطاب (قدرت تشخیص حق از باطل) را به ایشان عطا فرمود. حضرت مهدی علیه السلام چهارشانه، خوش سیما و زیبا موی بود. ایشان دارای بینی کشیده و پیشانی بلند و پهن و در گونه راستش خالی داشت. (۱)

## گواهی مورخان

همه تاریخ نگاران به دنیا آمدن ائمه دوازده گانه اهل بیت علیهم السلام از امام علی بن ابی طالب علیه السلام تا امام مهدی منتظر علیه السلام را قبول دارند، کمتر کتاب تاریخی وجود دارد که از نام و یاد آنان و با بیان فضایلشان تهی باشد. هم چنین کتب دانشمندان علم انساب و شرح حال نویسان برادران اهل سنت از این قاعده مستثنی نیست؛ هر چند به دلیل نیامدن نام برخی از ائمه علیهم السلام در اسناد و اخبار، اسم برخی از آنان فرو گذاشته شده است.

مورخان و شرح حال نویسان که به دنیا آمدن حضرت مهدی علیه السلام را قبول دارند به دو دسته تقسیم می شوند: گروهی تاریخ تولد حضرت مهدی علیه السلام را مطابق با روایات منقول از اهل بیت علیهم السلام ذکر می کنند و دسته دیگر به دنیا آمدن ایشان را باور دارند اما تاریخ تولدشان را ذکر نمی کنند. این دو دسته تاریخ نگار عبارتند از:

ص: ۷۱

---

۱- ۹۳. الانوار البهیه فی تواریخ الحجج الالهیه، ص ۲۷۵، الارشاد نوشته شیخ مفید، ص ۳۷۲. کمال الدین، نوشته شیخ صدوق باب اول.



ابن اثیر در تاریخش (۱)، مسعودی در مروج الذهب (۲)، ابن شحته در تاریخش (۳)، قرمانی (کرمانی) در اخبارالدول (۴)، ابن وردی در تاریخش (۵)، ابن خلدون در تاریخش (۶)، یافعی در مرآة الجنان (۷)، ابوالفداء در تاریخش (۸)، سویدی در سبائك الذهب (۹)، ابن خلکان در وفيات الأعیان (۱۰)، ابن ازرق در تاریخش (۱۱).

در اینجا اظهارات برخی از آنان را بیان می کنیم:

ابن خلکان آورده است: ابوالقاسم محمد بن حسن عسکری فرزند علی النقی، فرزند محمد تقی، دوازدهمین امام از ائمه اهل بیت علیهم السلام است. وی روز جمعه، نیمه شعبان (سال ۲۵۵ ه.ق) به دنیا آمد و هنگامی که پدرش از دنیا رفت، پنج ساله بود. (۱۲)

قرمانی، در کتاب خود در فصل ۱۱ «در ذکر ابوالقاسم محمد الحجة خلف الصالح علیه السلام» می گوید: به هنگام مرگ پدرش پنج سال داشت، پروردگار متعال در آن سال های خردسالی به وی دانش و حکمت، همان طوری که به یحیی ارزانی داشته بود، به ایشان عطا فرمود. امام مهدی علیه السلام چهارشانه،

ص: ۷۲

- 
- ۱- ۹۴. الکامل فی التاریخ / ج ۵، ص ۳۷۳، چاپ مصر {سال ۱۳۰۳ ه.ق}.
  - ۲- ۹۵. مروج الذهب / ج ۴، ص ۱۹۹، چاپ مصر {۱۳۶۷ ه.ق}.
  - ۳- ۹۶. الکامل فی التاریخ لابن الاثیر / ج ۱۱، ص ۱۷۹، پانوشت. چاپ مصر سال ۱۳۰۳ ه.ق.
  - ۴- ۹۷. اخبار الدول، ص ۳۵۳، چاپ بیروت، عالم الکتب، {۱۴۱۲ ه.ق}.
  - ۵- ۹۸. تاریخ ابن وردی / ج ۱، ص ۲۳۲.
  - ۶- ۹۹. تاریخ ابن خلدون / ج ۲، ص ۱۱۵.
  - ۷- ۱۰۰. مرآة الجنان، نوشته یافعی / ج ۲، ص ۱۷۰ {۱۳۳۹ ه.ق}.
  - ۸- ۱۰۱. تاریخ ابی الفداء / ج ۲، ص ۴۵.
  - ۹- ۱۰۲. سبائك الذهب، ص ۷۸.
  - ۱۰- ۱۰۳. وفيات الاعیان / ج ۱، ص ۶۴۳، مصر، {۱۲۷۵ ه.ق}، ج ۴، ص ۱۷۶ چاپ بیروت.
  - ۱۱- ۱۰۴. به نقل از وفيات الاعیان / ج ۴، ص ۱۷۶.
  - ۱۲- ۱۰۵. به نقل از وفيات الاعیان / ج ۴، ص ۱۷۶ چاپ بیروت.

خوش سیما و خوش موی و دارای پیشانی بلند و دماغی کشیده بودند. (۱) ابن خلدون در بیان شرح حال امام حسن عسکری علیه السلام پدر گرامی امام زمان علیه السلام می گوید: همسر امام حسن علیه السلام حامله بود و از وی فرزندش (محمد) مهدی علیه السلام به دنیا آمد. سپس امام حسن عسکری دستگیر شد، و حضرت مهدی به همراه مادرشان به زیرزمینی خانه پدرشان رفته و مفقود شده است. شیعیان معتقدند که وی بعد از پدرش امام دوازدهم است. او را ملقب به مهدی و حجت دانسته و مدعی هستند که وی زنده است، و تاکنون نیز منتظر ظهور اویند و در انتظارش پایمردی می کنند. وی دوازدهمین امام از نسل علی بن ابی طالب است و به همین جهت شیعیان علی علیه السلام به شیعه دوازده امامی شهرت یافته اند. (۲) ابن ازرق در این باره چنین اظهار می کند: حجت - مهدی - سابق الذکر در نهم ماه ربیع الاول (سال ۲۵۸ ه.ق) متولد شده است. گفته شده وی در هشتم شعبان (سال ۲۵۶ ه.ق) به دنیا آمده است و این روایت صحیح تراست. (۳)

ابوالفداء در تاریخ خود آورده است: حسن عسکری که قبلاً ذکرش کردیم، پدر مهدی منتظر (محمد) است. همان شخصی که به زیر زمین پناه برد و غایب و پنهان گشته. بنا به اعتقاد شیعه امامیه، وی دوازدهمین امام از ائمه اثنا عشری است. وی را قائم و مهدی نامیده اند. مهدی منتظر «سال ۲۵۵ ه.ق» به دنیا آمد. (۴)

و سویدی در کتاب سبائک الذهب خود در آن سطری که به شرح حال امام

ص: ۷۳

---

۱- ۱۰۶. اخبار الدول قرمانی، ص ۳۵۳.

۲- ۱۰۷. تاریخ ابن خلدون / ج ۴، ص ۳۸ - ۳۹ چاپ بیروت.

۳- ۱۰۸. وفيات الاعیان ج ۴، ص ۱۷۶.

۴- ۱۰۹. تاریخ ابی الفداء / ج ۲، ص ۴۵.

حسن عسکری پرداخته، می گوید: مهدی چهارشانه، خوش سیما، زیاموی و دماغی کشیده و پیشانی سفید داشت. (۱)

## گواهی دانشمندان اهل سنت

گروه بی شماری از علمای سنی مذهب، سال ولادت حضرت مهدی علیه السلام یعنی «سال ۲۵۵ ه.ق» را تأیید کرده و آن را قبول دارند.

برخی از دانشمندان شیعی مذهب معاصر (۲) آمار آنان را در آثار خویش نقل کرده اند و تعدادشان را با احتساب مورخان سنی، بیش از هشتاد تن دانسته اند.

در اینجا ضمن آوردن سخن عده ای از آنان در مورد تاریخ ولادت حضرت مهدی علیه السلام، به نام دیگری از آنان اشاره می کنیم:

۱) علامه نورالدین عبدالرحمان حنفی در کتاب «شواهد النبوه»، (۳) حکایت حامله شدن مادر حضرت را تا هنگام وضع حمل ایشان بیان نموده، می گوید: امام سجده کنان به دنیا آمد. زمانی که حکیمه او را نزد پدرشان آورد، امام به فرزندش فرمود: فرزندم! به فرمان و امر خدای متعال سخن گوی. ایشان گفتند: «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (۴).

سپس امام حسن عسکری علیه السلام به حکیمه فرمود: عمه جان! نوزاد را به مادرش

ص: ۷۴

- 
- ۱- ۱۱۰. سبائك الذهب، ص ۷۸.
  - ۲- ۱۱۱. از جمله این دانشمندان می توان از علامه لطف الله صافی، در منتخب الاثر، و محقق اندیشمند آقای میلانی، در مقدمه کشف الاستار، نام برد.
  - ۳- ۱۱۲. شواهد النبوه، ص ۲۱.
  - ۴- ۱۱۳. سوره قصص / آیه ۵؛ اراده ما بر آن واقع شده است که بر مستضعفان روی زمین منت نهاده و آنان را امامان و وارثان زمین کنیم.

برگردان تا چشمانش به دیدن او روشن گشته و اندوه نبرد. «وَلِتَعْلَمَ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» (۱). حکیمه گوید: نوزاد را به مادرش تحویل دادم.

آن نوزاد حین ولادت، با ناف بریده و ختنه شده به دنیا آمد و بر روی بازوی راستش این آیه نوشته شده بود: «جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» (۲).

(۲) حافظ ذهبی در کتاب «العبر» گفته است: در آن سال؛ یعنی «سال ۲۵۶ ه.ق» ابوالقاسم محمد بن حسن عسکری، فرزند هادی النقی پسر محمد جواد التقی، فرزند علی الرضا، فرزند موسی کاظم، فرزند جعفر صادق علوی حسینی، که رافضیان (۳) وی را ملقب به خلف می نامند و آخرین امام از دوازده امام باشد، به دنیا آمد. (۴)

(۳) علامه مولوی محمد مبین هندی در کتاب «وسیله النجاه» آورده است: از ابو محمد عسکری نقل شده که کسی از وی درباره امام و جانشین بعد از او پرسید، امام علیه السلام وارد منزل شده و با خود کودکی آورد که چهره اش چونان ماه شب چهارده و بدر کامل بود. سپس فرمود: اگر تو پیش خداوند متعال عزیز نمی بودی قطعاً این پسر را به تو نشان نمی دادم. بعد فرمود: او همانم و هم کنیه رسول خداست. وی همان کسی است که زمین را از عدل و داد پر می کند، بعد از آن که از ظلم و جور پر شده باشد. (۵)

ص: ۷۵

---

۱- ۱۱۴. سوره قصص / آیه ۱۳: و نیز - مادر او - به یقین بداند که وعده خدا حق است، اما اکثر مردم از این حقیقت آگاه نیستند.

۲- ۱۱۵. سوره اسراء / آیه ۸۱؛ حق آمد و باطل نابود شد و باطل خود شایسته محو و نابودی ابدی است.

۳- ۱۱۶. مراد از رافضیان، شیعیان هستند که اهل سنت، آن ها را رافضی و بی دین می خوانند.

۴- ۱۱۷. العبر الذهبی / ج ۲، ص ۳ چاپ کویت.

۵- ۱۱۸. وسیله النجاه، ص ۴۱۸.

۴) علامه سراج الدین بن عبداللہ مخزومی رافعی در کتاب «صحاح الاخبار» آورده است: امام دهم علی النقی پنج فرزند داشت، امام حسن عسکری علیه السلام حسین، محمد، جعفر و عایشه. اما حسن عسکری علیه السلام پدر حجت منتظر ولی خدا، مهدی امام عصر است. (۱)

۵) علامه عبد الوہاب شعرانی در کتاب «الیواقیت و الجواهر» می گوید: مسلمانان در انتظار انقلاب او هستند. مهدی علیه السلام از جمله فرزندان امام حسن عسکری است که در نیمه شعبان (سال ۲۵۵ ه.ق) متولد شد. او زنده است تا آن زمان که با عیسی علیه السلام قیام کند. ایشان تا زمان ما (سال ۹۵۸ ه.ق)، ۷۶۶ سال عمر کرده است. (۲)

نکته: باید توجه داشت که در حاشیه ها و در پانویست کتاب «الیواقیت و الجواهر» گروهی از دانشمندان بزرگ مصری حاشیه زده اند و اجازه چاپ و نگارش آن را داده و آن را ستوده اند؛ از جمله این بزرگان، شیخ شهاب الدین شلبی حنفی و شیخ شهاب الدین عمیره شافعی و شیخ ناصرالدین لقانی مالکی و شیخ محمد برمتوشی حنفی و شیخ الاسلام فتوحی حنبلی هستند. این جماعت در حاشیه و اجازه چاپ آن نوشته اند: جز مرتدان و معاندان یا منکران بسیار دروغگو، کسی با محتوا و مفاهیم این کتاب مخالفت و دشمنی نمی کند.

۶) علامه ابن طولون دمشقی در کتاب «الشذرات الذهبیه فی تراجم الأئمّه

ص: ۷۶

---

۱- ۱۱۹. صحاح الاخبار، ص ۵۵، چاپ بمبئی، {سال ۱۳۰۶ ه.ق}.

۲- ۱۲۰. الیواقیت و الجواهر، ص ۱۴۳، چاپ عبدالحمید احمد حنفی در مصر.

الإثني عشرية» می گوید: دوازدهمین امام، ابوالقاسم محمد بن علی نقی هادی، آخرین امام اثنا عشری است. وی - رضی الله عنه - روز جمعه نیمه شعبان (سال ۲۵۵ ه.ق) متولد شد و زمانی که پدرش وفات یافت، او پنج ساله بود. (۱)

۷) علامه ابن حجر هیثمی در کتاب «الصواعق المحرقة» آورده است: امام حسن عسکری به غیر از ابوالقاسم محمد «حجت» پسر دیگری نداشت. وی به هنگام رحلت پدرش پنج ساله بود و پروردگار متعال در همان خردسالی دانش و حکمت به ایشان ارزانی داشته بود. او هم چنین قائم منتظر نامیده می شود. (۲)

۸) علامه حمزوی در «مشارق الأنوار» گوید: علامه عبدالوهاب شعرانی در «الیواقیت و الجواهر» نقل کرده است که امام مهدی فرزند امام حسن عسکری هستند. ایشان در نیمه شعبان سال ۲۵۵ ه.ق متولد شدند و زنده هستند تا آن زمانی که همراه عیسی علیه السلام قیام کنند. (۳)

۹ و ۱۰) علامه حمزوی بعد از بیان و نقل خبر علامه شعرانی از دو شخصیت بزرگوار نام می برد که یکی علامه شیخ حسن عراقی است و دیگری علامه علی الخواص است. متن سخنان علامه حمزوی چنین است: مانند حدیث علامه شعرانی را، شیخ حسن عراقی مدفون در بالای تپه (ریش) و مشرف بر برکه (رطل) در مصر محروسه برای من نقل کرده است. سرور و آقایم جناب شیخ علی خواص سخنان ایشان را تأیید کرده و موافق با نظرات اوست. (۴)

ص: ۷۷

---

۱- ۱۲۱. الشذرات الذهبیه، ص ۱۱۷، چاپ بیروت.

۲- ۱۲۲. الصواعق المحرقة، ص ۱۲۴، چاپ مصر.

۳- ۱۲۳. مشارق الانوار، ص ۱۵۳، چاپ مصر.

۴- ۱۲۴. همان.

۱۱) علامه عبدالرحمان بن عمر، مفتی منطقه حضرموت در کتاب بغیہ المسترشدین گفته است: سیوطی از شیخش آقای عراقی نقل کرده که مهدی علیه السلام به «سال ۲۵۵ ه.ق» به دنیا آمد.

شیخ علی خواص نیز نظر او را تأیید کرده و گفته است که عمر حضرت مهدی علیه السلام تا زمان ما؛ یعنی «سال ۹۵۸ ه.ق»، ۷۰۳ سال است.

احمد رملی و شعرانی نیز با تأکید نقل کرده اند که حضرت مهدی علیه السلام زنده است و وجود دارد. (۱)

۱۲) علامه عبدالله بن محمد شبراوی شافعی مصری در کتاب خویش «الاتحاف بحبّ الاشراف» آورده است که: امام محمد، ابوالقاسم، حجّت، فرزند امام حسن عسکری علیه السلام در شهر سامرا و در نیمه شعبان «سال ۲۵۵ ه.ق» پنج سال قبل از وفات پدرش متولد شد. وقتی به دنیا آمد، پدرش او را پنهان کرد و به خاطر شرایط سخت آن وقت و وخامت اوضاع و هراس از خلفای بنی عباس و ترس از کشته شدن فرزندش، مسأله خلافت و امامت او را مخفی کرد؛ زیرا خلفای بنی عباس در دوران امامت ایشان، بنی هاشم را تحت تعقیب قرار داده، آنان را منتظر خلف صالح و صاحب الزمان می دانستند. مشهورترین لقب ایشان، مهدی است.

۱۳) علامه عباس بن علی مکی در کتاب «نزهة الجلیس» آورده است: امام مهدی منتظر، ابوالقاسم، فرزند حسن عسکری است و او فرزند امام علی النقی

ص: ۷۸

و وی فرزند امام محمد تقی، فرزند امام رضا، فرزند موسی کاظم، فرزند جعفر صادق، فرزند محمد باقر، فرزند علی بن حسین، فرزند حسین بن علی، فرزند علی بن ابی طالب می باشد. وی همان قائم منتظر است. روز جمعه نیمه شعبان «سال ۲۵۵ ه.ق» به دنیا آمد و هنگام وفات پدرش پنج سال داشت. و درست آن است که تاریخ ولادت وی روز هشتم شعبان «سال ۲۵۶ ه.ق» باشد. (۱)

(۱۴) علامه ابن صباغ مالکی در کتاب «الفصول المهمه» گفته است: ابوالقاسم محمد حجت بن حسن خالص در شهر «سامرا» و در شب نیمه شعبان «سال ۲۵۵ ه.ق» متولد شد. (۲)

(۱۵) علامه بن خشاب در کتاب «موالید اهل البیت» بنا به روایتی از علی بن موسی الرضا علیه السلام نقل کرده است که حضرت فرموده اند: خلف صالح از جمله نوادگان و فرزندان ابو محمد حسن بن علی است. وی همان صاحب الزمان و قائم و مهدی است. (۳)

(۱۶) علامه ابوالفرج عبدالحی حنبلی در جلد دوم کتاب «شذرات الذهبیه» بر تولد حضرت مهدی منتظر علیه السلام تصریح و تأکید کرده است. (۴)

(۱۷) علامه عبدالرحمان بسطامی در کتاب «درّه المعارف» بعد از آن که به دنیا آمدن حضرت مهدی علیه السلام را مورد تأکید و تصریح قرار داده، می گوید: وی داناترین و بردبارترین مردم است. خالی در گونه راستش دارد و فرزند حسین

ص: ۷۹

---

۱- ۱۲۶. نزهة الجلیس / ج ۲، ص ۱۲۸.

۲- ۱۲۷. الفصول المهمه، ص ۲۷۴.

۳- ۱۲۸. همان، ص ۲۷۴.

۴- ۱۲۹. الشذرات الذهبیه، ص ۱۴۱ و ۱۵۰.



است. قندوزی حنفی در ینابیع الموده متذکر شده است که علامه بسطامی در شأن و منزلت حضرت مهدی علیه السلام شعرها سروده است.<sup>(۱)</sup>

۱۸) علامه آیاری در کتاب «جالیه الکدر فی شرح منظومه البرزنجی» در شرح حال حضرت مهدی منتظر علیه السلام گفته: وی به هنگام فوت پدرش پنج سال داشت، که خداوند در همان کودکی و خردسالی دانش و حکمت را؛ همچون یحیای پیامبر علیه السلام به ایشان ارزانی داشت.<sup>(۲)</sup>

۱۹) علامه بدخشی در «مفتاح النجاه» می گوید: مهدی علیه السلام در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ متولد شد. القاب او عبارتند از: خلف صالح، حجت، منتظر، قائم، مهدی و صاحب الزمان.

خداوند تبارک و تعالی در همان کودکی؛ همچون یحیای پیامبر علیه السلام قدرت تشخیص حق از باطل و فصل الخطاب به ایشان عطا فرمودند. خداوند - تبارک و تعالی - همان طوری که در گهواره به عیسی علیه السلام حکم نبوت داده بود، به حضرت مهدی نیز در مهد، امامت را بخشیدند.<sup>(۳)</sup>

۲۰) علامه قندوزی حنفی در کتاب ینابیع الموده چنین آورده است: روایت و خبری که مورد تأکید اهل ثقه است آن است که حضرت مهدی در شب پانزدهم شعبان به «سال ۲۵۵ ه.ق» در سامرا و در کنار قران زردی که در کمان بوده، همان قران زردی که چهارمین قران بزرگی که در قوس کمان بود، به دنیا آمد. طالع حضرت در ۲۵ درجه سرطان واقع شده بود.<sup>(۴)</sup>

ص: ۸۰

---

۱- ۱۳۰. ینابیع الموده، ص ۴۰۱.

۲- ۱۳۱. جالیه الکدر، ص ۲۰۷، چاپ مصر.

۳- ۱۳۲. مفتاح النجاه، خطی، ص ۱۸۹.

۴- ۱۳۳. ینابیع الموده / ج ۲ ص ۱۱۳.

(۲۱) علامه محمد خواجه پارسا بخاری در کتاب «فصل الخطاب» داستان ولادت امام علیه السلام را بیان کرده، می گوید: زمانی که سپیده دمید، حالت اضطراب به حضرت نرگس دست داد و حکیمه نزد ایشان رفته، نرگس خانم، نوزاد را به دنیا آورد. زمانی که حکیمه خاتون او را مشاهده کرد، وی ختنه شده بود، نزد امام حسن عسکری آورد، امام حسن وی را در آغوش کشید و دست نوازش بر سر و صورتش کشید، زبان در کامش نهاد. سپس اذان را در گوش راست و اقامه را در گوش چپ وی خواند. سپس به حکیمه خاتون فرمود: عمّه جان! نوزاد را به مادرش بازگردان. من نیز کودک را به مادرش برگرداندم.

روایتی از حکیمه نقل شده که ایشان از امام حسن عسکری علیه السلام در مورد فرزندش پرسید و چنین گفت: «آقا و سرورم! آیا راجع به این مولود مبارک اطلاع و خبر مهمی دارید؟ امام فرمود: عمّه جان! وی همان مهدی منتظر است که مژده آمدنش را داده ایم. من (حکیمه) سجده کنان روی بر خاک نهادم و خدای را شکر کردم. سپس هرگاه به منزل امام علیه السلام رفت و آمد می کردم، اثری از نوزاد نمی دیدم. از امام علیه السلام پرسیدم: سرور من! با آقایمان حضرت منتظر علیه السلام چه کردید؟ امام فرمود: همان طوری که مادر موسی علیه السلام فرزندش را به خدا سپرد، ما نیز نوزادمان را به امان خدا واگذار کردیم.

هم چنین آورده اند که خداوند - تبارک و تعالی - دانش و حکمت و قدرت تشخیص حقّ از باطل را به وی داد. پروردگار متعال او را نشانه عظمت خویش برای جهانیان قرار داده؛ همان طوری که در قرآن راجع به پیامبرانش فرموده

است: ای یحیی! تورات را با قوت قلب داشته باش. و ما در همان نوزادی فهم تورات را به او عطا کردیم. (۱) هم چنین خداوند متعال از قول علمای یهود فرموده اند: مگر می شود با نوزادی که در گهواره است، سخن گفت (۲) و بر همین اساس خداوند - تبارک و تعالی - عمر حضرت مهدی علیه السلام را طولانی گردانیده، همچنان که عمر حضرت خضر و الیاس علیهما السلام را طولانی نموده است. (۳)

(۲۲) علامه شبلینجی در کتاب «نور الابصار» تصریح کرده است که مهدی منتظر همان کسی است که در سال ۲۵۵ ه.ق متولد شده است. (۴)

(۲۳) علامه گنجی در کتاب «کفایه الطالب» تأکید می کند که حضرت مهدی علیه السلام در شهر سامرا به دنیا آمده و فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است. (۵)

(۲۴) علامه ابن طلحه شافعی در کتاب «مطالب السؤل» نسب مبارک حضرت مهدی علیه السلام را از پدرش امام حسن عسکری علیه السلام تا جد بزرگوارش علی بن ابی طالب امیرالمؤمنین بر شمرده و گفته است که ایشان در سال ۲۵۸ ه.ق به دنیا آمده است. (۶)

(۲۵) علامه سبط بن الجوزی در «تذکره الخواص» بر تولد ایشان تأکید کرده و نسب حضرت را تا امام علی علیه السلام بر شمرده و گفته است: وی خلف صالح، حجت، صاحب الزمان، منتظر و تالی و آخرین امام است. (۷)

ص: ۸۲

---

۱- ۱۳۴. سوره مریم / آیه ۱۲؛ «يَا يَحْيَى خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَأَنْتِنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا».

۲- ۱۳۵. سوره مریم / آیه ۲۹؛ «قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا».

۳- ۱۳۶. فصل الخطاب، به نقل از ینابیع الموده، ص ۳۸۷.

۴- ۱۳۷. نور الابصار، چاپ شعبیه، ص ۱۶۸.

۵- ۱۳۸. کفایه الطالب، ص ۴۶۸.

۶- ۱۳۹. مطالب السؤل، ص ۸۹.

۷- ۱۴۰. تذکره الخواص، ص ۳۶۳.

عَلَّامَه ابن صبان در اسعاف الرَّاغِبِين به نقل از عَلَّامَه عارف صوفی شیخ محی الدین ابن عربی طایبی نقل کرده: شیخ محی الدین در کتاب «فتوحات» آورده: آگاه باشید و بدانید مهدی حتماً قیام خواهد کرد، اما تا آن زمان که زمین از ظلم و ستم پر نگردد و او آن را از قسط و عدل پر نکند، قیام نخواهد کرد. مهدی علیه السلام از اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و فرزند فاطمه علیها السلام است، پدرش امام حسن عسکری فرزند امام علی النقی، فرزند محمّد تقی، فرزند امام رضا، فرزند امام موسی کاظم و فرزند امام جعفر صادق، فرزند امام محمّد باقر، فرزند امام زین العابدین، فرزند حسین و فرزند علی بن ابی طالب علیهم السلام (۱) است.

عَلَّامَه شعرانی همین سخنان را به نقل از ابن عربی در «الیواقیت و الجواهر» نقل کرده است. (۲)

اما مسأله شگفت انگیز و عجیب آن است که جملات و تعابیر نسخه کتاب فتوحات که هم اکنون - در عصر ما - در دسترس است با جملات و عباراتی که خود شعرانی و ابن صبان به نقل از آن کتاب آورده اند، با هم اختلاف دارند. چرا که در تعابیر و جملات شعرانی و ابن صبان، نسب شریف حضرت مهدی منتظر علیه السلام حذف شده است. البته نادانان و نابخردانی که توانایی رویارویی با حق را ندارند، جز به تحریف واقعیت ها به چیز دیگری روی نمی آوردند.

بعد از اثبات و حتمی بودن ولادت حضرت مهدی علیه السلام آن هم به گواهی

ص: ۸۳

---

۱ - ۱۴۱. اسعاف الراغبین، ص ۱۴۰، که در حاشیه نور الابصار شبلنجی چاپ شده است. این کتاب زیر نظر سعید علی الخصوص با مقابله نسخه ای به خط مؤلف چاپ شده است.

۲ - ۱۴۲. الیواقیت و الجواهر / ج ۲، ص ۱۳۵؛ اسعاف الراغبین، ص ۱۴۲.

و شهادت رسول خداصلی الله علیه و آله و ائمه اهل بیت علیهم السلام و اعتراف و تأکید مورخان سنّی و شیعه و گروه زیادی از علمای شیعی و سنّی که مورد اتفاق آنان است، دیگر شکی در باب ولادت امام علیه السلام باقی نخواهد ماند؛ مگر متکبر و معاندی که از خداوند غافل باشد؛ زیرا چنین حجم گواهی و شهادتی برای هیچ یک از مردان بزرگ تاریخ در کتاب های تاریخ و حدیث نیامده، بلکه حتی برای بسیاری از پیامبران و انبیاء علیهم السلام چنین شهادت ها و گواهی هایی ثبت نشده است.

بیشتر علمای اهل سنت معتقدند که نام پدر مهدی منتظر علیه السلام، عبدالله است. و در این باور خویش به حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله که در سنن ابو داوود نقل شده، استناد می کنند. حضرت محمد صلی الله علیه وآله در آن حدیث فرموده اند: مهدی همنام من است و نام پدرش نیز نام پدر من است.

اما امامیه بر این اعتقادند که پدر وی امام ابو محمد حسن عسکری یازدهمین امام و از اهل بیت علیهم السلام هستند، دانشمندان شیعه بر این باور سه دلیل اقامه می کنند.

اول: آن دسته از اخبار و روایاتی که دانشمندان شیعی به نقل از پیامبر خدا صلی الله علیه وآله و اهل بیتش نقل کرده اند که در همه آن احادیث رسول خدا و اهل بیت علیهم السلام گواهی می دهند که امام مهدی علیه السلام فرزند امام حسن عسکری است و هشتمین امام از نسل امام حسین علیه السلام است.

دوم: تأکید گروهی از دانشمندان و مورخان اهل سنت بر این نکته است که مهدی منتظر علیه السلام فرزند امام حسن عسکری علیه السلام می باشد. و در صفحات گذشته به نام آنان و نام کتاب هایشان که در آن ها ولادت حضرت مهدی علیه السلام به اثبات

رسیده بود و با دیدگاه شیعه دوازده امامی مطابقت داشت، اشاره شد؛ از جمله مورّخانی که به موضوع مورد نظر اشاره کرده اند می توان ابن خلکان و ابن ازرق را نام برد.

ابن خلکان در بیان شرح حال امام مهدی منتظر علیه السلام می گوید: وی ابوالقاسم منتظر محمد بن حسن عسکری فرزند هادی فرزند محمد جواد و ... است. او در روز جمعه مصادف با نیمه شعبان سال ۲۵۵ ه.ق به دنیا آمد و به هنگام وفات پدرش پنج ساله بود. نام مادرش خمط و برخی گویند نرگس است. (۱)

ابن ازرق در تاریخ برفین، پس از ذکر شرح حال ایشان می گوید: حجتی که نامش آمد در روز نهم ربیع الاول سال ۲۵۸ و یا به قولی هشتم شعبان سال ۲۵۶ ه.ق که قول دومی درست تر است، متولد شد. (۲)

ابن طولون دمشقی می گوید: ولادت ایشان در روز جمعه نیمه شعبان (۲۵۵ ه.ق) بود، و به هنگام وفات پدرشان امام حسن عسکری علیه السلام پنج سال داشت. (۳)

ابن حجر هیثمی در کتاب «الصواعق المحرقة» به بیان شرح حال امام حسن عسکری علیه السلام پرداخته و ایشان را ابا محمد الحسن الخالص نامیده و کراماتی را برای امام علیه السلام ذکر نموده که از جمله این کرامات، حکایت زیر است:

سالی که باران نبارید و مردم شهر سامرا به قحطی شدیدی دچار شده بودند، معتمد فرزند متوکل عباسی دستور داد مردم شهر به صحرا رفته و سه روز نماز

ص: ۸۶

---

۱- ۱۴۳. وفيات الاعیان / ج ۳، ص ۳۱۶.

۲- ۱۴۴. همان.

۳- ۱۴۵. الاثمه الاثنا عشر، چاپ بیروت ۱۹۵۸م تحقیق دکتر صلاح الدین المنجد.

استسقا (طلب باران) بخوانند، اما با این وصف، بارانی نیارید. سپس مسیحیان شهر به همراه راهبی دیرنشین به همین منظور به صحرا رفته، هرگاه آن راهب دست به سوی آسمان بالا می برد باران فراوانی می بارید و در دیگر روزها نیز این موضوع تکرار شد. بعد از این ماجرا جماعتی از نادانان در حقانیت اسلام شک کردند و به تردید افتادند و جماعتی نیز از دین برگشته و مرتد شدند.

این مسأله بر خلیفه گران آمد، دستور داد تا حسن خالص «امام عسکری» را احضار نمودند. خلیفه رو به او نموده و به وی گفت: قبل از آن که همگی هلاک گردند، به داد امت جدت رسول خداصلی الله علیه وآله برس. امام حسن علیه السلام گفت: به مردم بگویید فردا در صحرا گرد آیند، به یاری خداوند - تبارک و تعالی - من فردا تردید و شک را برطرف می کنم. سپس امام علیه السلام در مورد تعدادی از یارانش که در زندان معتمد بودند با وی رایزنی کرد و از معتمد، رهایی آنان را درخواست نمود. معتمد نیز آنان را آزاد ساخت.

وقتی مردم برای اقامه نماز باران به صحرا رفتند و آن راهب به همراه دیگر مسیحیان، دستش را به سوی آسمان بالا برد، امام حسن علیه السلام دستور داد تا او را دستگیر نمایند و او را واریسی کنند. بعد از بازرسی متوجه شدند که آن راهب استخوان انسانی را با خود دارد. امام آن استخوان را از او گرفت و به وی گفت: حالا دعا کن تا باران بیارد. او دستش را به سوی آسمان بالا برد و دعا کرد بلافاصله تمام ابرهای آسمان پراکنده گشته، از بین رفتند و آفتاب پدیدار شد. مردم حاضر از آن مسأله شگفت زده شدند. سپس خلیفه به امام حسن عسکری



علیه السلام گفت: ای ابا محمد! جریان چیست؟ ایشان فرمودند: آنچه در دست آن راهب بود، استخوان بدن پیامبری بود که وی آن را از قبری پیدا کرده است و هر زمان که در زیر این آسمان، استخوان پیامبری پدیدار گردد، بی تردید از آسمان باران می بارد. سپس حاضران برای اثبات گفته امام، آن استخوان را امتحان کردند و چنان شد که امام حسن عسکری علیه السلام فرموده بود. شک مردم از بین رفت و امام با احترام و عزت فراوان به منزل خویش بازگشت و پیوسته هدایا و صله های خلیفه برای او فرستاده می شد، تا آن که در سن ۲۸ سالگی در شهر سامرا وفات کرد و در کنار پدر و عمویش دفن شد.

البته نقل شده که امام به وسیله سم کشته شده است. او جز محمد حجت مهدی علیه السلام پسری نداشت. وی در زمان وفات پدرش پنج ساله بود. اما خداوند متعال در همان روزگار خردسالی دانش و حکمت را به ایشان ارزانی داشت.

نام دیگر امام علیه السلام، ابوالقاسم منتظر است. می گویند که وی در مدینه از چشمان غایب گشته و معلوم نشد که به کجا رفتند. ما در باب دوازدهم بیان کردیم که شیعیان عقیده دارند وی همان مهدی موعود منتظر علیه السلام است. (۱)

سوم: از لحاظ تاریخی ثابت شده که این بنی عباس بودند که دستور تدوین حدیث را صادر نمودند. آنان احادیث فراوانی را جعل کرده و به رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت دادند، تا پایه های قدرت خود را تحکیم نموده و بدین وسیله - با جعل احادیث - خلفای عباسی را از هر عیبی پاک و مبرا کنند.

ص: ۸۸

یکی از این احادیث جعلی، آن است که بنی عباس مدّعی شده اند مهدی از آنان است. و همین مهدی است که خلافت را به عیسی بن مریم تحویل می دهد. و از آنجایی که نام جعفر منصور دوانیقی خلیفه عباسی که ادّعای مهدویت می کرد، محمد بود و پدرش عبدالله نام داشت، به همین خاطر عباسیان در برخی احادیث و روایات مربوط به مهدی علیه السلام دست برده و این جمله «اسم ابیه اسم ابی» را افزوده اند، تا به این صورت ویژگی های این مهدی ساختگی، با امام مهدی علیه السلام منطبق گردد. همان شخصیتی که در احادیث صحیح منقول از رسول خدا صلی الله علیه و آله اوصافش به طور کامل ذکر گردیده است و ما دلایل فراوانی در اختیار داریم که درستی نظریه بالا - در جعل حدیث - را تأیید می کند.

(۱) حافظ نعیم بن حماد مروزی (۱) یکی از استادان امام بخاری است. او اولین کسی است که مسند حدیث را جمع آوری و تدوین کرده است و هم چنین نخستین کسی است که در کتابش «الفتن» اخبار مربوط به حضرت مهدی علیه السلام را جمع آوری کرده است. با وجودی که همین شخص احادیث مرتبط با حضرت مهدی را به ۲۰۰ طریق نقل کرده، اما جمله اضافی «و اسم ابیه اسم ابی» را در این مجموعه نیاورده است.

(۲) امام احمد بن حنبل با آن که اطلاعات گسترده ای در علم حدیث داشته و با وجود نزدیکی دوران زندگی او به دوران تابعین صحابه و گستردگی روایاتش

ص: ۸۹

---

۱- ۱۴۷. برای آشنایی بیشتر با نعیم بن حماد، ر.ک: تهذیب التهذیب / ج ۱۰، ص ۴۵۸؛ میزان الاعتدال / ج ۴، ص ۲۶۷؛ تذکره الحفاظ / ج ۲، ص ۴۱۸؛ الکامل نوشته ابن عدی / ج ۳ ص ۸۶۴؛ هدی الساری، ص ۴۴۷.

در رابطه با حضرت مهدی علیه السلام، با این همه، جمله اضافی فوق را هرگز در مسند و روایاتش ذکر نکرده است.

۳) دلیل دیگر آن است که این جمله اضافی در سنن ابوداوود وارد شده و اهل حدیث و حافظان روایت و اخبار به نقل از او آن را روایت کرده اند و آن که سند این حدیث در روایت ناقلان حدیث به کسانی که از خود ابوداوود یا کسانی که از او نقل حدیث کرده اند منتهی می شود که البته در اسناد و حدیث او این جمله اضافی گنجانده شده است. همین ابوداوود از جمله راویانی به شمار می رود که در نظر علمای جرح و تعدیل، سنت نبوی را به بازی گرفته است، و تمام کسانی که شرح حال او را نوشته اند، گفته اند: جمله اضافی در این حدیث را ابوداوود به آن افزوده است. به همین خاطر حافظ ابو عبدالله گنجی شافعی شاگرد ابن صلاح، ابوداوود را متهم می کند که وی اولین کسی است که این جمله اضافی را در این حدیث جعل کرده است. (۱)

۴) دلیل دیگر آن است که امام ترمذی در صحیح خود و ابن ماجه در سنن خود و ابونعیم در سه تألیفی که به حضرت اختصاص داده است، عین همین حدیث ابوداوود را کلمه به کلمه نقل کرده اند، و هم چنین مثل همین حدیث را دیگر حفاظ و ناقلان حدیث در آثار خویش آورده اند، اما هیچ کدام این جمله اضافی را در آن ها ذکر نکرده اند.

۵) دیگر دلیل آن است که ائمه اطهار علیهم السلام احادیث مربوط به حضرت

ص: ۹۰

مهدی علیه السلام را با اسناد صحیح و درست از جدّ بزرگوارشان، رسول خداصلی الله علیه وآله نقل نموده اند، و آن را به بیش از ۶۰۰ گونه و شکل روایت کرده اند؛ اما مطلقاً چنین جمله ای را در آن ها نیآورده اند.

بنابراین اگر با مقدمات علم اصول آشنایی داشته باشیم، استناد کردن بر چنین روایتی - در شناخت نام پدر مهدی علیه السلام - بنا به گواهی تاریخ از درجه اعتبار ساقط است، اسنادی که تأکید می نماید مهدی منتظر فرزند امام حسن عسکری علیهما السلام است. علاوه بر آن، اهل بیت علیهم السلام نیز بر این نکته صحّح نهاده اند و بر آن گواهی داده اند. آنان در شهادت و گواهی بر این موضوع تأکید می کنند که فرزندشان مهدی علیه السلام از ذریه و نسل فاطمه علیها السلام است و دوازدهمین امام و پدرش امام حسن عسکری علیه السلام است.

با چنین شواهد فراوانی است که با قاطعیت می گوئیم: حدیث نقل شده «اسم ابیه اسم ابی» از پایه بی اساس است. چرا که این شواهد موجب می شود کمترین توجهی به چنین حدیثی نشود؛ مگر اشخاص بیمار و متعصبی که برای علم ارزشی قائل نشده و گواهی تاریخ را نیز مخدوش بدانند، و به چنان حدّ جسارتی برسند که این موضوع روشن و واضح که با ادلّه علمی و شرعی معتبر به اثبات رسیده را انکار کنند.

### **اختلاف درباره جدّ بزرگوار مهدی علیه السلام**

گروهی از علمای اهل سنت گفته اند که حضرت مهدی علیه السلام از فرزندان

فاطمه علیها السلام ولی از نسل امام حسن مجتبی علیه السلام است، این اشخاص بر ادعای خود دو دلیل اقامه کرده اند:

مبنای دلیل اول آنان روایتی است که از علی بن ابی طالب علیهما السلام نقل شده است، و براساس آن، حضرت علی علیه السلام به چهره فرزندش امام حسن علیه السلام نظر افکنده و فرموده اند: پسر من حسن، همان طور که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرموده، سرور و آقا است و از صلب او کسی متولد خواهد شد که هم نام رسول خدا صلی الله علیه وآله است. (۱) دلیل دوم: به عقیده اهل سنت در این مسأله که مهدی از فرزندان امام حسن علیه السلام باشد، سرّ لطیفی نهفته است و آن این است که امام حسن علیه السلام به خاطر رضای خدا از خلافت کناره گرفت و به همین خاطر پروردگار متعال در میان ذریه و نسل او فردی را قرار داد که خلافت به حقّ و عادلانه اش سراسر زمین را فرا می گیرد. و سنت الهی درباره بندگانش چنین است که اگر بنده ای به خاطر رضای پروردگار متعال از چیزی درگذرد، خداوند به او یا به نسلش بهتر از آن را عطا می فرماید. اما چنین منشی با رویه امام حسین علیه السلام در تضاد است؛ زیرا وی برای دست یابی به خلافت حریص بود و به خاطر آن جنگید و کاری از پیش نبرد!

هر دو دلیل ذکر شده - که هر دو باطل و بی پایه و اساسند - را ابن جوزیه (۲) ارائه کرده است. لکن درباره این حدیث می بایست گفت: دانشمندان اهل سنت و از

ص: ۹۲

---

۱- ۱۴۹. سنن ابی داوود، کتاب المهدی.

۲- ۱۵۰. المنار المنیف / ص ۱۴۴، ش ۳۲۹؛ او سپس استدلال کرده که مهدی فرزند امام حسن علیه السلام و از نسل ایشان است، ص ۱۵۱.

جمله، ابن جوزیه که به علم جرح و تعدیل آگاهند، همگی بر ضعف اعتقاد و سست ایمانی اشخاصی که این حدیث را نقل کرده اند، معترف بوده و هم چنین بر مورد اعتماد نبودن و موثق نبودن اسناد آن، اتفاق نظر دارند. حتی می شود با مراجعه به کتاب ابن جوزیه (۱) «المنار المنیف» به ضعف و سستی اساس آن پی برد؛ زیرا خود ابن جوزیه نیز به ضعف بودن این حدیث قائل است.

اما این که ادعا می کند امام حسن علیه السلام از خلافت کناره گرفته و امام حسین علیه السلام شیفته خلافت بود و به خاطر آن جنگید، دروغی آشکار و کذب محض است که در حق فرزندان رسول خدا علیهم السلام و این دو امام بزرگوار روا دانسته است؛ بلکه حتی تحریف واقعیت ها و حوادث و وقایع مشهور تاریخی است.

تاریخ گواهی می دهد که امام حسن علیه السلام نه تنها به اختیار خود از خلافت کناره نگرفت، بلکه از روی اضطرار و ناچاری و اجبار، خلافت را رها کرد؛ به خصوص زمانی که اغلب یارانش، با مکر و دسیسه و حيله معاویه، فریب وعده پول و مقام او را خوردند.

در تاریخ نقل شده معاویه در آن ایامی که با امام حسن علیه السلام پیمان صلح بست، وارد کوفه شد و در حضور امام حسن علیه السلام نسبت به امام علی علیه السلام بدگویی و اسائه ادب کرد. امام حسن علیه السلام از جای خود برخاست و گفت: ای کسی که از علی علیه السلام بدگویی می کنی من حسنم و علی پدر من است. تو معاویه ای و پدرت صخر

ص: ۹۳

---

۱- ۱۵۱. منذری نیز در مختصر سنن ابو داوود / ج ۶، ح ۴۱۲۱ و قنوجی بخاری در الاذاعه، ص ۱۳۷، این حدیث را ضعیف دانسته اند.

است. مادر من فاطمه دختر رسول خداصلی الله علیه وآله است و مادر تو هند جگرخوار است، جدّ من رسول خداصلی الله علیه وآله و جدّ تو عتبه بن ربیعہ است. مادر بزرگ من خدیجه و مادر بزرگ تو قتیلہ است. بنابراین اکنون می گویم خداوند لعنت کند کسی را که گمنام تر، حسب و نسبش پلیدتر و در گذشته و حال شرورتر، کافرتر و ریاکارتر است.

گروهی از اهل مسجد کوفه گفتند: آمین. ما نیز می گوئیم: آمین.

تو را به خداوند قسم، آیا سبط پاک رسول خدا و فرزند خاتم الانبیاءصلی الله علیه وآله به خاطر کسی که این چنین پیشینه کفر و نفاق و خباثت اصل و نسبش را تأیید کرده است و به آن گواهی داده، از خلافت دست می کشد؟

من یقین دارم که جز ناصبی هایی همچون ابن قتیّم جوزیّه که میان برده زادگان و اولاد پیامبران فرقی قائل نشده و قدرت تشخیص میان پلیدی و پاکی را ندارد، کسی چنین نظریه ای را بیان نمی کند.

در تاریخ ثبت شده است که امام حسین علیه السلام با این که می دانست بنی امیه به هر حال؛ حتی با وجود درآویختن به پرده کعبه، بالاخره او را خواهند کشت، از شهر مکه به سوی عراق روانه شد.

ایشان می فرمایند: به خدا قسم اگر در دل زمین هم باشم این قوم مرا بیرون خواهند آورد تا با کشتنم به مراد خویش دست یابند. به خداوند قسم که اینان مانند یهودیان اصحاب سبت (۱) در حقّ من ستم می کنند، و از حدّ خارج می شوند.

ص: ۹۴

با این وصف من راه رسول خداصلی الله علیه وآله را، همان طوری که خودش به من فرمان داد، خواهم رفت، و ما از خداییم و به سوی او باز می گردیم. (۱)

حال چطور می شود که به یک انسان انقلابی، چون امام حسین علیه السلام که قبل از به شهادت رسیدنش در میدان جهاد و شهادت، به استقبال مرگ رفته، تهمت دنیاطلبی زده و او را شیفته خلافت دانست؟! چطور است که به فرزند مصطفی صلی الله علیه وآله اتهام دنیاطلبی زده می شود، حال آن که بیانات و اظهارات وی در بحبوحه انقلاب و قیامش خلاف چنین تهمت هایی را ثابت می کند. مگر همین حسین نیست که در روز عاشورا فرموده است:

«ای مردم! رسول خداصلی الله علیه وآله فرموده است: هر کس حاکم ستمگری را ببیند که حرام خدا را حلال، و ناقض اوامر و دستورات الهی و مخالف سنت رسول خداصلی الله علیه وآله است، و متوجه باشد که وی با ظلم و گناه در میان مردم رفتار می کند، اما با این وصف، با گفتار و کردار خود در صدد واژگونی حکومت و تغییر چنین حاکمی نباشد، شایسته و سزاوار است که پروردگار متعال او را وارد جهنم بنماید؛ زیرا چنین حاکمانی مطیع و فرمان بردار شیطان بوده، از اطاعت خدای رحمان سرپیچی کرده، تباهی و فساد را علناً مرتکب شده و حدود الهی را معطل کنند و مالیات را به خود اختصاص دهند و حرام الهی را حلال و حلالش را حرام می کنند. و من سزاوارترین فرد در مبارزه با چنین حاکمانی هستم.» (۲)

ص: ۹۵

---

۱- ۱۵۳. مقتل الحسین، خوارزمی / ج ۱، ص ۱۵۸.

۲- ۱۵۴. الکامل فی التاریخ / ج ۳، ص ۲۸۰؛ تاریخ طبری / ج ۴، ص ۳۰۴.



این جمله امام حسین علیه السلام که در آن می فرمایند: «من شایسته ترین شخص در تغییر و مبارزه با چنین حاکمانی هستم» مفسّر جمله سابق ایشان است که فرموده بودند: «من پای در همان راهی خواهم نهاد که رسول خداصلی الله علیه وآله فرمان داده است و ما از خداییم و به سوی او باز می گردیم.» در واقع ایشان برای تغییر وضعیت منحرف و فاسد که هم جامعه و هم حاکمان را به تباهی کشانده بود، به قصد اجرای اوامر رسول خداصلی الله علیه وآله راه قیام را برگزید؛ هرچند که در این راه مرگ در کمین ایشان و شهادت سرنوشت حتمی شان بود.

بنابراین صلح امام حسن علیه السلام و کربلای امام حسین علیه السلام هیچ سنخیتی با دلایل ابن جوزیه در اثبات وجود مهدی علیه السلام در بین فرزندان امام حسن علیه السلام ندارد. اما اگر با دقت به دلایل شیعه امامیه در اثبات مهدویت حقّه در میان فرزندان امام حسین علیه السلام توجه کنیم، خواهیم دانست که ابن جوزیه و امثال او فقط خیال ها و اندیشه های بی اساس، باطل و موهومی، چونان تار عنکبوت را درباره امام مهدی منتظرعلیه السلام برای خود بافته اند.

اما علمای شیعه در این مورد، دلایل و مستندات تاریخی ارائه می دهند که بر اساس آن ها مهدی منتظرعلیه السلام فرزند امام حسن عسکری علیه السلام، از نوادگان امام حسین علیه السلام است؛ به طوری که ده ها تن از دانشمندان اهل سنت این مسأله را تأیید می کنند. هر چند که شهادت اهل بیت علیهم السلام در این زمینه ما را از هر گواهی دیگری بی نیاز می کند؛ زیرا ائمه اطهارعلیهم السلام به اصل و نسب و گذشته و آینده فرزندان خود آگاه تر از هر کس دیگری هستند.

بنابر این اگر با وجود چنین اسنادی، روایاتی را نیز از برادران اهل سنت نقل

کنیم که آنان تصریح و تأکید کنند که مهدی منتظر علیه السلام از نسل و فرزند امام حسین علیه السلام باشد، بی شک روایت ابو داوود از اعتبار خواهد افتاد. ما در اینجا به تعدادی از این روایات اشاره می‌کنیم:

اولین روایت از حدیث است که گفته: نبی اکرم صلی الله علیه و آله در میان ما خطبه می‌خواند و درباره مسائلی که در آینده پیش خواهد آمد صحبت کرده، فرمودند: اگر از عمر دنیا فقط یک روز باقی بماند، پروردگار عزیز و جلیل آن یک روز را چنان طولانی می‌نماید تا آن که فردی از نسل مرا برانگیزد که آن شخص هم نام من است. سلمان فارسی گفت: ای رسول خدا! او از نسل کدام یک از فرزندان شماست؟ حضرت محمد صلی الله علیه و آله در حالی که با دستانش به امام حسین علیه السلام می‌زد، فرمود: وی از نسل پسر من حسین است. (۱)

دومین روایت در این مورد از ابی وائل است که گفته: امیرالمؤمنین علی علیه السلام به حسین نگاه انداخت و فرمود: همان طوری که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده، فرزندم حسین سرور کائنات است. خداوند از نسل او فرزندی می‌آفریند که هم نام رسول خداست و در شکل و شمایل نیز به پیامبر صلی الله علیه و آله شباهت دارد. او در حالی که مردم در غفلت به سر می‌برند قیام می‌کند و زمین را بعد از آن که از ظلم و جور پر شده، پر از عدل و داد می‌کند. (۲)

ص: ۹۷

---

۱- ۱۵۵. الذخائر العقبی، ص ۱۳۶؛ فرائد السمطین / ج ۲، ص ۵۷۵؛ المعجم الاوسط، طبرانی، امام طبرانی حدیث مذکور را تا جمله «او همان من است» آورده و از ذکر بقیه جمله صرف نظر کرده است. هم چنین، این حدیث در المنار المنیف {ص ۱۴۸، ح ۳۳۳۹} نقل شده است.

۲- ۱۵۶. اسنی المطالب، جزری / ص ۱۳۰؛ هم چنین، در کتاب ابن حماد، ص ۱۰۳؛ الملاحم و الفتن، ابن طاووس، ص ۱۴۴؛ کتاب الغیبه نعمانی / ج ۲، ص ۲۱۴؛ العمده / ص ۴۳۴، ح ۹۱۲.

سومین حدیث، روایتی است که خبر از قیام و نهضت فردی از فرزندان امام حسن علیه السلام را در مشرق زمین و به فاصله اندکی پیش از قیام امام مهدی علیه السلام می دهد. وی دارای سیره و منشی نیکو است.

خبر از ظهور چنین شخصی را هم شیعه و هم سنی نقل کرده اند. وی در آستانه انقلاب و نهضت خویش است که امام مهدی علیه السلام قیام می کند و به محض شروع قیام و نهضت امام مهدی علیه السلام آن آقای حسنی به حضرت ملحق شده و بر مهدی علیه السلام سلام داده، و به ایشان می گوید: آقا! من در فرماندهی این سپاه شایسته تر از تو بوده و من مهدی هستم. اما حضرت علیه السلام به او می فرماید: من مهدی ام. آن آقای حسنی در جواب می گوید: آیا بر ادعای خویش دلیل و نشانه ای داری که براساس آن با تو بیعت کنم؟ حضرت مهدی علیه السلام به پرنده ای اشاره می کند و آن پرنده بر دستان ایشان می نشیند. سپس چوب خشکی را می کارد که سبز شده و برگ می دهد. در این لحظه سید حسنی می گوید: پسرعمو! فرماندهی و ولایت حق شماست. (۱)

در برخی روایات که به مسأله قیام امام مهدی علیه السلام می پردازد، از «مهدی» به «حسینی» تعبیر شده است.

شریف بزرنجی در مورد حدیث فوق می گوید: این حدیث، هم سودمند است و هم دارای اشکال است. فایده این حدیث آن است که مهدی منتظر علیه السلام از فرزندان

ص: ۹۸

و نسل امام حسین علیه السلام است و پسر عمویش از نوادگان امام حسن علیه السلام است. (۱) خلاصه و نتیجه: اخبار روایت شده از طریق اهل سنت در نام جدّ بزرگوار حضرت مهدی علیه السلام هم متضارب هستند و هم متناقض. برخی از آن ها می گویند وی از نسل امام حسن علیه السلام و برخی دیگر می گویند ایشان فرزند امام حسین علیه السلام است. اما از آنجایی که اسناد تمامی چنین اخبار متناقضی در این موضوع ضعیف است، محکوم به بی پایگی بوده، همه آن ها از درجه اعتبار ساقطند.

واقعیت آن است که در مورد چنین احادیثی تنها علم اصول است که می تواند به بی پایگی آن ها حکم کند، آن هم در صورتی که دلایل محکم و مستنداتی قوی که دیدگاه یکی از دو طرف که با هم در تعارض اند را تأیید نکنند. حال آن که چنین مستنداتی به وفور یافت شده و مورد تأیید شیعه و سنی نیز هست.

احادیثی که تأکید می نماید امام مهدی علیه السلام فرزند امام حسین علیه السلام است بسیار زیاد هستند که به برخی از آنها اشاره می شود:

(۱) حدیثی که ابوداؤد در آن مدّعی است امام مهدی علیه السلام از نسل امام حسن علیه السلام است، نادر و شگفت آور است. از طرفی نیز شواهد و مستندات علمی آن را مورد تأکید و تأیید قرار نداده اند.

در حالی که حدیث نقل شده از حذیفه بن یمان به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله که می فرمایند: مهدی از فرزندان حسین است، مورد قبول و تأیید است.

در روایت دیگری از ابی وائل و به نقل از امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام

ص: ۹۹

متن همین حدیث پی گیری شده، به طوری که می توان گفت، حدیث ابی وائل عین حدیث ابو داوود است. ولکن به جای آن که بگوید: «وی به چهره فرزندش حسین نظر افکند» می گوید: «به چهره پسرش حسن نگاه کرد»؛ مسأله ای که بیانگر تحریف و تصحیف حدیث ابو داوود و به نفع طرفداران حسنی هاست؛ همان هایی که مدعی اند مسأله مهدویت از آن فرزند امام حسن علیه السلام محمد بن عبدالله حسنی ملقب به نفس زکیه است.

۲) از جمله نکاتی که مؤید حدیث حذیفه بن یمان به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله است، روایتی است که خصوصیات «سید و آقای حسنی» را بیان می کند. شریف بزرنجی به آن استناد کرده و گفته: مهدی از نوادگان حسین علیه السلام است و پسر عمویش (سید حسنی) از فرزندان امام حسن علیه السلام است.

۳) اخبار و احادیث متواتر و منقول از رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیتشان علیهم السلام که از طریق عترت پاک نقل گشته، هم چنین احادیث صحیحه و موثق همگی مؤید این نکته هستند که مهدی منتظر علیه السلام از نسل امام حسین علیه السلام است.

۴) در تأیید شهادت رسول خدا و اهل بیت گرامی شان علیهم السلام به این که مهدی فرزند امام حسین است، سخنان تعداد زیادی از دانشمندان و مورخان اهل سنت که سخنان و جملات برخی از آن ها قبلاً آورده شد، وارد شده، سخنانی که تصریح می کنند حضرت مهدی منتظر علیه السلام فرزند امام حسین علیه السلام است؛ به طوری که می توان به آن سخنان، به خصوص سخن شعرانی در «الیواقیت و الجواهر» و سخنان ابن عربی در «فتوحات مکیه» و سخن دیگران رجوع نمود.

## اختلاف مسلمانان درباره عصمت حضرت مهدی علیه السلام

بیشتر علمای اهل سنت معتقدند که عصمت حضرت مهدی علیه السلام نه تنها امری غیرقابل تصور است، بلکه برعکس آنان به عصمت حضرت عقیده ندارند، و ایشان را یک انسان عادی به حساب می آورند که احتمال ارتکاب برخی گناهان و معصیت ها، مثل هر انسان دیگری از او می رود. و آن زمان که پروردگار متعال ایشان را به عنوان خلیفه خویش برگزیند، توبه اش را پذیرفته و در یک شب او را از گمراهی و گناهان برهاند.<sup>(۱)</sup>

اهل سنت در این باور به حدیثی منقول از نبی اکرم صلی الله علیه وآله استناد می کنند که فرموده اند: «مهدی از ما اهل بیت است و خداوند وی را در یک شب اصلاح می کند.»<sup>(۲)</sup> همه علمای شیعه چنین نظریه ای را در مورد ولی خدا مهدی منتظر علیه السلام رد می کنند؛ زیرا پروردگار متعال وی را برای محقق شدن آرزوی پیامبران علیهم السلام و عملی گشتن امید همه فرستادگان خود، مصلحان بشری و ارج نهادن به جهاد آنان و وسیله پیروزی ایمان بر کفر و برپایی حکومت الهی و رهایی بشریت از اختلاف و تفرقه و ستم و جور نگه داشته است.

دانشمندان شیعه در توضیح وجوب عصمت انبیاء علیهم السلام و اوصیای الهی ادله عقلی و شرعی مشهوری ارائه می دهند و به وسیله آن، ایشان را از ارتکاب گناهان کبیره و صغیره مبرا می دانند. بلکه حتی معتقدند انبیا و اوصیا از هر خطا،

ص: ۱۰۱

---

۱- ۱۵۹. این عقیده ابن کثیر است و بسیاری دیگر از علمای اهل سنت بدان استناد کرده اند؛ ر.ک: شارح سنن ابن ماجه / ج ۲، ص ۵۱۹.

۲- ۱۶۰. سنن ابن ماجه / ج ۲، ص ۴۰۸۵؛ الحاوی للفتاوی / ج ۲، ص ۷۸.

فراموشی و هر آنچه که با مرّوت و جوانمردی ناسازگار باشد، مبرّائند. آنان اظهار می کنند اگر پیامبر و خلیفه و جانشین شرعی پروردگار، در انجام معصیت مجاز باشد، یا صدور خطا و فراموشی از وی جایز باشد، در این صورت ما با دو حالت سر و کار خواهیم داشت:

اول آن که پیروی در ارتکاب گناهان از چنین انسانی جایز بلکه ضروری و واجب است، چرا که پروردگار متعال اقتدا کردن و تبعیت از او را بر انسان ها واجب گردانیده است، و با توجه به ادله شرعی و عقلی چنین امری از اساس باطل است.

دوم آن که اگر معتقد به لزوم تبعیت از وی، که برگزیده الهی است نباشیم، در این صورت چنین مسأله ای با مأموریت پیامبران و خلفای او منافات دارد. مأموریتی که بر اساس آن پیامبران واجب الاطاعه هستند تا احکام الهی بر روی زمین تطبیق و اجرا گردد و بدین وسیله راه درست از گمراهی، حقّ از باطل و مؤمن از فاسق تشخیص داده شود.

عیناً همین دلیل در اثبات عصمت دوازده امام علیهم السلام جانشینان خاتم الانبیاء صلی الله علیه وآله کاربرد دارد؛ زیرا پروردگار، آنان را به عنوان خلیفه در روی زمین برگزیده است تا رهبران خلق به سوی راه راست و امینان دین خدا و نگهبانان و مفسران قرآن بعد از رسول خدا صلی الله علیه وآله باشند. «لَيْلًا يَكُونُ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ» (۱).

اهل بیت علیهم السلام حجت های الهی بعد از خاتم المرسلین در بین مردم هستند.

ص: ۱۰۲

---

۱- ۱۶۱. سوره نساء / آیه ۱۶۵؛ تا راه هر گونه بهانه گیری {افراد} بعد از آمدن پیامبران گرفته شود.

چنان که رسول خداصلی الله علیه وآله در وصف آن ها فرموده است: در بین هر نسلی از امت من، فرد عادلی از اهل بیتم وجود دارد که انحراف گمراهان و مسلک باطلان و تفسیر جاهلان را از دین اسلام و قرآن دور می کنند.»(۱)

رسول خداصلی الله علیه وآله در حدیث ثقلین این چنین در کنار سفارش به قرآن کریم به رعایت حق اهل بیت علیهم السلام نیز سفارش می نماید: «هرگز بر قرآن و اهل بیت پیشی نجوید که هلاک می شوید و در حق آن ها کوتاهی نکنید که هلاک می گردید و خود را داناتر از آنان به حساب نیاورید، زیرا که آن دو آگاه تر و داناترند.»(۲)

اهل بیت علیهم السلام جانشینان پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در میان امتش هستند، و اگر انجام گناه برای آنان جایز باشد و دچار خطا و اشتباه و فراموشی شوند، در این صورت چه فرقی میان آنان و دیگران وجود دارد تا بر اساس آن، برتری اهل بیت بر دیگران به اثبات رسد؟ و بدین صورت آنان واجب اطاعه شده و یا فرمان به اقتدا کردن به آنان داده شود. مگر می شود رهبری امت به عصیانگران داده شود؟ آیا گناه کاران ستمگر که در حق خویش نیز ستم روا می دارند، می توانند هدایت و رهبری مسلمانان را عهده دار شوند، و از دین در مقابل تحریف منحرفین و دروغ پردازی مدعیان و تأویل و تفسیر جاهلان حمایت نمایند؟ یا مسلمانان را از شر حاکمان گمراه محفوظ دارند؟!

این جمله که «بر قرآن و اهل بیت سبقت نگیرید؛ زیرا که هلاک می شوید و یا

ص: ۱۰۳

---

۱- ۱۶۲. الصواعق المحرقة، ص ۹؛ ذخائر العقبی، ص ۱۷، به نقل از ابن عمر.

۲- ۱۶۳. مجمع الزوائد / ج ۹، ص ۱۶۳؛ کنز العمال / ج ۱، ص ۴۸.



در حق آن ها کوتاهی نکنید چرا که هلاک می شوید و خود را از آن دو داناتر نشمرید که آنان از شما داناترند» خود دلیلی بر عصمت قرآن از نقص، و عصمت رهبری اهل بیت علیهم السلام از هر خطا و گناهی است. به همین خاطر است که پیش افتادن بر آنان یا کوتاهی کردن در پیروی از راه ایشان، به هلاکت و نابودی و گمراهی منتهی می گردد.

پس کسانی که مدعی مقام مرجعیت علمی و رهبری سیاسی جامعه در مقابل مرجعیت اهل بیت علیهم السلام و امامت آنان شده اند، در زمره سبقت گرفتگان بر آنان هستند که ستمگران در حق منزلت و جایگاه ایشان در بین امت، متجاوزان و نادیده گرفتگان به حقوقشان، و کوتاهی کنندگان در پیوستن به قافله آنان و مخالفان سفارش رسول خداصلی الله علیه و آله درباره اهل بیت علیهم السلام به حساب می آیند.

آنچه در پی می آید نگاهی گذرا به برخی از متون و نصوص قرآنی و نبوی صلی الله علیه و آله است که بیانگر عصمت اهل بیت علیهم السلام می باشد:

پروردگار متعال می فرماید: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً»<sup>(۱)</sup> پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ده ها حدیث، مفهوم این آیه را تفسیر فرموده اند و بیان داشته اند که این آیه بر عصمت اهل بیت علیهم السلام و میرا بودنشان از هر خطا و گناهی دلالت می کند. رسول خداصلی الله علیه و آله فرموده اند: «من و اهل بیتم از گناه پاک گشته ایم»<sup>(۲)</sup> و فرموده اند: «هر کس که دوست دارد مانند من زندگی کند

ص: ۱۰۴

---

۱- ۱۶۴. سوره احزاب / آیه ۳۳؛ خداوند متعال اراده فرموده هر نوع پلیدی را از شما اهل بیت دور کرده و شما را کاملاً تطهیر نماید.

۲- ۱۶۵. الدر المنثور / ج ۶، ص ۶۰۶؛ به نقل از حکیم ترمذی و ابن مردویه، طبرانی، ابن نعیم و بیهقی، هم چنین، فتح القدير / ج ۴، ص ۲۸۰؛ شواهد التنزیل / ج ۲، ص ۳۰؛ الصواعق المحرقة، ص ۱۴۲.

و مثل من بمیرد و در بهشتی که همان بهشت جاودان باشد و خداوند به آن وعده داده است وارد گردد، می بایست بعد از من ولایت علی و سنتش و ذریه اش را بپذیرد؛ زیرا آنان شما را هرگز از راه هدایت به در نکرده و ابداً به گمراهی واردتان نکنند.» (۱) باز هم ایشان صلی الله علیه و آله فرموده اند: «مثل اهل بیتم در میان شما چونان کشتی نوح است، هر کس به آن پیوست نجات یابد و هر کس با آن همراه نگشت، غرق شود.» (۲)

و فرموده اند: «من در میان شما دو چیز گران بها؛ یعنی قرآن و اهل بیتم را به جای خواهم گذاشت. این دو از هم جدا نخواهند گشت تا زمانی که با هم در روز قیامت کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.» (۳)

همچنان که ملاحظه می شود، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گاهی طهارت و عصمت ائمه اطهار علیهم السلام از تمامی گناهان را مورد تأکید قرار داده و گاه از امت می خواهد که به ولایت آنان تمسک جویند و از سیره شان تبعیت کنند. سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله علت چنین درخواستی را این چنین بیان فرموده اند: زیرا که امامان هرگز شما را از راه حق بیرون نبرده و ابداً به سوی گمراهی نخواهند کشانید.

ص: ۱۰۵

- 
- ۱- ۱۶۶. کنز العمال / ج ۶، ص ۲۱۷، ح ۳۸۱۹.
- ۲- ۱۶۷. مستدرک حاکم / ج ۲، ص ۳۴۲؛ ج ۳ ص ۱۵۰؛ مجمع الزوائد / ج ۹، ص ۱۶۷؛ منتخب کنز العمال / ج ۵، ص ۹۴ در پانوشت مسند احمد.
- ۳- ۱۶۸. حدیث ثقلین را ائمه صحاح سته و حفاظ و در پیشاپیش آنان مسلم، ترمذی، احمد بن حنبل و غیره در مسانید و سنن، در بیش از سی منبع آورده اند. حاکم در مستدرک صحیحین / ج ۳، ص ۱۴۸ درباره آن می گوید: این حدیث به شرط نقل شیخین صحیح است.

کلمه «لن» حرف نفی، نصب و استقبال است. زمخشری در این باره می گوید: کلمه «لن» افاده تأیید (ابدیت و جاودانگی) و تأکید می نماید. بنابراین معنای این جمله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چه در حال و چه در آینده، اثبات عصمت اهل بیت علیهم السلام است. به همین خاطر است که رسول خدا صلی الله علیه و آله پایبندی به راه و سیره ائمه اطهار علیه السلام را به کشتی نوح تشبیه کرده اند، به طوری که هر کس با آن کشتی همراه شود نجات یابد و هر که با آن همراه نشود، غرق گردد و در تاریکی گمراهی و تباهی هلاک گردد.

اما پیامبر صلی الله علیه و آله در حدیث ثقلین، اهل بیت علیهم السلام را با قرآن همراه کرده و در هدایت کردن خلق، آن دو را هم سان دانسته، فرموده اند: «مادامی که بعد از من به قرآن و اهل بیت چنگ زنید هرگز گمراه نخواهید شد.»<sup>(۱)</sup> این حدیث نیز حرف «لن» ابدی دارد و تأکیدی است بر جاودانگی و همیشگی پاکی و عصمت اهل بیت علیهم السلام از هر گمراهی و ضلالتی، آنچنان عصمتی که با عصمت قرآن برابری کند؛ زیرا در این حدیث اسم اهل بیت با قرآن همراه شده و آنان در هدایت نمودن امت اسلامی با قرآن برابر و مساوی اند.

بنابراین، این حدیث و ده ها حدیث دیگر که مجال پرداختن به تمامی آن ها نیست، احادیثی هستند که رسول خدا صلی الله علیه و آله آن ها را برای امت اسلامی و اطاعت امر الهی مطرح نموده اند تا آیه تطهیر را تفسیر کنند.

ص: ۱۰۶

---

۱- ۱۶۹. صحیح ترمذی / ج ۲، ص ۳۰۸؛ اسدالغابه / ج ۲، ص ۱۲؛ الدر المنثور سیوطی، این حدیث را در ذیل آیه مؤدّت نقل کرده اند.

پروردگار متعال، خاتم پیامبرانش را با چنین آیاتی مورد خطاب قرار داده است: «و قرآن را بر تو فرستادیم تا آیات نازل شده را برای مردمان بیان کنی، باشد که مردم در آن ها تفکر و تعقل نمایند»<sup>(۱)</sup> و در آیه دیگری می فرماید: «محمد! بگو من بابت رسالتم از شما هیچ اجر و پاداشی جز نیکی و محبت نسبت به نزدیکان نمی خواهم.»<sup>(۲)</sup>

این آیات، دلیلی است بر وجوب محبت نسبت به اهل بیت علیهم السلام که برای اثبات پاکی و عصمت آنان و مبرا بودنشان از گناهان و جرایم و از هر آنچه که به عصمت آنان لطمه وارد سازد، یا از منزلتشان بکاهد، کفایت می کند؛ زیرا پروردگار متعال با هیچ ایل و تباری عهد اخوت و خویشاوندی نبسته است و به همین خاطر دسته ای از مردم را بر گروه دیگر ترجیح نداده است. و این همان مفهوم طبقه بندی مردم در جامعه عدالت جوی توحیدی است، که اگر معیاری مثبت و ارزشی در ذات جماعت و گروه برتری یافته وجود نداشت جانشینی را در میان آنان قرار نمی داد. ارزش هایی مثل انتخاب شدن به عنوان جانشینان رسول خدا صلی الله علیه و آله و به خاطر مزیت های اعتقادی، ایمانی، عملی و رهبری بی نظیر و عالی که به آنان ارزانی داشته است، مزیت هایی که مانند آن ها در وجود هیچ یک از افراد اجتماع وجود ندارد. با توجه به این امتیازات است که امکان تصور نزدیک شدنشان به گناه و خباثت ممکن نشده و در حال نیز احتمال ارتکاب زشتی و گناه ریز و درشت از آنان متصور نیست. زیرا خطاب کردن مردم به

ص: ۱۰۷

---

۱- ۱۷۰. سوره نحل / آیه ۴۴.

۲- ۱۷۱. سوره شوری / آیه ۲۳.

و جوب محبت آنان به صورت عموم و اطلاق ثابت شده و همه دوران ها را فرا می گیرد.

بنابراین دوری آنان از گناهان چه در زندگی فردی و چه در زندگی اجتماعی شان، در حال و آینده پابرجا و پایدار است؛ زیرا خداوند - تبارک و تعالی - ابراز این چنین محبت ارزشمندی را نسبت به انسان های گناهکار و مجرم واجب نمی کند. حتی ابراز چنین محبتی را نسبت به مؤمنانی که غیر معصوم هستند واجب نمی کند؛ زیرا ارتکاب کمترین مخالفتی از طرف هر شخصی با دین خدا، منجر به خروج آنان از جرگه اهل مودت و محبت الهی خواهد شد، مگر آن که با توبه مجدداً به سوی حق بازگردند.

این در حالی است که در قرآن کریم مطلقاً ابراز محبت و مودت نسبت به اهل بیت علیهم السلام امری است واجب، مسأله ای که موجب می شود هرگز در مورد اهل بیت علیهم السلام تصور ارتکاب گناه را نداده و احتمال خروج آنان از حدود رضای پروردگار را حتی به اندازه یک لحظه در طول تمامی زندگی شان ندهیم.

و بدین سان متوجه می شویم آیه مودت مفهوم کلمه «لن» تأبیدی و تأکیدی که مفهوم استمرار و ابدیت عصمت اهل بیت علیهم السلام را افاده می کند، تحکیم می بخشد. آنجا که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده: «اهل بیت، هرگز امت را از راه هدایت بیرون نکرده و ابداً آنان را به سوی گمراهی نمی کشاند.» و سخن دیگر ایشان صلی الله علیه و آله که می فرمایند: «مادامی که بعد از من به این دو - قرآن و عترت - تمسک می جوئید، مطمئناً گمراه نخواهید شد.»

ماورای اثبات عصمت اهل بیت علیهم السلام، حکمتی الهی ای، جز شایستگی و لیاقت آنان در پذیرش و عهده دار شدن بار مسؤلیت جانشینی و خلافت الهی بعد از رسول خداصلی الله علیه وآله وجود ندارد. اگر چنین منزلت و منصب رهبری الهی در مورد آنان ثابت نشده بود، پروردگار متعال در قرآن کریم محبت آنان را بر دیگر مؤمنین و امت اسلامی واجب نمی کرد. هم چنین به وجوب و لزوم صلوات بر آنان توأم با صلوات بر خاتم المرسلین صلی الله علیه وآله دستور نمی داد. درحالی که خداوند بزرگ آن صلوات را از جمله شروط قبولی نماز مسلمانان برشمرده است.

یکی از یاران رسول خداصلی الله علیه وآله از ایشان سؤال کرد: به ما بیاموز که چگونه بر تو درود و صلوات بفرستیم؟ حضرت محمدصلی الله علیه وآله فرمود: در هنگام صلوات بگوئید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ. اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ». (۱)

امام شافعی درباره وجوب محبت الهی مختص به اهل بیت در اشعار معروف خویش که درباره آنان سروده، چنین گفته است:

يا آل بيت رسول الله حُبُّكُمْ

فَرُضٌ مِنَ اللَّهِ فِي الْقُرْآنِ أَنْزَلَهُ

كَفَاكُمْ مِنْ عَظِيمِ الشَّانِ أَنْكُمْ

مَنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْكُمْ لَا صَلَاةَ لَهُ (۲)

ص: ۱۰۹

---

۱- ۱۷۲. صحیح بخاری {کتاب ادعیه و آغاز آفرینش} و تفسیر صحیح مسلم (کتاب صلاه، باب صلوات بر پیامبر خداصلی الله علیه وآله) این حدیث را نقل کرده اند. نسائی، ابن ماجه، ابوداود، حاکم، احمد، دارقطنی و بیهقی نیز آن را نقل کرده اند.

۲- ۱۷۳. نور الابصار، شبلینجی، ص ۱۰۴؛ الصواعق المحرقة، ص ۱۰۴؛ ترجمه ابیات: ای اهل بیت رسول خدا! در قرآنی که پروردگار فرو فرستاد، محبت شما فرض و واجب شده است. چه عظمت مقام و شأنی از این بالاتر که هر کس بر شما صلوات نفرستد، نماز پذیرفته ای ندارد.

در بیت اول این شعر به آیه موَدّت اشاره شده و در دوّمین بیت به واجب بودن صلوات بر آنان همراه و صلوات بر رسول خداصلی الله علیه و آله تأکید شده است.

بنابراین استناد و استدلال نمودن بر حدیث «مهدی از ما اهل بیت است و خداوند او را در یک شب اصلاح کند و سر و سامان دهد» در نفی عصمت اهل بیت علیهم السلام باطل و بی اساس است؛ زیرا عصمت ایشان با دلایل روشن قرآنی و روایات صحیح نبوی به اثبات رسیده است، و مهدی علیه السلام نیز یکی از آنان است. پس بنابه همان دلایل و براهین، عصمت ایشان ثابت می شود.

اما منظور از جمله «خداوند او را در یک شب اصلاح می کند.» این است که ایشان در یک شب امکان سیطره بر حاکمیت و تسلط بر دستگاه های حکومتی حجاز را به دست خواهد آورد، و حدیث موردنظر این چنین روایت شده است: «يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي يُصْلِحُ اللَّهُ أَمْرَهُ فِي لَيْلَةٍ وَاحِدَةٍ» (۱). کلمه یخرج بیش از صد بار در کتاب های اخبار و ملاحم و فتن به مفهوم انقلاب کردن و به سمت میدان جنگ رفتن، به کار رفته است. و کلمه «امر» یا «امر» در همین مراجع بیش از پنجاه بار به معنای سیطره، خلافت، حکمرانی و دولت، به کار رفته است.

بنابراین معنای حدیث موردنظر این چنین است: «مهدی علیه السلام که از نسل من است، قیام می کند و انقلاب و نبردش را علیه دشمنان خدا آشکار و علنی می نماید، خداوند او را نصرت و یاری رسانده و در یک شب مسأله حاکمیت

ص: ۱۱۰

---

۱- ۱۷۴. ر.ک: متن حدیث، که درباره گواهی امام حسین علیه السلام برای ولادت امام زمان علیه السلام است.

و خلافتش را سر و سامان می دهد.» حضرت محمد صلی الله علیه و آله در روایت دیگری فرموده اند: «يُصَلِّحُ اللَّهُ فِي لَيْلِهِ وَاحِدَهُ» ایشان صلی الله علیه و آله در حدیث دیگری در توضیح همین جمله فرموده اند: «شخصی از اهل بیت من قیام می کند و خداوند - تبارک و تعالی - به وسیله او امور مسلمانان را سر و سامان می دهد.» (۱)

شیخ علی بن سلطان حنفی در توضیح مفهوم حدیث «يُصَلِّحُهُ اللَّهُ فِي لَيْلِهِ وَاحِدَهُ» (۲) می گوید: «یعنی مسأله حاکمیت و جایگاه و شأن و منزلتشان را در یک شب سر و سامان می دهد، بلکه حتی در یک ساعت از شب این کار صورت می گیرد، به طوری که اهل حلّ و عقد و مشاوران و معاونان حضرت مهدی علیه السلام بر خلافت ایشان متحد و متفق می شوند.» ایشان مفهوم «إصلاح أمره في ليلة واحدة» را به معنی استقرار خلافت حضرت در طول یک ساعت از شب دانسته، و توافق اهل حلّ و عقد، و مشاوران و معاونان حضرت مهدی علیه السلام را بر مسأله مورد نظر در همان شب می دانند.

اهل حلّ و عقد زمان حضرت مهدی منتظر علیه السلام وزیران و مشاوران آن حضرتند و تعداد آنان ۳۱۳ نفر است. آنان کسانی هستند که پروردگار متعال ایشان را از کشورهای مختلف برای یاری حضرت مهدی علیه السلام دور هم جمع

ص: ۱۱۱

---

۱- ۱۷۵. این حدیث از احادیث صحیح مشروط بر روایت مسلم است. نعیم بن حماد در الفتن، ص ۹ آن را نقل کرده است. جلال الدین سیوطی در جمع الجوامع / ج ۲، ص ۳۰؛ آن را به شرط نقل مسلم، صحیح دانسته است. الاشاعه، ص ۱۱۵؛ همین حدیث به روایت علی بن ابی طالب علیه السلام چنین آمده است. «فتنه ها چهار گونه اند...» و کل حدیث را نقل کرده اند.

۲- ۱۷۶. الاذاعه محمد صدیق القتوجی بخاری، ص ۱۱۷.



می کند. این مردان در همان شب در مکه بین رکن و مقام ابراهیم علیه السلام با حضرت مهدی علیه السلام بیعت می کنند و بعد از آن، حضرت مهدی علیه السلام فرمان سیطره بر تمامی مراکز قدرت و سلاح مملکت حجاز را طی یک ساعت و در همان شب بدون هرگونه جنگ، خونریزی و مقاومت صادر می کند. چنان که در این مورد از ابوهریره چنین روایتی نقل شده است: «مهدی بین رکن و مقام با آن مردان بیعت می نماید، بدون آن که در آن قیام حتی کسی را از خواب بیدار کرده و خونی را بریزد.»<sup>(۱)</sup> این روایت ابوهریره بیعت ایشان را با آن مردان در محدوده زمانی تسلط حضرت مهدی علیه السلام بر کشور حجاز و در طول یک شب توصیف کرده که با معنای حدیث «لَا يُوقِظُ نَائِمًا وَلَا يُهْرِيقُ دَمًا» سازگار است. و این روایت عیناً با سخن رسول خداصلی الله علیه و آله که می فرمایند: «يُصْلِحُ اللَّهُ أُمَّرَهُ فِي لَيْلِهِ وَاحِدَةٍ» مطابقت دارد، به طوری که حضرت مهدی علیه السلام می تواند حکومت و قدرت کشور حجاز (عربستان) را در آن شب در اختیار خود بگیرد.

این حدیث ابوهریره تنها در حدود همان یک شب که ایشان بدون هرگونه خونریزی، جار و جنجال، رنج و زحمت و مقاومت به موفقیت می رسد، منطبق است. اما امام مهدی علیه السلام سلاله و نوه رسول خداصلی الله علیه و آله در روزها و شب های بعد، شدت عمل به خرج می دهد و با سران کفر و مخالفان خود، روش برخورد مسلحانه را در پیش می گیرد. ابتدا آنان را خلع سلاح نموده و بعد سران کفر را نابود کرده، سرکردگانشان را یکی پس از دیگری از سر راه خود برمی دارد. تا

ص: ۱۱۲

---

۱- ۱۷۷. الفتن ابن حماد، ص ۹۴؛ الحاوی للفتاوی/ ج ۲، ص ۷۶ عقد الدرر، ص ۱۶۵؛ البرهان متقی هندی ص ۲۹.

آن که رسانه های گروهی عرب مخالف با مهدی علیه السلام، هیاهو و جار و جنجال راه انداخته و ادعا می کنند: «اگر او فرزند فاطمه است، بی شک با مردم به نرمی و رأفت برخورد و رفتار می کرد.» و همین جمله بیان کننده مفهوم حدیثی است که می گوید: «اگر مردم می دانستند حضرت مهدی علیه السلام، زمانی که قیام می کند چه ها می کند، اغلبشان دوست داشتند به خاطر مردمانی که می کشد، او را نمی دیدند.» حضرت مهدی علیه السلام ابتدا به سراغ قریشیان رفته و همه آنان را به قتل می رساند و به طوری که بسیاری از مردم می گویند: «او از اهل بیت محمد و آل او نیست و اگر از آل محمد می بود بی تردید با رأفت و مهربانی برخورد می کرد.»<sup>(۱)</sup>

## اختلاف امت اسلامی در غیبت امام زمان علیه السلام

### قسمت اول

علمای شیعی اتفاق نظر دارند که سال غیبت مهدی منتظر علیه السلام سال ۲۶۱ ه.ق است. آنان بر این باورند که ایشان همچنان زنده می باشد، تا زمانی که خداوند متعال اجازه ظهور به ایشان دهد.

علمای شیعه چنین باوری را براساس تکیه بر احادیث و روایت های نقل شده از نبی اکرم و اهل بیتش علیهم السلام در باب غیبت حضرت مهدی علیه السلام اظهار داشته اند؛ روایاتی که پیش از رخ دادن غیبت و یا برخی از آن ها صد سال و یا دویست سال قبل از ولادت مهدی علیه السلام صادر شده است. صحبت از قضیه غیبت حضرت مهدی علیه السلام ضمن گفت و گویی که بین رسول خدا صلی الله علیه و آله و ابوعماره یهودی انجام

ص: ۱۱۳

شده، بدین شرح می باشد: پیامبر صلی الله علیه و آله از او پرسید: ای ابو عماره! آیا اسباط را می شناسی؟ گفت: آری، ای رسول خدا! آنان دوازده تن بودند و آخرینشان لاوی بن برخیا است. وی همان کسی بود که مدتی طولانی از میان بنی اسرائیل غایب بود، سپس برگشت و پروردگار به وسیله او آیینش را که کهنه و فرسوده شده بود، از نو احیا کرد. وی با پادشاهی به نام قرشطیا جنگ کرد و او را کشت.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: همانند چنین شخصیتی که در میان بنی اسرائیل بوده، دقیقاً و عیناً در میان امت من وجود دارد. وی دوازدهمین فرزند من است و پنهان می شود و مدت ها میان خلق دیده نمی شود. تا آن گاه که زمانی فرا می رسد که از اسلام جز نامی و از قرآن کریم جز خطوط و کلماتی باقی نمی ماند. در چنین اوضاعی است که خداوند متعال اجازه قیام و انقلاب را به ایشان می دهد. او اسلام را آشکار کرده، دین خدا را از نو زنده می کند. (۱)

از اصبع بن نباته روایت شده که می گوید: من خدمت امام علی امیرالمؤمنین علیه السلام رسیدم، عرض کردم: یا امیرالمؤمنین! چه شده است که می بینم سخت ذهنتان مشغول شده و به زمین خیره شده اید؟ آیا به خاطر میل و رغبت به دنیا است؟

حضرت علی علیه السلام فرمود: «نه به خدا قسم! من هرگز به دنیا میل نداشته ام. اما داشتم درباره مولودی از نسل خویش می اندیشیدم؛ یازدهمین فرزندم، وی همان مهدی است که زمین را بعد از آن که از ظلم و جور پر شده باشد، از عدل و

ص: ۱۱۴

داد پر می کند. وی دارای غیبتی است که در آن، اقوام و گروهی گمراه شوند و گروه دیگری هدایت شوند.»<sup>(۱)</sup>

و در روایت دیگری فرمودند: «خداوندا! حقّ است که زمین از وجود قائمی که برای رضای تو قیام کند خالی نباشد که دارای برهانی آشکار و مشهور، یا حجّتی پنهان و غیبی باشد تا براهین و بینات الهی محو و باطل نگردد.»<sup>(۲)</sup>

ابن ابی الحدید همین سخن را از امام علی علیه السلام ذکر نموده و ضمن شرح و تبیین آن فرموده است: «پروردگارا! حقّ است که از وجود قائمی در زمین که با برهان قاطع الهی است حمایت گردد، و هر عصر و دورانی نیز از وجود کسی که به خاطر تو - ای پروردگار - بر امور مردم سیطره و حاکم است، خالی نباشد.»

ابن ابی الحدید تبیین امام علیه السلام را شرح داده، می گوید: این جمله تا حدّ زیادی بر عقیده و مذهب امامیه تأکید و تأیید می کند. در صورتی که هم کیشان ما (اهل سنّت) از آن - خالی نبودن زمین از حجّت - به نام ابدال (جانشینی) تعبیر کرده و می گویند در روایات نبی اکرم صلی الله علیه و آله از آنان به عنوان کسانی که در روی زمین در گردش هستند نام برده که برخی از ایشان معروف و شناخته شده اند و گروهی نیز ناشناخته اند و این افراد نمی میرند تا آن که معرّفی و شناساندن جانشینان را به انجام برسانند.

ص: ۱۱۵

- 
- ۱- ۱۸۰. الکافی / ج ۱، ص ۳۳۸، ح ۷؛ الاختصاص / ص ۲۰۹؛ اثبات الوصیه، مسعودی، ص ۲۲۵؛ نعمانی، ص ۶۰، ح ۴.
  - ۲- ۱۸۱. الغارات / ج ۱، ص ۱۵۶ - ۱۴۷؛ العقد الفرید / ج ۲، ص ۸۱، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۱۸، ص ۳۵۱ - ۳۴۶؛ استدراک و کافی / ج ۱، ص ۳۳۵؛ نعمانی / ص ۱۳۶، ح ۱؛ این خبر را ابن قتیبّه در تاریخ بغداد / ج ۶، ص ۳۷۹؛ ابونعیم در حلیه الاولیاء ناقص ذکر کرده است. / ج ۱، ص ۱۰۹ - ۱۰۸.

چنین برداشتی که ابن ابی الحدید از سخنان حضرت علی علیه السلام دارد، درست نیست و جمله «لا- تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ قَائِمٍ بِحُجَّةِ اللَّهِ تَعَالَى» به این نکته اشاره می کند که این فرد قائم، با پشت گرمی به براهین الهی و داشتن قدرت تسلط بر حاکمیت مردم است که دارای مسؤولیت و رسالت الهی خواهد شد، و از جانب خدای متعال مجهز به تمامی برهان ها و دلایل قاطع و دانش واضح الهی برای هدایت بندگان و رهانیدن آنان از شرّ گمراهان، کافران، مشرکان و اهل عناد است. پروردگار با دادن چنین امکاناتی به وی او را بر مقدرات و سرنوشت بندگان مسلط ساخته است.

البته این مفهومی که از جمله امام علی علیه السلام فهمیده می شود غیر از آن چیزی است که ابن ابی الحدید گفته است. امام فرموده: «لَكَيْلًا- يَخْلُو الزَّمَانُ مِمَّنْ هُوَ مُهَيَّمٌ لِلَّهِ تَعَالَى عَلَى عِبَادِهِ وَمُسَيِّطِرٌ عَلَيْهِمْ»<sup>(۱)</sup> و این ویژگی هایی که امام علی علیه السلام برای قائم به حجج الهی و رهبری بر بندگان خدا برشمرده، با آن دسته از افرادی که ابن ابی الحدید از آنان به نام ابدال (جانشینان) نام برده، منطبق نمی شود؛ زیرا ابدال، مردان عبادت و عرفانند، و هیچ رابطه ای با مردم نداشته و هیچ گونه خصومت و دشمنی نیز با حاکمان ستمگر زمانشان ندارند. بنابراین معنی ندارد که امام علی علیه السلام آنان را با چنین خصوصیات و تعابیری وصف کند: «قیام کننده ای که انقلابش را آشکار نماید، یا مشهور است و یا خائف و پنهان؛ زیرا

ص: ۱۱۶

---

۱- ۱۸۲. برای آن که هر دوره و عصر و زمانی از وجود قائمی که از جانب خداوند متعالی بر بندگان حاکم و چیره شده، خالی نباشد.

می خواهد بینات الهی و براهین خدایی باطل نگردد.» چرا که اوصافی چون، از او هراس، خوف و ترس داشتن، از ویژگی های مردان صاحب شریعت و جهادگر است که کیان و ارکان حاکمان جور، و حکومت های ستمگر را تهدید می نمایند. آنان بر جان خویش از جانب سلطان ظالم و حاکم ستمگر بیمناکند و از طرفی نیز حاکمان جور بر حکومت و قدرت و جان خویش از آنان می ترسند. و همین ها از ویژگی های مهدی منتظر علیه السلام است که بر اساس روایاتی که از اجدادش نقل شده است، مهدی از بیم جان خویش و کشته شدن است که غیبت کرده است.

اما بیشتر دانشمندان اهل سنت اعتقاد به غایب بودن مهدی منتظر علیه السلام را به ریشخند گرفته، آن را نوعی خیال و وهم و جنون می دانند. دسته ای از آنان در این باره سخنان دور از تصویری دارند که در آن ها پیروان اهل بیت علیهم السلام را به تمسخر و استهزا می گیرند. آنان در ردّ غیبت مهدی علیه السلام دو دلیل می آورند:

در دلیل اول خود می گویند: مهدی، فرزند حسن عسکری، فوت کرده است.

در دومین دلیل اظهار می کنند: امکان زنده ماندن مهدی علیه السلام طی قرن های متمادی؛ یعنی از قرن سوم (۲۵۵ ه.ق) تا عصر حاضر بعید می باشد.

اما در پاسخ به دلایل آن ها باید گفت: این که می گویند حضرت مهدی منتظر علیه السلام وفات یافته، تنها ادعایی بی اساس است، چرا که متکی بر هیچ سند و برهانی نیست. و بنا به ادله تاریخی، به دنیا آمدن ایشان به اثبات رسیده است و تعدادی از مورخان و علمای اهل سنت بر آن صحه گذاشته و به آن گواهی

داده اند. و بیشتر آنان شرح حال او را در آثار خویش ذکر کرده اند و گفته اند: وی تنها فرزند امام حسن عسکری علیه السلام بوده است - که در صفحات پیشین همین کتاب به گفتار آنان اشاره شد - حتی یک نفر هم سراغ نداریم که بر فوت آن حضرت تصریح کرده، یا تاریخی را معین کرده باشد. به طوری که در شرح حال نویسی افراد و مشاهیر، اختلاف در زمان و مکان ولادت اشخاص و افراد، امری رایج و مرسوم است. و به محض این که ستاره تولد فرد مشهوری بدرخشد و نام و آوازه اش بلند گردد، مورخان و شرح حال نویسان، آفاق را خیلی زود در می نوردند و شخصیت او را به دقت مورد بررسی قرار داده و ریزترین مسائل زندگی شان را نوشته و تاریخ وفاتش را ذکر می کنند.

اما در ارتباط با حضرت مهدی علیه السلام چنین موضوعی کاملاً برعکس است، چرا که مورخان تاریخ ولادتشان را می دانند اما راجع به زندگی بعد از تولد ایشان چیزی نمی دانند.

با وجودی که تاریخ نویسان در شرح حال و بیان زندگی اش اظهار می کنند: زمانی که پدر بزرگوارش فوت نمود، مهدی پنج ساله بود و پروردگار متعال در همان سنین خردسالی، بردباری، حکمت و قدرت تشخیص حق از باطل را به وی عطا فرمود، همان طوری که قبلاً دانش و حکمت را به یحیی، فرزند زکریای نبی علیه السلام ارزانی داشته بود.<sup>(۱)</sup>

ص: ۱۱۸

---

۱- ۱۸۳. از جمله کسانی که به این مسأله اقرار دارند، می توان ابن حجر در الصواعق المحرقة، ص ۱۲۴ و ابوالفلاح عبدالحی حنبلی در شذرات الذهب، ص ۱۵۰ - ۱۴۱، علامه ایباری در الجالیة الکدر، در شرح منظومه برزنجی، ص ۲۰۷ و شیخ بدخشی در مفتاح النجاه، ص ۱۸۹ و علامه قندوزی در ینابیع الموده / ج ۳ ص ۱۱۳ و شیخ محمود خواجه پارسا بخاری در فصل الخطاب، به نقل از ینابیع الموده ص ۳۸۷ و دیگران را نام برد.

معنی سخنان آنان این است که، محمد بن حسن عسکری در اوان کودکی اش در زمره مشاهیر و اعلام، بلکه شخصیتی استثنایی و بی نظیر بوده که تاریخ اسلامی مانند او را به خود ندیده است.

در اینجا سؤالی که هر انسان عاقل می بایست از خود پرسد این است که: چطور است مورخان، تاریخ فوت این شخصیت استثنایی اسلامی را از یاد برده اند؟ و درباره فعالیت های علمی و نقش اجتماعی و سیاسی او در بین جامعه و امت اسلامی سخنی به میان نیاورده و در مورد زمان رحلت او چیزی نمی دانند؟

بنابراین به عقیده شیعه، ادعای وفات محمد بن حسن عسکری یعنی مهدی منتظر علیه السلام دارای هیچ پشتوانه و سند معتبر تاریخی نیست؛ نکته ای که بر درستی باور شیعه در مورد غیبت وی از انظار عمومی و زنده بودنشان تا عصر حاضر، صحه می گذارد.

اما این که برخی زنده بودن انسانی را طی قرون متمادی ناممکن می دانند و اظهار می کنند که چنین امری با طبیعت و سرشت اشیا و سنت های جاری عمر بشر در تضاد است، کاملاً مردود می باشد؛ زیرا تعدادی از پیامبران و اولیای الهی وجود دارند که ده ها قرن می زیسته و بعد فوت نموده اند؛ مثلاً حضرت نوح علیه السلام قبل از آمدن طوفان، ۹۵۰ سال در بین قومش تبلیغ کرد. و آیه ذیل در قرآن کریم



بر این موضوع شهادت می دهد. «نوح در میان قومش ۹۵۰ سال باقی مانده و بعد طوفان آنان را فراگرفت.» (۱) اما قرآن کریم نفرموده که نوح علیه السلام بعد از طوفان چند سال به زندگی ادامه داد، ولی از برخی منابع عهد عتیق (تورات) و عهد جدید (انجیل) چنین برمی آید که حضرت نوح علیه السلام مجموعاً ۲۵۰۰ سال زندگی کرده است. منابع قابل اعتماد اسلامی نیز می گویند، برخی از پیامبران و اولیای الهی با وجودی که قرن ها قبل از محمدین حسن عسکری علیه السلام، از دیده ها و انظار پنهان شده اند، اما آنان تاکنون نیز زنده هستند؛ افرادی چون خضر و الیاس علیهما السلام از جمله اولیا و پیامبرانی هستند که قبل از موسی علیه السلام پیامبر خدا بوده اند اما تا الآن زنده اند. هم چنین عیسی فرزند مریم «روح الله» از جمله پیامبرانی است که براساس روایات اسلامی هنوز هم زنده است، عیسایی که قرآن کریم درباره او فرموده: وی هرگز نمرده است و تا زمانی که از آسمان فرود آید و مسیحیان را به اسلام هدایت و راهنمایی کند، نخواهد مرد.

## قسمت دوم

قرآن کریم فرموده است: «بی تردید همه اهل کتاب «مسیحیان و یهودیان» قبل از مرگ مسیح به او ایمان خواهند آورد و روز قیامت، عیسی مسیح است که بر ایشان گواه خواهد بود.» (۲)

پس اگر قرار است تمامی این افراد عمری طولانی داشته باشند و تا الآن هم تعدادی از آنان در قید حیات باشند، چه مانعی دارد منجی عالم بشریت قرن های متمادی به خاطر همان اهداف و اغراض الهی زنده باشد؟ آن هم اهدافی که

ص: ۱۲۰

---

۱- ۱۸۴. سوره عنکبوت / آیه ۱۴

۲- ۱۸۵. سوره نساء / آیه ۱۵۹.

موجب شده انبیای گذشته و پیامبران قبلی، دارای عمری طولانی باشند، با وجودی که عمر و غیبت امام زمان علیه السلام تاکنون به مقدار نیمی از عمر آنان نیست.

از طرفی، عقیده و باور برادران اهل سنت در مورد عمر طولانی دجال یک چشم؛ همان شخصیت گمراه کننده و به تباهی کشاننده بشریت در آخرالزمان، بسیار عجیب و غریب است.

آنان معتقدند دجال در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله به دنیا آمده و تاکنون زنده و از دیده ها پنهان است و در دورانی که فقط خداوند - تبارک و تعالی - از آن زمان آگاه است خروج خواهد کرد، تا مردم را گمراه نموده و همگان را به شرک و کفر دعوت کند. با این وصف، اهل سنت، غیبت نجات دهنده بشریت از ظلم و ستم و برآورنده آرزوی همه انبیای الهی در آخرالزمان را به استهزا و ریشخند می گیرند! ما نمی دانیم چگونه است که اعتقاد به غیبت مفسدی چون دجال موجب تمسخر و استهزا واقع نمی شود، اما اعتقاد داشتن به غیبت مهدی منتظر علیه السلام پسر خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله باعث ریشخند و تمسخر می گردد؟! آن هم با وجودی که ادله قرآنی و تاریخی بر به وقوع پیوستن و محقق شدن این واقعه تاریخی گواهند و پیامبر و اهل بیتش علیهم السلام خبر از غیبت ایشان داده اند. اما نه تاریخ امت های گذشته و نه قرآن کریم، هیچ کدام خبر غایب شدن افراد تبهکار و مفسدی که قرن ها بعد، ظهور خواهند نمود تا با ظهور خود فساد و تباهی را در روی زمین رواج دهند را نداده اند.

از جمله دلایلی که مکتب اهل بیت علیهم السلام بر وجود و حضور مهدی علیه السلام در بین

امت اسلامی تأکید می کنند، حدیث و جمله مشهور رسول خدا صلی الله علیه و آله است که فرموده اند: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ، كِتَابَ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَعِثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي وَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ.» (۱)

هم چنین فرموده اند: پیوسته آیین اسلام، با وجود دوازده امام و جانشین که همگی از قریشند، سربلند و عزیز خواهد بود. سؤال شد بعد از آنان چه خواهد شد؟ فرمود: آن وقت، قتل و فتنه، و هرج و مرج مردمان را فرا خواهد گرفت. (۲)

هم چنین ایشان فرموده اند: ستارگان، امان اهل آسمانند و چون ستارگان از بین بروند وعده الهی نسبت به اهل آسمان حتمی شود. و من مادامی که زنده هستم، امان مؤمنان می باشم و زمانی که فوت کنم، آنچه وعده داده شده اند به سراغشان آید. و اهل بیت امان اتمم هستند و آن وقت که اهل بیت از بین بروند، آنچه امت به آن وعده داده شده اند، خواهد شد. (۳)

حدیث نخست - در میان سه حدیث ذکر شده - بر ملازمت و همراهی اهل بیت علیهم السلام با قرآن کریم دلالت می کند. اهل بیت هرگز از قرآن جدا نشده تا آن که در روز قیامت با هم بر حوض کوثر وارد شوند. هر یک از امامان علیهم السلام چنین

ص: ۱۲۲

---

۱- ۱۸۶. مسند امام حنبل / ج ۵، ص ۱۸۱؛ کنز العمال / ج ۱، ص ۴۴، ۴۷، ۹۸؛ مناوی این حدیث را در فیض القدير در متن / ج ۳، ص ۱۴ آورده و در شرح حدیث به محل اعتماد بودن رجال حدیث تصریح کرده است. معنای حدیث: من در میان شما دو چیز گران بها برجای خواهم گذاشت: قرآن، ریسمان متصل بین آسمان و زمین و عترتم؛ اهل بیت را. این دو از هم جدا نخواهند گشت، تا آن هنگام که با هم در روز قیامت کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.

۲- ۱۸۷. بخاری در احکام، و مسلم در امارت، و ترمذی و ابو داوود این روایت را نقل کرده اند.

۳- ۱۸۸. مستدرک حاکم / ج ۲ ص ۴۴۸؛ المرقات / ج ۵، ص ۶۱۰؛ الذخائر العقبی، ص ۱۷؛ الصواعق المحرقة، ص ۱۴، که این حدیث را صحیح می داند.

همراهانی را بنا به مقتضیات دوران امامت خویش مورد ملاحظه و توجه قرار می دهند و براساس آن به هدایت مردم و حمایت و دفاع از دین خدا برمی خیزند. آنان در دوران امامت خود، مانع تحریف دین به وسیله ظالمان و کژاندیشان می شوند. امامان همان گونه که رسول خداصلی الله علیه وآله در وصفشان فرموده است، این چنین اند: جانشینان من در میان امتم و در هر عصر و زمانی، افرادی عادل از اهل بیت من هستند، آنان دین خدا را از انحراف، و تحریف غلوکنندگان، و تندروی تندروها، و زشت اندیشی کژاندیشان، و تأویل جاهلان و نادانان دور نگه می دارند.<sup>(۱)</sup>

اما دومین حدیث که در آن رسول خداصلی الله علیه وآله فرمودند: «دین اسلام با وجود دوازده امام که همه از قریش هستند، همیشه ارجمند و عزیز باقی خواهد ماند.» پیامبرصلی الله علیه وآله در این حدیث تعداد جانشینان و شماره امامان را که حاملان قرآن، حافظان اصول و ارزش های دینی و شارحان وحی الهی در هر دورانی هستند را نام برده، به طوری که با محافظت و نگهداری آنان از آیین اسلام، دین، عزیز و ارجمند و محفوظ می ماند. و آن وقت که دوران حکومت آخرین امام علیه السلام به سر برسد، فتنه و هرج و مرج همه جا را فرا گیرد و آنچه پروردگار به اهل زمین وعده فرموده بیاید و نشانه های قیامت فرا رسد و عمر دنیا به پایان می رسد. رسول خداصلی الله علیه وآله در حدیث سوم می فرمایند: اهل بیت من امان امتم هستند و زمانی که اهل بیت شهید شوند، آنچه وعده داده شده، زمانش فرا می رسد.

ص: ۱۲۳

این حدیث به علائم و نشانه های وقوع روز قیامت و هرج و مرج دنیا اشاره می کند که تمامی این مسائل بعد از حکومت مهدی منتظر علیه السلام به وقوع می پیوندد.

جمع میان مفهوم این سه حدیث اقتضا می کند که ما به وجود شخصی از اهل بیت علیهم السلام که زنده است و در میان امت، حضوری آشکار و معلوم یا خائف و پنهانی دارد، حکم قطعی دهیم. این شخص پیوسته با قرآن است و قرآن نیز با اوست تا زمین از وجود قائمی که احکام الهی را اجرا نماید، خالی نباشد. و از آنجا که فردی از اهل بیت علیهم السلام جز مهدی منتظر علیه السلام باقی نمانده است به طور قطع می بایست حکم نمود که وی زنده است و در میان امت حضور دارد؛ هر چند که ما او را نمی بینیم و با وی ارتباط نداریم. (او حاضراست ولی ظاهر نیست...).

و حدیثی که از نبی اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که فرموده اند: «هر کس بمیرد و امام عصر و زمان خود را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است.»<sup>(۱)</sup> مؤید دلایلی است که ذکر شد. این روایت گواه بر آن است که در هر عصر و زمانی می بایست امام هدایتگری که امت، او را می شناسند و به امامتش ایمان دارند و به هدایت و راهنمایی های او اقتدا می کنند، وجود داشته باشد. حال آن که مضمون این حدیث بر امامان جور و حاکمان ستمگر منطبق نمی شود؛ زیرا رهبری و امامت

ص: ۱۲۴

---

۱- ۱۹۰. این روایت با تعابیر مختلف اما مضمون واحد در بیش از پنجاه منبع و مصدر از مصادر علم حدیث، از طریق اهل سنت، روایت شده است؛ از جمله: سنن بیهقی ج ۸، ص ۱۵۶ - ۱۵۷ مجمع الزوائد، ج ۵، ص ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۳، ۳۱۳. ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه، ج ۹، ص ۱۵۵، مستدرک بر صحیحین حاکم / ج ۱، ص ۷۷؛ هم چنین این در تخلص ذهبی بر مستدرک و ابن اثیر جزری در جامع الاصول / ج ۴، ص ۷۰ و طبرانی در مجمع کبیر / ج ۱۰، ص ۳۵۰، ح ۱۰۶۷۸ وجود دارد.

آنان از مصادیق جاهلیت است که مردم را به سوی جهنم فرا می خوانند و موجب رهایی مسلمانان از مرگ جاهلیت نمی شوند.

پس اگر امامی که رسول خداصلی الله علیه وآله شناخت او را بر هر مسلمانی در هر دوره از زمانی الزامی فرموده، وجود نداشت، بی تردید شناختن وی در چنین حالتی به مرگ جاهلیت شباهت پیدا نمی کرد. این حدیث در عصر ما و دوران ما مصداقی جز اعتقاد به وجود حضرت مهدی علیه السلام که زنده است و خداوند روزی اش را می رساند، ندارد. مهدی ای که رهبر و امام است، بشریت در انتظار روز موعود او می باشد تا زمین را از قسط و داد پر کند بعد از آن که از جور و ستم پر شده باشد.

مگر می شود چنین حدیثی را بر مهدی منتظرعلیه السلام انطباق دهیم و با وجود این ادعا کنیم وی هنوز متولد نشده است؛ زیرا مکلف کردن امت به ضروری بودن شناخت امامی که هنوز متولد نشده، با عدالت الهی در تضاد و مخالفت است. و از طرفی چنین تکلیفی، تکلیف بما لا یطاق (غیر قابل تحمل) است و ما خداوند - تبارک و تعالی - را از چنین تکلیفی (بما لا یطاق) منزّه و پیراسته می دانیم.

در اعتقاد به غیبت امام مهدی منتظرعلیه السلام برخی از دانشمندان و علمای بزرگ اهل تسنن با شیعه امامیه هم عقیده اند؛ از جمله آنان شیخ و عارف بزرگ عبدالوهاب شعرانی است. متن سخنان این دانشمند در این باره در سطور زیر نقل می شود:

مهدی زنده است، اشخاص زیادی از بزرگان دین و حافظان حدیث و بزرگان اسلام، با او دیدار و ملاقات داشته اند...مسلمانان در انتظار قیام مهدی هستند. او

فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ ه.ق به دنیا آمد. و از آن زمان تاکنون زنده است تا با عیسی بن مریم علیهما السلام همراه شود. بنابراین عمر او تا دوران ما که سال ۹۵۸ ه.ق است، ۷۰۶ سال می باشد و هم چنین شیخ حسن عراقی رحمه الله که بر روی تپه ریش مشرف بر، برکه رطلی در مصر مدفون است در ملاقاتی که با حضرت مهدی علیه السلام داشته، موضوع فوق را تأیید کرده است. هم چنین شیخ و سرورم علی خواص رحمه الله نظر ایشان را تأیید نموده است. (۱)

ص: ۱۲۶

---

۱- ۱۹۱. الیواقیت و الجواهر، شعرانی / ج ۲، ص ۱۶۰، مبحث ۶۵.

چند نکته علمی که نظر خوانندگان را به خود جلب کرده و همانا نقطه قوت دیدگاه شیعه در قبال نظریه اهل سنت است در مسائل مورد اختلاف آنان در قضیه مهدویت به حساب می آید و این ها از جمله نکاتی هستند که در این تحقیق و بررسی مقایسه ای مورد ملاحظه قرار گرفته اند؛ زیرا نظریه شیعه در باب مهدی و در تمامی اظهار نظرها و درگیری های مختلف فکری، متکی بر منطق قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله و عقل و تاریخ است.

در چارچوب منطق قرآنی، نظریه شیعی بر اصالت دینی و در پرتو ارتباط مستحکم و صمیمی که با قرآن و سنت دارد سخت پای می فشارد. در نتیجه علمای شیعه از هر گونه اظهار نظر اجمالی درباره مهدویت که ریشه در قرآن و یا سنت نبوی صلی الله علیه و آله نداشته باشد صرف نظر کرده اند، و از هر دیدگاهی که مورد تأیید این دو محور نباشد، امتناع ورزیده اند.

در چارچوب منطق تاریخی، دیدگاه شیعه مجموعه ای از اسناد و ادله تاریخی را از منابع فکر و اندیشه دیدگاه سنی در منظر دید خوانندگان قرار داده اند که بیانگر تنفر و گریز ایده شیعه از پی گیری و دنباله روی یک اندیشه مذهبی خاص و متعصب است، به خلاف دیدگاه اهل سنت و از طرفی نیز بیانگر این مطلب



است که مذهب اهل سنت پایبند به عقاید و باورهایشان در ارتباط با قضیه مهدویت نمی باشند.

هم چنین استفاده از نصّ قرآنی و نبوی در مسأله غیبت به عنوان یکی از اسناد و منابع مورد اعتماد در این تحقیق و در مباحث تاریخی درخور توجه است. نصّی که مکتب اهل بیت علیهم السلام در اصالت اندیشه غیبت و در پرتو به وقوع پیوستن آن در ارتباط با برخی از پیامبران و امکان تکرار آن در تاریخ امت اسلامی، مورد استفاده اندیشه دینی قرار گرفته، و به آن استدلال می کنند. البته در متون صحیح نقل شده از پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد غیبت و تکرار آن نیز سخن به میان آمده است. در حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرموده اند: «البته که سنن و قوانین امت های پیشین، شما مسلمانان را نیز به طور دقیق در بر خواهد گرفت.»

امّا در چارچوب منطق عقلی، عقلانیت و خردورزی دیدگاه شیعی در تبادل نظر موارد اختلاف با ایده سنّی، در بیان دلایل عصمت، امکان پذیر بودن غیبت حضرت مهدی علیه السلام ذکر ادله به دنیا آمدن ایشان، اثبات انتساب به پدر گرامی اش امام حسن عسکری علیه السلام اتصال او به جدّ بزرر گوارشان امام حسین علیه السلام - این عقلانیت و خردورزی - به وضوح دیده می شود.

به عنوان مثال در مسأله غیبت امام علیه السلام می بینیم که اهل سنت عقیده شیعی را به تمسخر گرفته، امّا با وجود این خود در گرداب عقیده به غیبت دجال؛ همان که تباه کننده و گمراه کننده انسانیت در آخرالزمان است، افتاده اند. و در چارچوب این اختلاط فکری است که اصیل بودن اندیشه اسلامی شیعه، با آوردن دلایل

شرعی، عقلی، علمی و تاریخی، روشن می گردد. ادله ای که با استناد به آن ها، ایده غیبت مطرح شده و به اثبات می رسد. در حالی که اندیشه سنی هیچ دلیل شرعی یا عقلی و یا تاریخی معتبر و قابل قبولی در توجیه خود در ارتباط با ایمان به غیبت دجال، پیشوای مشرکان و گمراهان در آخرالزمان ارائه نمی کند.

بنابراین حکایت ریشخند به مسأله غیبت در این دیدگاه شگفت انگیز و عجیب، به خود ریشخندکنندگان برمی گردد. دیدگاهی که در آن لطف و عنایت الهی آن هم در طی قرون متوالی، شامل حال دجال می شود تا حفاظت از جان او و طولانی شدن عمرش شده، برای آن که بالاخره در آخرالزمان ظهور کرده، تباهی و کفر و گمراهی را در جوامع بشری رواج دهد، در حالی که خداوند متعال حفاظت از جان فرزند خاتم الانبیاء و فرزند سرور زنان جهان، مهدی منتظر علیه السلام، منجی بشریت از گمراهی، همان که زمین را که از ظلم و جور پر شده، از عدل و داد پر خواهد کرد، رها می کند؟!!

اندیشه غیبت براساس اعتقاد مسلمانان به معجزه، بنیان گذاری شده است و بدون دخالت معجزه الهی محقق شدن مسأله غیبت امام و داشتن عمری طولانی، ممکن نخواهد بود. بنابراین و مطابق با حکمت ربّانی و الهی، مخالفت با مسأله غیبت امام زمان علیه السلام مساوی با ردّ عقیده مسلمانان در لزوم محقق شدن معجزه الهی است.

پس اگر حکمت الهی اقتضا کند که معجزه پروردگار در شکافتن دریا برای نجات موسی علیه السلام و قومش، آن هم به خاطر نجات جماعتی اندک از بنی اسرائیل

از شرّ سیطره طاغوت فرعونى محقق و ممکن گردد، چه مانعى دارد چنین معجزه اى با حکمت الهى بار دیگر در تاریخ و به صورت دیگرى آن هم برای حفظ جان قائم منتظر علیه السلام که حفظ جانش و طولانى شدن عمرش مساوى با نجات همه بشریت از ستم صدها طاغوت است، تکرار شود.

و بدین صورت عمق و ژرفایى اندیشه تشیع در همه مباحث فکرى آشکار مى گردد؛ زیرا که از اساس متكى است بر اندیشه و فکر سنى و متون آن، و دیدگاه دانشمندان اهل سنت در مسائل مورد اختلاف و مرتبط با مهدى علیه السلام همگى این دیدگاه شیعى را بیشتر تقویت مى کنند. حال آن که به صورت مطلق و برخلاف دیدگاه شیعى، این ایده سنى است که در منابع و متون شیعى از هیچ گونه تأیید، پشتیبانى و حمایتى برخوردار نیست.

بنده در چارچوب و محدوده چنین مقایسه علمى و خلاصه وارى در این تحقیق و بحث مقایسه اى، سخن اخیر خود را متوجه تمامی برادران مسلمان، دانشمندان، استادان و انقلابیون، جنبش های اسلامى و مخصوصاً عموم آگاهان مذاهب چهار گانه اسلامى ساخته واز آنان درخواست مى کنم که در دیدگاه ها و نظریه های مورد اختلاف که آن ها را در مسأله مهدى منتظر علیه السلام اساس قرار داده و در تمامی موضوعات مورد اختلاف بین خودشان و میان دیدگاه شیعى، تجدید نظر فرمایند.

همان طوری که امیدوارم چنین مسائل و قضایایى را بار دیگر با وسایل علمى و ابزار قانونى جدید که درستی آن ها مورد اتفاق همه مسلمانان است، مورد

دقت قرار داده و نصّ قرآنی و نبوی صلی الله علیه و آله را در پیشاپیش توجّهات و تلاش های خود در این زمینه قرار دهند و به دنبال حقّ و حقیقت باشند و تقلید دیدگاه و نظریه آبا و اجدادی و دانشمندان و هر دیدگاهی که در قرآن و سنت نبوی ریشه ندارد را رها کنند.

این فراخوان همچنان تمامی فرزندان هشیار و بیدار امت اسلامی را به خیر و نیکی دعوت می کند و تردیدی نیست که این دعوت، از جمله اختراعات و نوآوری مؤلف نبوده، بلکه دعوتی قرآنی و اصیل است که پروردگار متعال آن را در وحی منزل خویش بیان فرموده است: «قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ قُلِ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ \* وَمَا يَتَّبِعْ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ» (۱).

هم چنین فرموده است: «وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فَبَشِّرْ عِبَادِ \* الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ» (۲).

و این آخرین جملاتی است که به قلم کمترین طالب علم، مهدی، مشهور به فتلاوی متولّد عراق و با اصل و نسب یمنی و طایبی، نگاشته شده است.

والحمد لله رب العالمین وهو ولیّ التوفیق، علیه توکلت و اّله اّنیب.

ص: ۱۳۱

---

۱- ۱۹۲. سوره یونس / آیه ۳۶ - ۳۵.

۲- ۱۹۳. سوره زمر / آیه ۱۷ و ۱۸.

## منابع و مصادر

قرآن كريم

الف

ابراز الوهم المكنون من كلام ابن خلدون، ابن صديق مغربى

اثبات الوصيه، مسعودى

اثبات الهداه

اخبار الدول، قرمانى (كرمانى)

ارشاد، شيخ مفيد

اسدالغابه

اسعاف الراغبين، ابن صباغ مالكى

اسنى المطالب، جزرى

الائمہ الاثنا عشر، تحقيق دكتور صلاح الدين المنجد

الاختصاص

الاذاعه، محمد صديق القتوجى بخارى

الاشاعه، برزنگى

الانوار البهيه فى تواريخ الحجج الالهيه

البدايه النهايه

البرهان، متقى هندى

البيان فى اخبار صاحب الزمان، حافظ گنجى شافعى

التاج الجامع للاصول

الحاوى للفتاوى

الخرايج

الدّر المشور، سيوطى

الشذرات الذهبية،

الصراط المستقيم

الصواعق المحرقة، ابن حجر

العبر، الذهبى

العمده

الغارات، تقفى كوفى

الغيبه، شيخ طوسى

الغيبه، نعمانى

الفتاوى الحديثه

الفتن، ابن حماد

الفرائد المسطين، حموينى شافعى

الفصول المهمه

الكافى، كلينى

الكامل، ابن عدى

الكامل فى التاريخ الابن الاثير

المحجه فيما نزل فى القائم الحجه

المستدرک على الصحيحين

المعجم الاوسط، طبرانى

الملاحم كنزل العمال

الملاحم والفتن، ابن طاووس

المنار المنيف

الهداياه الكبرى

اليواقيت والجواهر، عبدالحميد احمد حنفى

اليواقيت والجواهر، شعرانى

ب

بحار الانوار، علامه مجلسى

بحث حول المهدى

بغيه المسترشدين

ت

تاريخ ابن ازرق

تاريخ ابن جوزى

تاريخ ابن خلدون، ابن خلدون

تاريخ ابن وردى

تاريخ ابى الفداء

تاريخ بخارى

تاريخ بغداد، الخطيب البغدادى

تذكرة الحفاظ، ذهبى

تذکره الخواص

تفسیر ابوالفتوح

تفسیر البرهان، بحرانی

تفسیر عیاشی

تفسیر کبیر، فخر رازی

تهذیب التهذیب، ابن حجر عسقلانی

ص: ۱۳۲



ج

جاليه الكدر

جامع الاصول، ابن اثير جزرى

ح

حليه الابرار

حليه الاوليا، ابن نعيم

د

دلایل الامامه

ذ

ذخائر العقبي، طبرانى

س

سبائك الذهب، سويدى

سنن ابن داوود

سنن ابن ماجه

سنن الدانى

سنن بيهقى

ش

شذرات الذهب

شرح نهج البلاغه، ابن ابى الحديد

شواهد التنزيل

شواهد النبوه

ص

صحاح الاخبار

صحيح بخارى

صحيح ترمذى

صحيح مسلم

ع

عقد الدرر

عقيدته اهل السنه الاثر فى المهدي المنتظر، شيخ عبدالمحسن عباد

ف

فتح البارى

فتح القدير

فرائد السبطين

فيض القدير، مناوى

ك

كشف الاستار، ميلانى

كفايه الاثر

كفايه الطالب

كمال الدين، شيخ صدوق

م

مجله تمدن اسلامى

مجله جامع الاسلاميه (حجاز)

مجمع الزوائد

مجمع كبير، طبرانى

مرآة الجنان، يافعى

مروج الذهب، مسعودى

مستدرک الوسائل

مستدرک بر صحيحين حاکم

مستدرک حاکم

مسند ابى يعلى موصلى

مسند احمد، الامام احمد بن حنبل

مسند امام حنبل

مشارق الانوار

مطالب السؤل

مفتاح النجاه، خطى

مقتل الحسين، خوارجى

مقدمه ابن خلدون

منتخب الاثر فى الامام الثانى عشر، لطف الله صافى

منتخب كنز العمال

ميزان الاعتدال

ن

نزهه الجليس

نعمانی

نورالابصار، شبلنجی

و

وسيله النجاه

وفيات الاعيان، ابن خلكان

ه

هدى السارى

ى

ينابيع الموده، حنفى قندوزى

ص: ۱۳۳

## فهرست منشورات مسجد مقدّس جمکران

۱ قرآن کریم / چهار رنگ - گلاسه رحلی خط نیریزی / الهی قمشه ای

۲ قرآن کریم / چهار رنگ - رحلی خط نیریزی / الهی قمشه ای

۳ قرآن کریم / وزیری خط نیریزی / الهی قمشه ای

۴ قرآن کریم / وزیری (با ترجمه) خط عثمان طه / الهی قمشه ای

۵ قرآن کریم / وزیری (بدون ترجمه) خط عثمان طه

۶ کلیات مفاتیح الجنان / وزیری خط افشاری / الهی قمشه ای

۷ کلیات مفاتیح الجنان / جیبی خط افشاری / الهی قمشه ای

۸ کلیات مفاتیح الجنان / نیم جیبی خط افشاری / الهی قمشه ای

۹ منتخب مفاتیح الجنان / جیبی خط افشاری / الهی قمشه ای

۱۰ منتخب مفاتیح الجنان / نیم جیبی خط افشاری / الهی قمشه ای

۱۱ ارتباط با خدا واحد تحقیقات

۱۲ آئینه اسرار حسین کریمی قمی

۱۳ آخرین خورشید پیدا واحد تحقیقات

۱۴ آقا شیخ مرتضای زاهد محمد حسن سیف الهی

۱۵ آیین انتظار (مختصر مکیال المکارم) واحد پژوهش

۱۶ از زلال ولایت واحد تحقیقات

۱۷ امامت، غیبت، ظهور واحد پژوهش

۱۸ امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام علم الهدی / واحد تحقیقات

۱۹ امام رضا علیه السلام در رزمگاه ادیان سهراب علوی

۲۰ انتظار بهار و باران واحد تحقیقات

۲۱ انتظار و انسان معاصر عزیز الله حیدری

۲۲ اهمیت اذان و اقامه محمد محمدی اشتهاودی

۲۳ با اولین امام در آخرین پیام حسین ایرانی

۲۴ بامداد بشریت محمد جواد مروّجی طبسی

۲۵ پرچمدار نینوا محمد محمدی اشتهاودی

۲۶ پرچم هدایت محمد رضا اکبری

۲۷ تاریخ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله / دو جلد شیخ عباس صفایی حائری

۲۸ تاریخ امیر المؤمنین علیه السلام / دو جلد شیخ عباس صفایی حائری

۲۹ تاریخ سید الشهداء علیه السلام شیخ عباس صفایی حائری

۳۰ تاریخچه مسجد مقدس جمکران / فارسی واحد تحقیقات

۳۱ تاریخچه مسجد مقدس جمکران / عربی واحد تحقیقات

۳۲ تاریخچه مسجد مقدس جمکران / انگلیسی واحد تحقیقات

۳۳ تاریخچه مسجد مقدس جمکران / اردو واحد تحقیقات

۳۴ تجلیگاه صاحب الزمان علیه السلام سید جعفر میرعظیمی

۳۵ جلوه های پنهانی امام عصر علیه السلام حسین علی پور

۳۶ چهارده گفتار ارتباط معنوی با حضرت مهدی علیه السلام حسین گنجی

۳۷ چهل حدیث / امام مهدی علیه السلام در کلام امام علی علیه السلام سید صادق سیدنژاد

۳۸ حضرت مهدی علیه السلام فروغ تابان ولایت محمد محمدی اشتهاردی

۳۹ حکمت های جاوید محمد حسین فهیم نیا

۴۰ ختم سوره های یس و واقعه واحد پژوهش

۴۱ خزائن الاشعار (مجموعه اشعار) عباس حسینی جوهری

۴۲ خورشید غایب (مختصر نجم الثاقب) رضا استادی

۴۳ خوشه های طلایی (مجموعه اشعار) محمد علی مجاهدی (پروانه)

۴۴ دار السلام شیخ محمود عراقی میثمی

۴۵ داستانهایی از امام زمان علیه السلام حسن ارشاد

۴۶ داغ شقایق (مجموعه اشعار) علی مهدوی

۴۷ در جستجوی نور صافی، سبحانی، کورانی

۴۸ در کربلا چه گذشت؟ (ترجمه نفس المهموم) شیخ عباس قمی / کمره ای

۴۹ درمان طبیعی بیماری ها علیرضا صدری

۵۰ دلشده در حسرت دیدار دوست زهرا قزلقاشی

۵۱ رسول ترک محمد حسن سیف اللهی

۵۲ روزنه هایی از عالم غیب سید محسن خرازی

۵۳ زیارت ناحیه مقدسه واحد تحقیقات

۵۴ سحاب رحمت عباس اسماعیلی یزدی

۵۵ سرود سرخ انار الهه بهشتی

۵۶ سقا خود تشنه دیدار طهورا حیدری

۵۷ سیمای مهدی موعود علیه السلام در آئینه شعر فارسی محمد علی مجاهدی (پروانه)

۵۸ سیمای امام مهدی علیه السلام در شعر عربی دکتر عبد اللهی

۵۹ ظهور حضرت مهدی علیه السلام سید اسد الله هاشمی شهیدی

۶۰ عریضه نویسی سید صادق سید نژاد

۶۱ عطر سبب حامد حجّتی

۶۲ عقد الدرر فی أخبار المنتظر علیه السلام / عربی المقدس الشافعی

۶۳ علی علیه السلام مروارید ولایت واحد تحقیقات

۶۴ علی علیه السلام و پایان تاریخ سید مجید فلسفیان

۶۵ فدک ذوالفقار فاطمه علیها السلام سید محمد واحدی

۶۶ فرهنگ اخلاق عباس اسماعیلی یزدی

۶۷ فرهنگ تربیت عباس اسماعیلی یزدی

۶۸ فوز اکبر محمد باقر فقیه ایمانی

۶۹ کرامات المهدی علیه السلام واحد تحقیقات

۷۰ کرامت های حضرت مهدی علیه السلام واحد تحقیقات

۷۱ کمال الدین و تمام النعمه (دو جلد) شیخ صدوق رحمه الله / منصور پهلوان

۷۲ کهکشان راه نیلی (مجموعه اشعار) حسن بیاتانی

۷۳ گردی از رهگذر دوست (مجموعه اشعار) علی اصغر یونسیان (ملتجی)



- ۷۴ گفتمان مهدویت آیت الله صافی گلپایگانی
- ۷۵ گنجینه نور و برکت، ختم صلوات مرحوم حسینی اردکانی
- ۷۶ مشکاه الانوار علامه مجلسی رحمه الله
- ۷۷ مفرد مذکر غائب علی مؤذنی
- ۷۸ مکیال المکارم (دو جلد) موسوی اصفهانی / حائری قزوینی
- ۷۹ منازل الآخرة، زندگی پس از مرگ شیخ عباس قمی رحمه الله
- ۸۰ منشور نینوا مجید حیدری فر
- ۸۱ مهدی علیه السلام تجسم امید و نجات عزیز الله حیدری
- ۸۲ مهدی منتظر علیه السلام در اندیشه اسلامی العمیدی / محبوب القلوب
- ۸۳ مهدی موعود علیه السلام، ترجمه جلد ۱۳ بحار - دو جلد علامه مجلسی رحمه الله / ارومیه ای
- ۸۴ مهر بیکران محمد حسن شاه آبادی
- ۸۵ میثاق منتظران (شرح زیارت آل یس) سید مهدی حائری قزوینی
- ۸۶ ناپیدا ولی با ما / فارسی واحد تحقیقات
- ۸۷ ناپیدا ولی با ما / انگلیسی واحد تحقیقات
- ۸۸ ناپیدا ولی با ما / بنگالا واحد پژوهش
- ۸۹ ناپیدا ولی با ما / ترکی استانبولی واحد پژوهش
- ۹۰ نجم الثاقب میرزا حسین نوری رحمه الله
- ۹۱ نشانه های ظهور او محمد خادمی شیرازی
- ۹۲ نشانه های یار و چکامه انتظار مهدی علیزاده
- ۹۳ نهج البلاغه / وزیر سید رضی رحمه الله / محمد دشتی

۹۴ نهج البلاغه / جیبی سید رضی رحمه الله / محمد دشتی

۹۵ و آن که دیرتر آمد الهه بهشتی

۹۶ وظایف منتظران واحد تحقیقات

۹۷ ویژگی های حضرت زینب علیها السلام سید نور الدین جزائری

۹۸ هدیه احمدیه / جیبی میرزا احمد آشتیانی رحمه الله

۹۹ هدیه احمدیه / نیم جیبی میرزا احمد آشتیانی رحمه الله

۱۰۰ یاد مهدی علیه السلام محمد خادمی شیرازی

۱۰۱ یار غائب از نظر (مجموعه اشعار) محمد حجّتی

۱۰۲ ینابیع الحکمه / عربی - پنج جلد عباس اسماعیلی یزدی

جهت تهیه و خرید کتاب های فوق، می توانید با نشانی:

قم - صندوق پستی ۶۱۷، انتشارات مسجد مقدس جمکران

مکاتبه و یا با شماره های ۷۲۵۳۷۰۰، ۷۲۵۳۳۴۰ - ۰۲۵۱ تماس حاصل فرمایید.

ص: ۱۳۶

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

